

دست‌آورد وزیر کشاورزی در
سیزدهمین دولت؟

۲۵۵

شماره نور ۱۴۰۰
پیمت و سومین سال
نومارن ۳۰۰۰۰

همه و کشاورز
www.iranagrilmagazine.com

ISSN 1735-0367

ifaj



صرافی خندان

KHANDAN

Exchange

شماره ثبت: ۴۵۶۳۵



شرکت تضامنی محسن خندان و شرکا

باجوز رسمی از بانک مرکزی ایران

(+98) 9121306937-(+98) 21-91070356-(+98) 9129360400



شرکت ملی شیمی کشاورز
Melli Agrochemical Co.



کوپراکسی کلراید

COPPER OXYCHLORIDE
WP %35

آدرس دفتر مرکزی: خیابان پاسداران، نیش نازنجستان دوم، پلاک ۵۰۱
تلفن: ۰۲۱-۴۴۸۳۳۱۵۷ - ۰۲۱-۴۴۸۳۳۱۵۷
دورنگار: ۰۲۱-۴۴۸۳۳۱۵۷
www.mac-ir.com info@mac-ir.com mellishimi

تولید کننده انواع سموم کشاورزی
دامی، بهداشتی-خانگی و کودهای شیمیایی
و دارنده اولین و بزرگترین کوره پسماندسوز کشور



ا س ا

Greenhouse

هلدينگ صنعتي «اسرار پويای شرق»

با برند **ا س ا**

توليدکننده، مجري و طراح

گلخانه‌های مدرن مکانيزه

با سازه آلومينيوم

و شيشه دوجداره

کارخانه:

خراسان رضوي، شهرستان سبزوار، کيلومتر ۱۱ جاده تهران
فاز دوم شهرک صنعتي سبزوار، انتهای صنعت ۱۵

با ما در ارتباط باشيد

۰۲۱۲۲۹۴۰۸۶۹

۰۹۱۲۰۶۱۲۴۲۷

دفتر تهران:

اقدسيه، بلوار گلزار

کوچه شببو، بلاک ۱۲، واحد ۶

ا س ا



 [gsa.greenhouse](https://www.instagram.com/gsa.greenhouse)

www.greenhouse.gsa.ir

info@gsa-co.com



یک حرکت، یک انتخاب درست

خدمات الکترونیکی بانک کشاورزی



مرکز ارتباط سبز: ۰۲۱-۸۱۳۰۱
اداره کلی روابط عمومی و همکاری های بین الملل
keshavarzibank
www.bki.ir



KITMAN

همراه سلامت من
Monitor Your Health



HITMAN.IB



تهران، خیابان طالقانی غرب، بین خیابان وسال
و میدان فلسطین، خیابان فریدون، شماره ۴۵، طبقه اول،
واحد یکم - تلفن: ۰۲۱ ۵۵۴۴ ۷۱۸۱
ایمیل: kitman@iranbehdasht.ir

گارانتی
۲ سال

فروش آنلاین



www.iranbehdasht.ir



یک نام و هزار لبخند



تهیه شده از فلفل تازه و طبیعی

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۹-۲۲۵۵۹۳۶۰ / تهران: ۰۲۱-۲۲۵۵۹۳۶۰ / خورنگار: ۰۲۱-۲۲۵۵۹۳۶۰

تلفن: ۰۸۱-۳۳۳۸۳۳۷۹ / خورنگار: ۰۸۱-۳۳۳۸۳۳۷۹



WWW.SAHARFOOD.COM @saharfood.co





سیاستگذاری

- ◀ سرمقاله: یک مرد و یازده اقلیم ... / ۸
- ◀ سخن ماه: که بسوزد تر و خشک ... / ۹
- ◀ کاهش زیان وارده بر طبیعت ... / ۱۰
- ◀ خزان تجارت بخش کشاورزی در بهار ۱۴۰۰ ... / ۱۲
- ◀ انگشت بخش کشاورزی زیر دندان وزارت صحت ... / ۱۴
- ◀ اثر گذاری صندوق‌های حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ... / ۱۶
- ◀ راه آسان‌تر مبادله ... / ۱۷
- ◀ انتخاب معاونان وزیر از "زنان مدیر" ... / ۱۸
- ◀ ضرورت نظارت قوی بر سلامت محصولات کشاورزی ... / ۱۹
- ◀ یک قرن مبارزه بیولوژیک با آفات در ایران ... / ۲۰
- ◀ تئوری قدرت از «فوکو» تا «ساداتی‌تژاد» ... / ۲۲



۲۵۵

ماده‌نامه کشاورزی، تخصصی
کاربره و تبدیلی

شماره یور ۱۴۰۰

تولیدات گیاهی

صاحب امتیاز و مدیر مسئوله
ابوالقاسم گزالیاف
رئیس شورای سیاستگذاری
مهندس مهدی رجواندوزایی
مدیرین:
مهندس حسین کاظمی
روابط بین‌الملل:
علی گزالیاف
مرکز پژوهش‌های بازرگانی:
مهندس کبری لطفی ۰۹۱۹۳۹۹۶۷۱۹
طراح گرافیک:
محمودرضا طالب‌زاده

صنایع دام، طیور
و آبزیان

خبرنگران:
مهندس کبری لطفی میسامندی
زهرا روستایی‌زاده
مرکز پژوهش‌های بازرگانی و تبلیغات:
پروانه آذانی
امیرحسینک سمنانی
امیرمحمد عراقی
سرویس عکس ماهنامه:
پرویز نبوی - ملیکا گزالیاف
بخش اشتراک:
سمیه لطفی
ناظر چاپ:
احمد خلیلی‌نیک
چاپ:
پارن شب، تهران، کارگر جنوبی
خیابان آقابازار، پلاک ۱۴

صنایع غذایی

بخش آگهی‌ها
۰۲۱ - ۸۸۸۳۳۹۹۴
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۳۳۹۹
t.damkeshi@gmail.com
بخش اشتراک ماهنامه:
۰۲۱ - ۸۸۸۳۳۹۹۳
m.eshtrak@gmail.com
نظاتی ماهنامه:
تهران، خیابان متقصدشاهی
خیابان گلزار، شماره ۵۴
گدیسپی:
۱۵۷۵۷۴۳۶۷۱
تهران- صندوق پستی:
۱۴۱۵۵ - ۵۴۶۷

- ☺ شرکت "بایر" باز هم شکست خورد ... / ۲۲
- ☺ مردی با شناسنامه کویرهای ایران ... / ۲۴
- ☺ خارشتر و تقدیه دام ... / ۲۵
- ☺ رقیق روزهای سخت ... / ۲۸
- ☺ زکات مدیریت، ذکاوت راهبردی ... / ۲۹
- ☺ نگاهی به کشاورزی آینده ... / ۳۰
- ☺ نقش کشاورزی آرگانیک در بیداری سیستم غذایی ... / ۳۲
- ☺ رتبه اول تخریب خاک در دنیا ... / ۳۴
- ☺ فرو ریختن مقاومت تراریخته‌ها به آفات ... / ۳۶
- ☺ پرداخت غرامت یکصد میلیون دلاری ... / ۳۷
- ☺ ایران در شتاب بیابانی شدن ... / ۳۸
- ☺ دلایل کاهش قیمت انرژی خورشیدی ... / ۴۰



- صنعت دامداری در افقا ... / ۴۱
- نظام‌های قیمت‌گذاری شیر خام ... / ۴۲
- قاچچه در راه ... / ۴۴
- روزی برای دریای روزی‌دهنده ... / ۴۶
- مسائل پس از تولید آبزیان، رها شده است ... / ۴۷
- چگونه زنبوردار حرف‌های شویم؟ ... / ۴۸
- نژادهای مختلف زنبورعسل ... / ۴۹
- زبان بدن سگ‌ها ... / ۵۰



- راه سنگلاخ صنایع تبدیلی و تکمیلی ... / ۵۱
- افسانه بوچ و خالی از حقیقت گوشت‌خواری ... / ۵۲
- تغییر مفهوم «غذای خوب» در طول زمان ... / ۵۴



مؤسسه علمی-تخصصی دام و کشت و صنعت



مطبقه‌فارسین جهانی خورشیدگرا کف‌انداز

معاونت سلامت و کهنیت خدمات و تولیدات مرغی شده و محتوای آگهی‌ها و رپرتاژها به‌عنوان طرح کتب سفارش‌دهنده است



ابولفاسم کلیمیان

وزیر در چکاپ آمارهای متناقض نهادهای آمارساز!! یک مرد و یازده اقلیم

ساداتی‌نژاد در برنامه خود، اشارات جدی به برون‌سپاری و چابک‌سازی، استفاده از مشارکت مردمی تامین امنیت‌غذایی، فسادستیزی، حمایت از سرمایه‌گذاری در کشاورزی، پاسخگویی به ذی‌نفعان از جمله دست در جیب کشاورزان نکردن، قیمت‌گذاری اجباری نکردن و ... نام برده که در یک کلام، سپردن کار کشاورزی به بهره‌برداران و نمایندگان آنان در تشکلهای و دخالت نکردن معنی می‌شود تا وزارتخانه تنها نظارت و حمایت بکند.

تسهیل فرایند صدور مجوزها، توانمندسازی عشایر و روستاییان، سرعت و دقت در اجرای انگوی کشت، کشاورزی قراردادی، افزایش بهره‌وری، ترویج سهم‌بری از دانش تولید، ضریب نفوذ دانش، ایجاد پالایشگاه غلات و برخی محصولات دیگر در منطقه، یکپارچه‌سازی داده‌ها و اطلاعات کشاورزی (تصحیح آمار و اطلاعات) از جمله ایده‌هایی است که قاعدتا تز و آنتی‌تز آن دیده شده است. از دیگر سو، ایده‌های ویژه‌ای مانند تولید غذا و پروتئین در اراضی بدون آب، سنددار کردن اراضی کشاورزی، خودکفایی در محصولات اساسی، توسعه دیپلماسی و بهبود طراز تجاری، خوداتکایی در هسته‌های اولیه تولید بذر و مواد ژنومیک دیگر نهاده‌ها گرچه می‌تواند عملیاتی باشد اما در یک برنامه یک‌ساله، یا ۴ ساله و آنهم با منابع مالی و تضادهای سیاسی موجود، خودتحریمی‌ها و ... جای بحث و اما و اگر دارد. موضوع دیگری که شبهه کارشناسی دارد تعهد افزایش سطح زیرکشت اراضی دیم از ۴/۴ میلیون هکتار (که امسال کمتر از ۴ میلیون تن محصول داده) به ۱۰ میلیون هکتار است (بگذریم که برخی اعتقاد دارند تا ۵۰ میلیون هکتار کشت دیم نیز ممکن است) یعنی فقر بیشتر خاک و آب در زمین‌هایی که کمتر از ۵۰ میلی‌متر بارندگی دارند. البته دیسک‌زدن و بذر پاشیدن در ۱۰ میلیون هکتار زمینی که اگر حداقل ۱۵ میلیون تن گندم یا جو نهدند قاعدتا اشتباه و تضعیف منابع آب و خاک را به همراه دارد؛ یا افزایش ضریب مکانیزاسیون در کشاورزی از ۱/۷ به ۲/۲ در هنگامه‌ای که تراکتور به‌میزان کافی وجود ندارد و رانت محسوب می‌شود، یا با توصیه نماینده مجلس توزیع می‌گردد و آنچه هست، نه استاندارد است و نه به‌صرفه و از طرفی تعرفه‌های سنگین باندی اجازه نمی‌دهد انواع تراکتور و ادوات با کیفیت وارد و رقابت منطقی شود.

فراموش‌شدگان

در همین حال در این برنامه مسائل با اهمیتی چون تحول در آموزش، ترویج و برون‌سپاری تحقیقات دولتی، اصلاح بخش‌های مشکل‌دار و لاینحل زنجیره‌های ارزش به‌ویژه در صنعت دام و طیور یا امر اجتناب‌ناپذیر استارت‌آپ‌ها، کشاورزی خانوادگی (قاملی) و تلفیقی در روستاها به صورت جامع دیده نشده است.

ساداتی‌نژاد با مشوره‌های خوبی که از مدیران، معاونان و کارشناسان گرفته، برخی از اصحاب رسانه‌های تخصصی و البته مدیران ارشد و میانی وزارتخانه که با تمام توان در حال ارائه راجل و راهکار به ساداتی‌نژاد بوده (تا وی احساس نکنند در کار صدارت تنها و یا کم اطلاع نسبت به مدیریت منابع و توسعه است) و در حال تعامل با وی هستند.

به همین جهت انتظار می‌رود گزینش و چینش معاونان وزیر، روسای سازمان‌های مستقل، مدیرعامل بانک کشاورزی و مدیران کل استان‌ها با بررسی کامل عملکرد، توان اجرایی و مدیریتی افراد معرفی شده و حتماً غیرسیاسی و غیرجناحی بودن آنها صورت گیرد. □

در نخستین روزهای اعلام نام رئیسی به‌عنوان کاندیدای دولت سیزدهم برای وزارت جهادکشاورزی دهها ستاد، کمیته، اتاق فکر، شورای حمایتی و ... با پسوند کلمه کشاورزی در دولت مردمی ایران قوی ۱۴۰۰ به ترویج توانمندی‌ها و اقتصاددانی رئیسی در حوزه کشاورزی پرداختند، و هر کس از هر ناحیه، داعیه وزیر شدن داشت.

اما در انتها نام فردی به‌عنوان وزیر پیشنهادی وزارت جهادکشاورزی به مجلس اعلام شد که نه رزومه‌ای بر نیزه کرد و نه مصاحبه مطبوعاتی و رسانه‌ای ترتیب داد بلکه با خیال راحت تنها با اتکاء به مدارج کاری خود پیش رفت و با رای حداکثری (۲۵۲) سکان هدایت بخش کشاورزی را در دست گرفت.

قبل از آن، برخی از کسانی که برای وزیر شدن با وی رقابت می‌کردند در کار حمایت از وزیر پیشنهادی و جلب آراء نمایندگان برای رای تایید وی یا هر امیدی وارد کارزار شدند و آن را به رخ ساداتی‌نژاد کشیدند که رای فلان چند نماینده را برای حمایت و تایید شما گرفتیم، در حالی که آن چند نماینده بعضاً خود معامله‌گران قهارتری بودند و تمایل داشتند آراء خود را با نصب مدیران یا پروژه‌های دلبد خود تهاثر کنند!

اقتدار کشاورزی، جایگزین نفت

ساداتی‌نژاد در برنامه مکتوبی که به‌عنوان «تحول کشاورزی ایران با رویکرد جهانی» به مجلس ارائه نمود، آرزو کرد تا کشاورزی را در قالب موتور محرکه اقتصادی، جایگزین نفت نماید.

برنامه‌ای که بیشتر جهت‌گیری و رویکرد منطبق با فضای عمومی جامعه داشت و مهلت می‌خواهد تا برنامه شود و قابلیت اجرایی واقعی و کامل پیدا کند با این همه، ساداتی‌نژاد در برنامه‌های خود به ناچار تکیه بر آمارهای دست‌ساز وزارتخانه، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و ... زده که به‌منظر می‌رسد اگر در ابتدا، تعریفی از آمار واقعی می‌داد بسیار شایسته‌تر بود. به‌عنوان مثال زمانی که ساداتی‌نژاد رقم ۱۲۹ میلیون تن (تقریباً مجازی) را به‌عنوان پایه تولید می‌پذیرد، یعنی که به این رقم صحنه گذاشته است.

در حالی که کارشناسان و ارزیابان قنی و آنها که سرشان در حساب و کتاب و هکتار و کیلوگرم و تناژ و تبدیل و تقسیم است، به این رقم نمی‌رسند اما وی تعهد می‌کند که در آفاق ۱۴۰۴، به میزان ۱۶۵ میلیون تن یعنی در پایان هر سال زراعی ۹ میلیون تن اضافه بر تولیدات سال قبل گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، گندم و ... محصول تحویل دهد؛ آن هم با این شرایط نهاده‌ها، آب، میزان رضایت و اقبال کشاورزان، خزانه خالی لرزی و ...

در این میان اما می‌توان به عملیاتی بودن بخش‌های زیادی از برنامه‌های ساداتی‌نژاد اعتماد بیشتری داشت که پیش از این به گفته معاونان وزارت جهادکشاورزی، تنها فردی که به دقت و با حوصله به نظرات، نقدها و تحلیل‌های معاونان، چالش‌ها و راهکارهای آنان گوش فرا می‌داد و همواره از آنان سوال می‌کرد، ساداتی‌نژاد بود.

وی در دوران ریاست کمیسیون کشاورزی مجلس نیز گرچه بسیار جدی و غیرقابل نفوذ می‌نمود اما مدعوین به کمیسیون کشاورزی از محاسبه‌گر بودن او و یادداشت‌برداری و سوالات فراوان وی تا رسیدن به حقیقت و البته پافشاری بر نظرات خود می‌گویند.

در سرمقاله شماره قبل (۲۵۲) ستون دوم، پاراگراف پنجم، به‌جای عبارت «۱۰ میلیون ۱۰ تنی سوید یک میلیارد تومان رانت در دل خود جابه‌جا می‌کنند» به اشتباه «یک کلیمیان ۱۰ تنی سوید» نوشته شد که ضمن پوزش، اصلاح می‌گردد.



مهدی رجوبی

برهم زدن محیطزیست و در واقع نابود کردن آن، بر مبنای منافع کدام دسته و گروه است و بر اساس کدام دلایل و مدارک، منافع فردی یا گروهی بر منافع ملی اولویت پیدا می‌کند؟ و مهم‌ترین پرسش آن که، این کوچانده‌شدگان به کجا باید بروند؟ در سرتاسر کره زمین، دیگر تمام کشورها مرزبندی و حصار مشخص و پذیرفته شده دارند و همانند هزار سال قبل نمی‌توان جل و پلاس را بر پشت الاغی یا قاطرهای نهاد و از سرزمینی به سرزمینی دیگر مهاجرت کنند و حتی کوچ کردن درون سرزمینی نیز دیگر چندان ساده نیست.

سرزمین خشک فلات ایران، محیطزیست بسیار شکننده و آسیب‌پذیری دارد، چرا که میانگین نزولات آسمانی آن یک‌سوم تا یک‌پنجم میانگین جهانی است، اما تیخیر در آن سه برابر میانگین جهانی یعنی ۲۷۰۰ میلی‌متر است. بنابراین هرگونه تعدی و تجاوز و نامهربانی می‌تواند منجر به نابودی حیات آن گردد. در حالی که متوسط بارندگی جهانی بالاتر از ۷۰۰ میلی‌متر است، در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ کل بارندگی‌ها در ایران ۱۴۹ میلی‌متر یا در حدود یک‌پنجم میانگین جهانی بوده است.

طی سه دهه گذشته، صدها روستای کشور به دلیل کاهش منابع آبی از سکنه خالی شده، در حالی که مستولان می‌توانستند با برنامه‌ریزی و تامین اعتبارات لازم در بهینه‌سازی روش‌های مصرف آب، این روستاها را زنده نگه دارند اما به نظر می‌رسد که به‌عمد نسبت به آن‌ها بی‌توجهی کرده‌اند. نتیجه چنین روندی افزون بر ۱۱ میلیون انسان حاشیه‌نشین در اطراف شهرها است.

سخن‌بانه

یکی از عوامل برهم زدن محیطزیست به‌طور یقین سدسازی‌های بی‌رویه و غیرضروری بوده است که موجب خشک شدن رودخانه‌ها، قطع روند نفوذ آب در زمین، بیابان کردن محیطزیست پایین دست سدها، از بین بردن پهنه‌های جنگلی و مرتعی و نابود کردن بسترهای اقتصادی ساکنان آنها بوده است.

بسیاری از این سدسازی‌ها برخلاف استانداردهای واقعی و در نظر گرفتن پایداری محیطزیست مناطق متأثر از احداث آن‌ها بوده است. سدسازی‌های پلکانی روی رودخانه‌هایی مانند کارون و کرخه و ذخیره آب آن‌ها برای تیخیر در طول سال، به نابودی کامل این رودخانه‌ها و خشک شدن زیست محیط‌هایی چون هورالعظیم و هورالهوریزه گردیده است. مناطقی که هزاران نفر از وجود آنها ارتزاق می‌کردند، اما اکنون به خیل بیکاران پیوسته‌اند. ماهی‌های تالاب شادگان که روزگاری منبع معیشت حاشیه‌نشینان آن بود، دیگر وجود ندارند. همین روند مشابه بر زاینده‌رود، سیمینه‌رود و بسیاری از رودخانه‌ها و محیطزیست‌های دیگر اعمال شده و میلیون‌ها روستایی را از وطن اجدادی‌شان رانده است.

زمانی شعار «کشاورزی محور اقتصاد» داده می‌شد، اما مگر کشاورزی، دامداری، باغداری و ... جدا از محیطزیست‌اند، مگر زندگی روستاییان جدا از محیطزیست است؟! ما یک وطن داریم که با تخریب و ویرانی هر نقطه‌ای از آن، دودش به چشم همه خواهد رفت. اگر دولتمردان بر این اندیشه‌اند که تصمیم‌گیری مخرب و سوءتدبیر آن‌ها فقط دامنگیر مردم می‌شود، یک اشتباه استراتژیک را مرتکب می‌شوند، چرا که یک روز در پیشگاه افکار عمومی و تاریخ باید پاسخگو باشند. فکر نکنند که انتقال آب از سرشاخه‌های دز و کارون برای راهاندازی کارخانه‌های فولاد هم‌قکران و هم‌قبیله‌های‌شان از یادها خواهد رفت. بیابان کردن تالاب گلوخونی، دریاچه پیرشان، هورالعظیم و ... برجسی تاریخی از عملکرد دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی است.

بیش از این محیطزیست کشور را نابود نکنید، منابع آب را از بین نبرید، روستاییان را وادار به کوچ و مهاجرت نکنید، مرگ محیطزیست به معنای مرگ حیات بر این سرزمین است و «آتش چو بر آفروخت»

بسوزد تر و خشک!

مطلبی را می‌خواندم که اگر چه دیدگاهی نسبتاً بدبینانه داشت اما رگه‌هایی از حقیقت نیز در آن دیده می‌شد و آن سخت شدن شرایط زندگی برای ساکنان برخی از حوزه‌های جغرافیایی کشور نظیر سیستان و بلوچستان، خوزستان، هرمزگان و ... است تا اهالی آن‌ها خود با پای خود از این مناطق بروند! حرکتی که می‌تواند روستاییان را به حاشیه شهرها و شهرنشینان را به سایر مناطق جغرافیایی کشور کوچ دهد.

شاید ساده‌ترین راه برای دستیابی به چنین هدفی، بستن آب روی این حوزه‌ها باشد تا با تغییرات زیست‌محیطی، جان‌مایه ادامه زندگی از آن‌ها گرفته شده و به ناچار، ترک وطن را پیشه کنند.

اما در این روند پرسش‌هایی مطرح می‌شود که وادار کردن جوامعی که صدها سال در یک منطقه جغرافیایی سکونت داشته و جزئی از آن شده و در واقع بخشی از محیطزیست آن هستند، بنابر کدام اهداف صورت می‌گیرد؟ چه پدیده‌ای ارزشمندتر از حیات بشری است که باید این گونه بی‌ارزش شود؟

کوچاندن محیطزیستی

«که بسوزد تر و خشک»





حمید رضا رشعی

دانشجوی دکترا دانشگاه واحد علوم و تحقیقات

استاد راضما: دکتر وکیلی فر

اگرچه انسان از هنگام ظهور روی کره زمین، پیوسته روند رو به رشدی را طی کرده و هر روز او متفاوت از دیروز بوده، اما به نظر می‌رسد که دیگر به انتهای راه و در یک بن‌بست زیستی گرفتار شده است. منابع ارزنده‌ای چون خاک، آب، محیط‌زیست، جنگل‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها، کوه‌ها و یخچال‌ها، جامعه جانوری، گیاهی و هر موجودی را که آثاری از حیات در آن دیده می‌شود، لگام گسیخته رو به تابودی به پیش می‌رود.

البته در این یکم‌تازی‌ها، افرادی نگران و آزرده به دنبال یافتن راه‌هایی برای کاهش زیان‌های وارد شده بر طبیعت و محیط‌های زیست هستند.

در این راستا شاخه جدیدی در حسابداری با عنوان «حسابداری محیط‌زیست» پدیدار شده تا به نوعی، از خسارات وارده به محیط‌زیست، ارزیابی‌هایی به عمل آورد.

در اواخر سال ۲۰۰۷، مجله نیویورک‌تایمز از بروز یک قاجعه زیست‌محیطی در آسیا خبر داد که عامل آن آلودگی شدید آب وهوا در سرتاسر آسیا بود و بتایر یک برآورد، سالیانه در حدود ۲ میلیون آسیایی در اثر آلودگی‌های زیست‌محیطی جان خود را از دست می‌دهند.

به موازات این مرگومیر، قاره آسیا به سرعت در حال از دست دادن منابع طبیعی خود مانند ذخایر آبزیان، جنگل‌ها و سایر منابع طبیعی است.

نکته مهم در این‌جا جایگزین نشدن منابع از دست‌رفته در کوتاه‌مدت است، چرا که آنچه از دست می‌رود حاصل میلیون‌ها سال روند تکامل جانداران روی کره زمین است و به دلیل ظرفیت‌های ثابت آن‌ها، به علت شتاب روزافزون فعالیت‌های انسانی در معرض تابودی جدی قرار گرفته‌اند.

پیش از انقلاب صنعتی اول و در بازه زمانی ۱۷۶۰ تا ۱۸۴۰ و قبل از فوران نفت از اولین چاه حفر شده در آمریکا در ۲۷ اوت ۱۸۵۹، دنیا جای خوب و مناسبی برای زندگی بود و همه چیز روآل طبیعی خود را طی می‌کرد.

چهار فصل در تاریخ‌های مقرر می‌آمدند و می‌رفتند، رودخانه‌ها در مسیر هزاران ساله خود به دریاها می‌ریختند و ماهی‌ها از آلوده شدن آب‌های محل زندگی‌شان دچار مرگ زودرس نمی‌شدند.

راژ بقا در طبیعت روند مسالمت‌آمیز خود را طی می‌کرد، جنگل‌ها با آواز گنجشک‌ها از خواب بیدار می‌شدند و با صدای جقدها به خواب می‌رفتند.

کسی برای قطع یک درخت پانصد ساله تبر به دست نمی‌گرفت، دریاچه‌ها نمک‌زار نمی‌شد و طوفان‌ها از انسان‌ها انتقام نمی‌گرفتند.

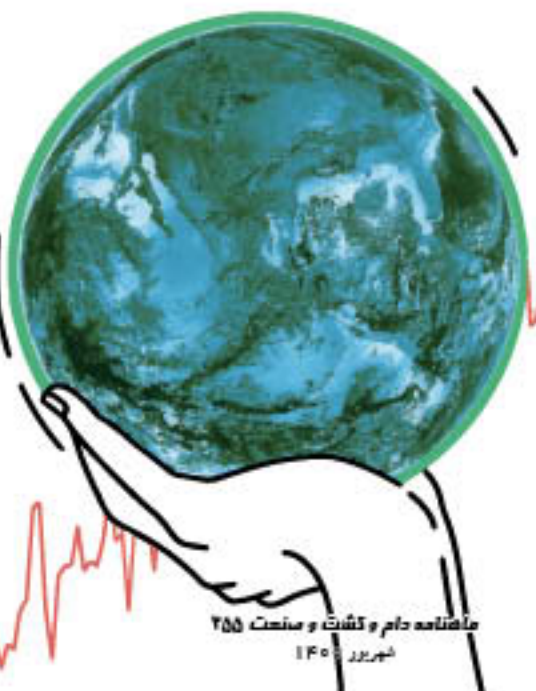


پدیده حسابداری سبز

کاهش زیان وارده بر طبیعت

نگاه به یک آمار کوتاه، هشدارها را جدی‌تر نشان دهد:

- یک‌چهارم خشکی‌های زمین در معرض خشکسالی و بیابانی شدن است.
- در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ (سی‌سال)، میزان باران‌های جنگلی ۴۰ درصد کاهش یافته است.
- تعداد گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر انقراض از ۲۲۰ گونه به ۲۵ هزار مورد در سال ۲۰۱۵ رسیده است.
- ۴۰ درصد از اراضی کشاورزی کیفیت خود را از دست داده‌اند.
- نیمی از جنگل‌های کره زمین و نیمی از اراضی حاصلخیز از بین رفته‌اند.
- غلظت و شدت آلودگی در دریاها و خشکی‌ها به سرعت افزایش یافته است.
- موارد فوق و تخریب ایجاد شده در محیط‌زیست، بسیاری از کشورها و سازمان‌ها را بر آن داشت تا در پی راهکارهایی به منظور مدیریت اثرات زیست‌محیطی خود باشند.
- به‌منظور کاهش این اثرات، اولین اقدام جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با هزینه‌های زیست‌محیطی در حساب‌هایی بود به نام «حسابداری محیط‌زیست».
- فرآیندهای زیست‌محیطی منحصر به یک منطقه و محل وقوع آن به تنهایی نیست و در موارد زیادی از مرزهای تعیین شده بین کشورها فراتر می‌رود بنابراین باید با دیدگاهی جهانی به آن نگریست و مسئولیت فرامنطقه‌ای در مورد آن داشت.
- در نیمه دوم قرن بیستم، ساکنان زمین تئوری چیرگی انسان بر طبیعت را در پیش گرفتند که حاصل آن تخریب شدید محیط‌زیست به‌همراه شدت یافتن توسعه صنعتی بود. در این راستا، محیط‌زیست کشور ما در بدترین وضع خود طی این ۴ دهه قرار گرفته است.



در این تحقیق ابتدا مبانی نظری در رابطه با حسابداری محیط‌زیست ارائه می‌شود.

تعریف حسابداری محیط‌زیست

حسابداری محیط‌زیست در برگیرنده مجموعه قواعدی است که موجب بهبود توان سیستم حسابداری برای شناسایی، ثبت و گزارشگری آثار ناشی از تخریب و آلودگی محیط‌زیست می‌شود. حسابداری محیط‌زیست مبتنی بر تلفیق محیط‌زیست به‌عنوان یک منبع سرمایه و در نظر گرفتن هزینه‌های زیست‌محیطی به منزله یکی از هزینه‌های قابل قبول در فرآیندهای اقتصادی و محاسباتی است.

هدف از حسابداری زیست‌محیطی، فراهم کردن اطلاعات برای ارزیابی عملکرد، تصمیم‌گیری، کنترل و گزارش به مدیران است.



دلایل سودمند حسابداری زیست‌محیطی

این شاخه از حسابداری در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان رشته حسابداری و طرفداران محیط‌زیست واقع گردیده است؛ چرا که با اصلاح مدیریت هزینه‌های زیست‌محیطی، مزایای بسیاری برای سلامتی جامعه را در پی داشته است.

چند نکته مهم:

- سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست و کاهش هزینه‌های غیرضروری که امکان دارد هیچ ارزش‌افزوده‌ای ایجاد نکنند
- مدیریت هزینه‌های زیست‌محیطی به‌منظور کاهش آلودگی‌ها و حفظ سلامت عمومی.
- مزیت رقابت‌پذیری محصولات سازگار با محیط‌زیست در بازار
- حسابداری محیط‌زیست به مدیران کمک می‌نماید تا بتوانند در موارد لازم از قبیل برآورد هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک تصمیم مناسب اتخاذ کنند.
- مبنای تهیه گزارش حسابداری زیست‌محیطی همان اصول پذیرفته شده حسابداری است که بر سر چگونگی برخورد با هزینه‌های محیط‌زیستی هر سازمان و اقدامات آن در قبال مسائل محیط‌زیست را مشخص می‌کند.

هزینه‌های محیط‌زیست در این تحقیق شامل موارد زیر است:

• هزینه‌های اقدامات زیست‌محیطی

• زیان‌های زیست‌محیطی

این هزینه‌ها امکان دارد در زمان حال یا این که در آینده ایجاد شوند. معمولاً هزینه‌های زیست‌محیطی در دوره جاری در صورت‌های مالی سازمان‌ها آورده می‌شود، اما با در نظر گرفتن احتمال وقوع آن‌ها، هزینه‌های زیست‌محیطی آینده پیش‌بینی می‌شوند.

اهداف حسابداری محیط‌زیست

این اهداف را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- تعیین فرصت‌های زیست‌محیطی و محدود کردن هزینه‌هایی که فاقد ارزش‌افزوده هستند.
- برآورد و محاسبه هزینه‌های محیط‌زیستی شرکت‌ها و گنجاندن آن‌ها در هزینه‌های سربار شرکت‌ها.
- مشخص کردن فرصت‌های محیط‌زیستی برای ایجاد سود خالص؛
- ایجاد و نگهداری یک سیستم اطلاعاتی زیست‌محیطی به‌منظور ارتقاء مدیریت عملیاتی؛
- تعیین هزینه‌ها و بازده آتی ناشی از پیاده‌سازی اطلاعات مدیریت محیط‌زیست؛
- کمک به طراحی یک فرآیند تولید کالا و خدمات سازگار با محیط‌زیست. □

اگرچه در قانون اساسی حفظ محیط‌زیست یکی از اصول مندرج در آن است، اما چندان توجهی به آن نشده است. ایران در حال حاضر به ۱۸ معاهده بین‌المللی در حفظ محیط‌زیست ملحق شده که به تصویب مجلس نیز رسیده‌اند و در حکم قانون هستند.

تخریب محیط‌زیست به ویژه در دهه ۱۹۸۰ موجب گردید تا دولت‌ها و ملت‌ها هرچه بیشتر به اثرات فعالیت‌های تجاری و صنعتی بر محیط‌زیست توجه نمایند.

در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از محققان که بیشتر آنان، آمریکایی بودند به مسائل اخلاقی و اثرات اجتماعی فعالیت‌های شرکت‌های صنعتی پرداختند و در سال ۱۹۸۲ گزارشی با عنوان «محدودیت‌هایی برای رشد» منتشر شد که به پیامدهای زیان‌بار افزایش شدید فعالیت‌های اقتصادی، مصرف بی‌رویه منابع طبیعی و آلودگی‌های زیست‌محیطی پرداخته بود.

در همین سال در استکهلم (سوئد) کنفرانسی برپا شد که به اثرات منفی فعالیت‌های انسانی بر محیط‌زیست پرداخته بود. طی ۴ دهه پس از ۱۹۸۰، روند بررسی آثار مترتب بر محیط‌زیست و حساب و کتاب آن همچنان ادامه دارد و به‌طور روزانه اطلاعات بیشتری از چگونگی محیط‌زیست منتشر می‌شود.

حال با ظهور شاخه‌ای به نام حسابداری محیط‌زیست، تحقیقات بسیاری در این زمینه و در سراسر جهان صورت گرفته که متأسفانه آن‌چنان که باید در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است. هر چند برخی از شرکت‌های داخلی عملکردهای محیط‌زیستی خود را در توضیحات صورت‌های مالی و گزارش‌های هیات‌مدیره‌ها می‌آورند که انتظار می‌رود سرنوشت محیط‌زیست به‌طور واقعی مورد توجه آنان قرار گیرد.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
گزارشی در مورد تجارت بخش کشاورزی
و غذایی در مدت فصل بهار سال ۱۴۰۰ منتشر کرده و در
آن، تجارت این محصولات در کشور را مورد بررسی قرار
داده است.

صادرات آب

در مدت سه ماهه نخست سال ۱۴۰۰، عمده‌ترین محصولات صادراتی گروه کشاورزی و غذایی، به ترتیب شامل «پسته‌ها با پوست تازه یا خشک»، «هندوانه» و «گوجه‌فرنگی» بوده که این سه محصول به‌تنهایی حدود ۳۰ درصد از کل ارزش صادرات محصولات کشاورزی و غذایی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مهم‌ترین مقاصد صادراتی نیز کشورهای عراق، افغانستان و امارات متحده‌عربی بودند که بیش از ۵۳ درصد کل صادرات به این کشورها انجام شده بود.

مهم‌ترین اقلام وارداتی محصولات کشاورزی و غذایی در فصل بهار ۱۴۰۰ به ترتیب «ذرت دامی»، «روغن خام دانه آفتابگردان و کلزا» و «دانه سویا تراریخته» بوده که در مجموع ۴۵ درصد از کل ارزش واردات را به خود اختصاص داده‌اند و محصولاتی مانند گندم، جو، کنجاله سویا، برنج، شکرخام، روغن پالم، روغن خام سویا، موز، چای و دیگر محصولات در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند.

مهم‌ترین مبادی واردات محصولات کشاورزی ایران طی این مدت نیز کشورهای امارات متحده‌عربی ۲۸/۱ درصد به ارزش ۹۶۵ میلیون دلار، ترکیه ۱۱/۷ درصد به ارزش ۴۰۱ میلیون دلار، سوئیس ۸/۶ درصد و ۲۹۴/۹ میلیون دلار، فدراسیون روسیه ۷/۶ درصد و ۲۶۰/۵ میلیون دلار. همچنین، انگلستان با ۷/۲ درصد، هند و برزیل هر کدام با ۵/۹ درصد و کشورهایمانند سنگاپور، آژانتین، آلمان و ... در رده‌های بعدی قرار دارند.

مهم‌ترین مقصد کالاها برای صادرات عبارتند از: عراق با مقدار ۳۹۸ میلیون دلار، ۳۲/۶ درصد؛ افغانستان یا ۱۳۴ میلیون دلار، ۱۰/۹ درصد؛ امارات متحده‌عربی با ۱۲۰ میلیون دلار، ۹/۸ درصد و فدراسیون روسیه با ۹۵ میلیون دلار، سهم ۷/۸ درصدی از مقاصد صادراتی محصولات کشاورزی و غذایی ایران را داشته‌اند. کشورهای پاکستان با ۵/۲ درصد، هند ۵/۲ درصد، ترکیه ۴/۷ درصد، چین ۳/۲ درصد و آلمان ۳ درصد در رده‌های بعد قرار می‌گیرند.

از نکات مهم دیگر این گزارش، این‌که در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۰ محصولات کشاورزی ۱۱/۴ درصد از کل صادرات کالایی ایران و ۳۲/۸ درصد از کل واردات را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین، میانگین قیمت صادرات محصولات کشاورزی و غذایی در مدت مورد بررسی حدود ۵۰۸ دلار به‌ازای هر تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۶ درصد کاهش یافته و میانگین قیمت واردات نیز طی بازه مذکور با افزایش ۴۵/۲ درصدی نسبت به فصل نخست سال ۱۳۹۹ به ۵۳۹ دلار به‌ازای هر تن رسیده است.

براساس این گزارش، تجارت محصولات کشاورزی و غذایی، طی فصل نخست سال جاری بالغ بر ۴/۶ میلیارد دلار بوده که از این مقدار، حدود ۱/۲ میلیارد دلار آن صادرات و ۳/۴ میلیارد دلار واردات بوده است که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۱۳۹۹ ارزش صادرات این محصولات ۱/۱ درصد کاهش و ارزش واردات ۳۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

سهم صادرات و واردات این محصولات از کل صادرات و واردات کالایی در مدت مذکور به ترتیب ۱۱/۴ درصد و ۳۲/۸ درصد بوده است.

خران تجارت بخش کشاورزی در بهار ۱۴۰۰



در گفت‌وگو با چند تن از صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی این موضوع را مورد بررسی بیشتر قرار داده‌ایم:

سیاست‌گذاری‌های غلط، عامل واردات



سیدرضا نورانی، رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی ایران و رئیس انجمن ارگانیک در این مورد به خبرنگار ما گفت: در مورد منفی بودن تراز تجاری اگر یک نگاه اجمالی به امار و ارقام سال‌های قبل

هم داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که این تراز تقریباً همیشه منفی بوده است. چون کسانی که سیاست‌گذار بوده‌اند، درست عمل نکرده و این موضوع باعث شده که ما به این نقطه برسیم.

وی با بیان اینکه امروزه در دنیا کشورهایی می‌توانند ایز قدرت و قوی باشند که بتوانند غذا تولید کنند، گفت: وقتی که به جدول‌های فائو توجه کنید، ایران را یک کشور کشاورزی می‌شناسند ولی ما به کشاورزی، بی‌توجه هستیم و سیاست‌های اشتباه و غلطی که در پیش گرفته‌ایم، به زیان کشاورز بوده است.

ارزهای دولتی را به واردات اختصاص داده‌ایم و ناخودآگاه به تولیدکنندگان خارجی یارانه و به تولیدات داخلی زیان وارد کرده‌ایم. اگر از کشاورزی خودمان حمایت می‌کردیم، امروز چنین مشکلاتی نداشتیم.

ما به پنهان‌کاری کشور را به واردکننده تبدیل کرده‌ایم؛ در صورتی که با اعمال مدیریت صحیح و استفاده درست از منابع آبی که در دسترس داریم، می‌توانستیم بهره‌وری از منابع آب را بالا ببریم.

نورانی ادامه داد: از طرفی ما دیپلماسی اقتصادی درستی در بخش کشاورزی نداشته و حتی با کشورهای دوست هم نتوانسته‌ایم روابط درستی تعریف و پروتکل‌های لازم و متناسبی را با این کشورها به امضا برسانیم. به‌طوری‌که معمولاً تعرفه‌های واردات پایین و تعرفه‌های صادرات به این کشورها بالا است. برای مثال کشوری مانند هندوستان برای سیب درختی ایران تعرفه ۶۰ درصدی قرار داده در صورتی که برای کشورهای دیگر این تعرفه وجود ندارد.

وزارت خارجه باید دیپلماسی اقتصادی متناسبی با این کشورها برقرار می‌کرد اما چنین کاری انجام نشده است.

وی در ادامه گفت: مسئله بعدی این است که محصولاتی نظیر هندوانه و گوجه‌فرنگی در راس صادرات قرار دارند که محصولات بسیار آب‌بری هستند و این نشان می‌دهد که ما یک سیاست منطقی را دنبال نکرده‌ایم.

از طرفی، متأسفانه دولت تاکنون صادرات را جدی نگرفته است. در صورتی که در شرایط تحریم، صادرات موثری می‌توانست بسیاری از مشکلات کشور را مرتفع کند، اما متأسفانه نهادهای تصمیم‌گیرنده به‌درستی عمل نکردند و به جای این‌که در شرایط تحریم صادرکنندگان را حمایت کنیم، با قوانین دست‌وپا گیر مانع کار صادرکنندگان واقعی شدیم. بنابراین دولت سیزدهم باید دو هدف امنیت غذایی و ایمنی غذایی را به صورت جدی مدنظر داشته باشد.

زیان تولیدکنندگان به دلیل خودتحریمی

منصور پوریان، رئیس شورای تامین‌کنندگان دام کشور نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید:

یکی از مزیت‌های اقتصادی کشور ما کشاورزی است که متأسفانه به دلیل نبود تصمیم‌گیری صحیح در سال‌های اخیر در بحث بازرگانی یا تراز منفی روبرو شده است.

دولت در دو دوره گذشته در بخش کشاورزی عملکرد مناسبی نداشت؛ ممنوع کردن صادرات و دخالت دادن بانک مرکزی در تمام موضوعات مرتبط با تجارت خارجی مانند واردات تهاده و ... باعث مشکلات زیادی برای اقتصاد شد. با این‌که در بسیاری از محصولات مازاد تولید داشتیم، اما دولت اجازه صادرات نمی‌داد.

وی توضیح داد: تولید در کشور ما معمولاً فصلی است. مثلاً در بحث پرواربندی در فصول بهار و تابستان با مازاد تولید مواجه هستیم و ۵-۶ میلیون راس دام پرواری مازاد بر مصرف داخلی داریم اما اجازه صادرات به این تولید اضافی را نمی‌دادند بلکه برعکس واردات نیز انجام و باعث انباشت دام در دامداری‌ها می‌شد که تولیدکننده را دچار زیان می‌کرد.

در حال حاضر ما ۵-۶ میلیون گوسفند پرواری داریم که روی دست تولیدکننده مانده است. حتی در همین شرایط که وزیر جهاد کشاورزی ۲-۳ ماه قبل اعلام کرده که براساس بررسی‌های به‌عمل آمده صادرات دام بدون مانع است اما دستورالعمل‌های آن اجرایی نشده است. بنابراین وقتی صادرات را محدود می‌کنند، تراز منفی می‌شود و از طرفی، زیان هنگفتی هم به تولیدکنندگان وارد می‌گردد.

پوریان افزود: تا سال ۹۴-۹۳ گوشت قرمز، مرغ، تخم‌مرغ و ... در بین کالاهای صادراتی بودند، اما از آن به بعد دیگر از سبد صادراتی خارج شده‌اند که نشان می‌دهد صادرات سرکوب شده است.

از طرفی این همه سخت‌گیری‌های بانک مرکزی به صادرکنندگان برای تحویل ارز و ... نیز روی صادرات تاثیرگذار است. بانک مرکزی از صادرکنندگان برای بازگشت ارز حاصل از صادرات، تعهدنامه می‌گیرد. در صورتی که در این شرایط سخت تحریم، صادرکنندگان با ریسک بالایی مواجه‌اند و ممکن است اصلاً نتوانسته باشند پولشان را بگیرند و به داخل منتقل کنند؛ چون مشکلات بانکی وجود دارد و در میانه صادرات، بخشنامه‌های ممنوعیت صادرات اعلام می‌کنند چرا که صادرکننده نتوانسته است به تعهداتش عمل کند.

امان از بی‌برنامگی

بهرام نظری، مدیرعامل سابق اتحادیه پنبه و دانه‌های روغنی کشور و فعال اقتصادی نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: حقیقت ماجرا این است که ما برای اینگونه مسائل هیچ برنامه مشخصی نداریم.

چنانچه در این گزارش ملاحظه می‌کنید، از جمله مهم‌ترین محصولات صادراتی ما هندوانه و گوجه‌فرنگی است که دو محصول بسیار آب‌بر هستند و توجیه فنی برای کشور ما ندارند. نکته مهم دیگر این‌که بعد از اتفاقات اخیر در افغانستان، صادرات ایران به این کشور فعلاً قطع شده و یکی از فرصت‌های ما از دست رفته است.

وی ادامه داد: از نکات مهم دیگر این گزارش، مبادی عمده وارداتی سه کشور امارات، ترکیه و سوئیس هستند. در صورتی که این کالاهای وارداتی را کشورهای نامبرده تولید نمی‌کنند، بلکه به دلیل شرایط تحریم به اجبار باید از مسیر این کشورها کالاهای ما وارد کنیم و این موضوع یعنی تحمیل هزینه‌های بیشتر و گران تمام شدن کالا.

نکته دیگر این‌که بسیاری از این کالاها چون با ارز دولتی وارد شده‌اند، دوباره به صورت قاچاق و چندین برابر قیمت ارز دولتی صادر می‌شوند. ❏



پیشنهاد حذف ماده ۲

یکی از مواد این طرح که حرف و حدیث‌های زیادی در مورد آن مطرح شد، ماده ۲ آن بود که به تشکیل «سازمان توسعه تجارت کشاورزی ایران» اشاره داشت. این سازمان قرار بود از ادغام معاونت بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی و سایر واحدهای ذی‌ربط این وزارتخانه با تشخیص وزیر جهاد کشاورزی و همچنین واحدهای مرتبط با بخش کشاورزی در وزارت

صنعت، معدن و تجارت تشکیل شود که وظایف آن در ۱۰ بند ذکر شده بود. همچنین این ماده ۴ تبصره داشت که در روز ششم تیر ۱۴۰۰ موضوع بحث نمایندگان مجلس بود و در نهایت نمایندگان، به پیشنهاد حذف این ماده که توسط نصرالله پژمان‌فر

نماینده مشهد و کلات مطرح شده بود، رای مثبت دادند و این ماده حذف گردید. از جمله ایرادات پژمان‌فر به این ماده، ایجاد و توسعه در ساختارها و ایجاد فساد ناشی از آن بود. همچنین مقایرت با ماده ۲۸ قانون برنامه، مقایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی و ایجاد بار مالی، مقایرت با سیاست‌های کلی نظام اداری که چابک‌سازی را دنبال می‌کند، بود. وی در مخالفت با این ماده عنوان کرد: مطرح کردن این موضوع در شرایط تغییر دولت و روی کار آمدن دولت جدید، منطقی نیست و بهتر است به دولت جدید بار مالی تحمیل نکنیم و اگر صلاح بدانند آن را در قالب لایحه به مجلس ارائه خواهد داد.

پژمان‌فر در ادامه گفت: با مطرح کردن رایزن کشاورزی، در آینده هر بخشی ممکن است بخواهد برای خودش رایزن مجزا داشته باشد که این به صلاح نیست.

طرح «تقویت امنیت غذایی کشور و رفع موانع تولیدات کشاورزی» که کلیات آن در جلسه مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده بود، به دلیل حساسیت و نیاز به بررسی کارشناسی، با تصمیم هیات‌رئیس مجلس، به منظور بررسی شور دوم به کمیسیون کشاورزی ارجاع داده شد.

کمیسیون مذکور نیز پس از انجام اصلاحاتی در محتوا، طرح مذکور را در ۱۲ ماده به‌عنوان طرح «پشتیبانی و رفع موانع تولید کشاورزی» در جلسه روز یکشنبه ۱۴۰۰/۳/۲ به تصویب رساند.

در این جلسه متاسفانه مواضع سلیقه‌ای، منافع جناحی و بانندی موجب پیشنهاد برخی از موارد از سوی دولت و مجلس شد که روح طرح را با پژمردگی مواجه کرد.

سر نوشت ناتمام «سازمان توسعه تجارت کشاورزی»

انگشت بخش کشاورزی

زیر دندان وزارت صمت

بعضی ادغام‌های گذشته کمکی به مردم نکرد

محمدحسین آصفری نیز از دیگر نمایندگان بود که در مخالفت با ماده ۲ این طرح صحبت کرد. وی عنوان کرد: ما قبلاً تجربه‌های زیادی از ادغام داشته‌ایم که هیچ نتیجه‌ای برای رفع مشکلات مردم نداشته است. این که ما بخواهیم مجموعه‌های مختلف وزارت جهاد کشاورزی را ادغام و یک سازمان جدید تشکیل بدهیم، مقایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی است؛ چرا که در این اصل به صراحت گفته شده است که طرح‌های قانونی، پیشنهادها و اصلاح‌هایی که نمایندگان در خصوص طرح‌ها و لوایح قانونی عنوان می‌کنند، نباید به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی بینجامد و در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن، روش کاهش میزان درآمد یا تامین هزینه جدید معلوم باشد.

مخالفت دولت با ماده ۲

نماینده دولت نیز در این جلسه مجلس شورای اسلامی، مخالفت خود را با ماده مذکور اعلام کرد. از دلایل دولت این بود که رایزنی‌های اقتصادی با دیگر کشورها توسط سازمان توسعه تجارت انجام می‌شود و جدا کردن کشاورزی در این خصوص، باعث ایزوله شدن آن در مباحث مربوط به تجارت خواهد شد.

ضمن این که تشکیل «سازمان توسعه تجارت کشاورزی» عملاً موجب افزایش سطوح عمودی، افقی و سلسله مراتب عمودی و افقی در دستگاه‌های دولتی می‌شود و بار مالی ایجاد می‌کند که با سیاست‌های کلی نظام اداری که متناسب‌سازی و چابک‌سازی را دنبال می‌کند، تناقض دارد.

همچنین، با ماده ۲۸ قانون برنامه که کاهش ۱۵ درصدی حجم و اندازه دولت را دنبال می‌نماید، مقایرت دارد. بنابراین دولت مخالف این ماده ۲ است و پیشنهاد حذف آن را دارد.





دفاع تمام قد کمیسیون کشاورزی از ماده ۲

سیدجواد ساداتی‌نژاد، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و محیط‌زیست مجلس نیز که نظر کمیسیون را در این مورد بیان می‌کرد، خطاب به نمایندگان مجلس گفت: توجه داشته باشید موضوع بسیار مهمی در منظر آنها برای تصمیم‌گیری برای کشاورزی قرار دارد که باعث تحولی بزرگ در این عرصه خواهد شد.

کشاورزان، دامداران، مرفداران و ... با هدف سیاست‌گذاری، تمرکز در برنامه‌ریزی و نظارت بر تجارت و بازرگانی کالاهای کشاورزی، چشم به مجلس دوخته‌اند.

تجمیع بخش‌های پراکنده و ناکارآمد

وی ادامه داد: براساس این ماده، بخش‌هایی که به‌صورت پراکنده و ناکارآمد در وزارت صمت و وزارت جهادکشاورزی فعالیت دارند و نتوانسته‌اند مشکل تجارت و بازار محصولات کشاورزی را تا به امروز حل کنند، در صدد تجمیع و کارآمد کردن آن هستند؛ چرا که سازمان توسعه تجارت در وزارت صمت، تاکنون قدم اساسی برای محصولات کشاورزان بر نداشته و ما به دنبال ایجاد یک مدیریت واحد در حوزه تجارت و بازرگانی محصولات کشاورزی هستیم.

دستیابی به این موضوع نیاز به بازاریابی ساختارها دارد؛ بنابراین بهتر است که همه تصمیم‌ها در این خصوص در وزارت جهادکشاورزی که متولی امر است لحاظ شود.

انگشت بخش کشاورزی زیر دندان وزارت صمت

ساداتی‌نژاد افزود: امروز شاهد آن هستیم که با وجود تمام زحمات کشاورزان و وزارتخانه جهادکشاورزی برای تولید محصولات غذایی، اما در بسیاری از محصولات واردکننده هستیم؛ چرا که تصمیمات وزارت صمت در حوزه تجارت، زحمات آنها را نابود کرده و باعث قفر کشاورزان شده است. بنابراین، این اتفاق (یعنی ماده ۲ مورد بحث) به نفع کشاورزان و بخش خصوصی در کشور است و باعث واگذاری امور به مردم و کشاورزان خواهد شد.

ساداتی‌نژاد با بیان این‌که اهداف این بند (ماده ۲) بسیار مهم و اساسی است، گفت: این طرح مسائل مهمی مانند توسعه بازار صادرات کالاهای کشاورزی، ارتقای نقش تشکلهای فراگیر کشاورزی در تجارت داخلی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، برندسازی و نشانه‌های تجاری، حذف تشریفات زائد و ... را دنبال می‌کند.

در این طرح دو شرکت مادر تخصصی GTC و پشتیبانی امور دام، برای این‌که با بخش خصوصی رقابت نداشته باشند، زیر مجموعه سازمان پیشنهادی قرار گرفته‌اند تا متولی تولید، منافع بخش خصوصی را در نظر داشته باشد.

بار مالی و توسعه ساختار اتفاق نمی‌افتد

وی ادامه داد: این ماده هیچ معیارهایی با ماده ۲۸ ندارد و اتفاقاً در راستای اهداف آن است؛ چون با این ادغام، کارآمدی افزایش می‌یابد و هیچ بار مالی و توسعه ساختاری نیز در آن نیست. بلکه بخش‌های پراکنده وزارتخانه را ذیل فرمانده واحد، یعنی وزارت جهادکشاورزی جمع می‌کند.

حذف ماده ۲ به خواست نمایندگان

در ادامه بررسی این ماده در مجلس شورای اسلامی با وجود اصرار کمیسیون کشاورزی، آب و محیط‌زیست مجلس به تصویب، اما نمایندگان به حذف آن رای مثبت دادند و درنهایت از دستور کار خارج گردید. پس از حذف ماده ۲، بقیه طرح برای اصلاح به کمیسیون کشاورزی ارجاع داده شد. □

موافقان ماده ۲ طرح پشتیبانی و رفع موانع تولید کشاورزی

از طرف دیگر برخی نمایندگان با حذف این ماده مخالف و موارد مطرح شده در این ماده را به سود کشاورزان و امنیت غذایی کشور می‌دانستند.

رایزن کشاورزی

باعث رونق تجارت بخش کشاورزی

از نمایندگان موافق ماده ۲، سیدسلیمان ذاکر بود که وجود این ماده را ضروری عنوان کرد و گفت: اگر در کشاورزی ضربه‌ای دیده‌ایم، به‌خاطر صادرات ناکارآمد و قفل بوده است.

وی در ادامه گفت: اولاً رایزنان تجاری‌مان را طی این سال‌ها از دست داده‌ایم؛ رایزنانی که در سال‌های گذشته به کشورهای مختلف می‌فرستادیم.

اما در یکی دو سال اخیر یک اتفاق تهدیدگونه اتفاق شد و آن هم این‌که ما رایزن تجاری نداشتیم و در نتیجه تجارت خارجی نیز عملاً از دست رفت؛ چرا که وجود رایزن یعنی تسهیل تجارت و بازاریابی و تجارت خارجی کشاورزی است که بسیار اهمیت داشته و تمام طرح مذکور به ماده ۲ آن وابسته است.

وی در ادامه توضیح داد که تصویب این ماده به هیچ‌عنوان باعث ایجاد تشکیلات و ساختارهای جدید نیست.





حسین کاظمی

به نظر می‌رسد اولین چالش بزرگ پیش روی صندوق‌های حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، سردرگمی پیرامون ماهیت صندوق، نقش، وظیفه و کارکرد صندوق‌ها باشد. شاید بتوان گفت، این صندوق‌ها چشم‌انداز و مأموریت مشخصی را که مورد تأیید و وثوق همه ذی‌نفعان باشد ندارند و همین خلاء استراتژیک باعث شده برداشتهای متفاوت و متناقضی نسبت به کارکرد آنها به وجود آید که طبیعی است قضاوت و ارزیابی در خصوص عملکرد صندوق‌ها را مقداری سخت و تا اندازه‌ای از دقت و ظرافت آن‌ها می‌کاهد.

بر اساس قانون، این صندوق‌ها باید با مشارکت «دولت و تولیدکنندگان» تشکیل می‌شود، اما در قریب به اتفاق صندوق‌های ملی-محصولی و صندوق‌های استانی، رویه بر مبنای مشارکت بین دولت و تشکل‌هایی مانند اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها و ... قرار گرفته است و تولیدکنندگان عملاً ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای با این صندوق‌ها ندارند.

اگرچه مزیت این سیاست‌گذاری (که به نظر می‌رسد خلاف قانون باشد)، تقویت تشکل‌های فوق است، اما با توجه به ساختار ته‌چندان قوی تشکل‌ها در بخش کشاورزی و فقدان نظارت‌های موثر، نقدهایی به این سیاست‌گذاری وارد است. اولین ایراد اینکه تسهیلات با کارمزد پایین (تقریباً ۴ درصدی) که صندوق‌ها برای تولیدکننده لحاظ می‌کنند در نهایت گاهی با چند برابر این کارمزد به دست آنها می‌رسد؛ چون از کاتال تشکل‌های فوق گذر می‌کند! همچنین، چنین رویه‌ای باعث می‌شود در مواردی نمایندگان تشکل‌ها که در ترکیب هیات‌مدیره صندوق‌ها قرار می‌گیرند، صلاحیت فنی و تخصصی لازم را نداشته و مهم‌تر از همه اینکه تولیدکننده آن بخش نبوده و چون سرمایه شخصی در صندوق ندارند، در نتیجه نسبت به شرایطی که خود تولیدکننده (سرمایه‌گذار و سهامدار حقیقی) مشارکت داشته باشد، دلسوزی کمتری خواهند داشت.

گاهی ممکن است تشکل‌هایی که در تشکیل صندوق‌ها مشارکت دارند، با این صندوق‌ها تضاد منافع نیز داشته و بعضاً خود به نوعی رقیب صندوق محسوب می‌شوند. در چنین شرایطی مشخص است که وقتی نمایندگان تشکل‌ها برای تصمیم‌گیری‌ها در صندوق مراجعه می‌کنند، منافع تشکل خود را به منافع صندوق ترجیح می‌دهند (و البته واضح است که از نظر منافع، اشتراکاتی هم دارند).

بنابراین با توجه به نکات ذکر شده، اولی‌تر آن است که تولیدکننده یا به اصطلاح

سهامدار حقیقی، خود به صورت مستقیم با صندوق مشارکت داشته باشد، همانطور که در صندوق‌های شهرستانی و برخی صندوق‌های محصولی، این فرایند جاری است.

لزوم اصلاح نوع نگاه وزارت جهاد کشاورزی به صندوق‌ها

از دیگر چالش‌های قابل تامل صندوق‌های حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی آن است که اساساً در مجموعه وزارت جهاد کشاورزی، صندوق‌ها به عنوان نهادهای توسعه‌ای و نمایندگان بخش تولید یا اصلاً به رسمیت شناخته نمی‌شوند یا چندان‌که باید به آنها توجهی صورت نمی‌گیرد و در این مورد ارجحیت را به اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها و همان تشکل‌هایی می‌دهند که در صندوق‌ها عضویت دارند. در واقع یکی از مصادیق تضاد منافی که در سطور قبل ذکر گردید، می‌تواند همین مورد باشد که در این مسئله تشکل‌ها و صندوق احتمالاً با هم رقابت داشته باشند.

بسته به شرایط، ممکن است مشمولیت و پوششی که صندوق‌ها در یک صنف دارند و همچنین شناخت آنها از صنف مورد نظر، حتی از اتحادیه‌ها و انجمن‌ها و ... بیشتر و عمیق‌تر باشد. از طرفی، تقلیل وظایف صندوق‌ها، صرفاً به عنوان یک نهاد و مرجعی برای ارائه وام به تولیدکنندگان، باعث کاهش اثرگذاری صندوق‌ها و حتی کشیدن ترمز پیشرفت و افزایش سرمایه آنها خواهد شد. برای مثال در بسیاری از مواقع، ارزش‌افزودهای که یک مبلغ وام در یک فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند، به مراتب کمتر از زمانی است که صندوق همین مبلغ را با نگاه توسعه‌ای و مثلاً برای انتقال تکنیک، دانش فنی و امثالهم سرمایه‌گذاری می‌نماید. اما شرایط حاکم و نوع نگاه بالادستی و انتظارات، ناخواسته صندوق‌ها را به سمت پرداخت وام سوق می‌دهند.

در شماره‌های بعد دقت‌نظر بیشتری روی صندوق‌های توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی خواهیم داشت و برخی از این صندوق‌ها را به صورت موردی انتخاب و چالش‌های آن را بررسی خواهیم کرد که منطقی است بسیاری از مسائل آن را می‌توان به دیگر صندوق‌ها نیز تعمیم داد. □

صندوق‌های حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بر اساس ماده ۱۲ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی تأسیس و از سال ۱۳۸۳ تاکنون قریب به ۱۵۴ صندوق با سرمایه شتی بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد ریال در همین چارچوب شکل گرفته است. یک ظرفیت نهادی توانمند برای کمک به توسعه بخش کشاورزی که شاید آن گونه که باید به آن پرداخته نشده است.

بررسی عملکرد و اثرگذاری، این صندوق‌ها نیازمند بحث‌های کارشناسی و مفصل است تا بتوان نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی آن‌ها را به صورت دقیق موشکافی کرد و راهکارهایی برای افزایش اثربخشی و بهرهوری این ظرفیت نهادی بزرگ در بخش کشاورزی پیشنهاد داد. اما در این نوشتار تلاش خواهد شد، به طور مختصر برخی موضوعات مهم و چالشی که فراروی این صندوق‌ها قرار گرفته است را مطرح و در شماره‌های بعد، واکاوی بیشتری در مورد آنها به عمل آورد.

اثرگذاری

صندوق‌های حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری

در بخش کشاورزی





در گفت‌وگو با مهندس روشن یکتا، فعال اقتصادی و رئیس بخش کشاورزی اتاق مشترک بازرگانی ایران و روسیه به این موضوع پرداخته‌ایم:

مهندس روشن یکتا، رئیس بخش کشاورزی اتاق مشترک بازرگانی ایران و روسیه در گفت‌وگو با مجله «دام و کشت و صنعت» می‌گوید سالانه حدود ۱۵-۱۴ میلیارد دلار واردات محصولات کشاورزی داریم که حدود ۲۵ میلیون تن کالا را شامل می‌شود و بیشترین مقدار آن را غلات و نهاده‌های دامی تشکیل می‌دهد.

وی ادامه داد: ما به دلایلی تاکنون نتوانسته‌ایم مسیر کشورهای اوراسیا و کشورهای C.I.S. را فعال کنیم. یک مشکل اساسی این است که ما زیرساخت‌های لازم برای حمل‌ونقل کالا به این کشورها را به وجود نیاوردیم.

بزرگ‌ترین وسایل حمل‌ونقلی که در حال حاضر در این مسیر داریم، کشتی‌های ۳-۵ هزار تنی است. اما در مسیرهای دیگر مانند آمریکای جنوبی و استرالیا کشتی‌های بالاتر از ۲۵ هزار تن برای حمل بار موجود است.

یکتا در ادامه افزود: ساخت راه‌آهن شمال-جنوب و فعال شدن آن می‌تواند تا میزان زیادی به رفع این مشکل کمک کند، که آن نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. خط ریلی که از هندوستان شروع و به هلستیک (فنلاند) وصل می‌شود و کشورهای زیادی (روسیه و دیگر کشورها اوراسیا) در مسیر آن قرار دارند در کشور ما از اهمیت آن غافل شده و متأسفانه بخش کوچکی از آن در ایران به دلیل سوءمدیریت‌ها تاکنون راه‌اندازی نشده است.

این مسیر یک خط ریلی بین‌المللی بسیار مهم است که می‌توانست منافع فراوانی برای ایران به همراه داشته باشد؛ اما بدون استفاده مانده است.

یکتا افزود: در ایران متأسفانه فقط بخش کوچکی از این خط‌آهن یعنی مسیر رشت تا آستارا باقی مانده و ساخته نشده که متأسفانه یک اشتباه بسیار بد مدیریتی بوده و معلوم نیست چرا تاکنون این موضوع از سوی دولت‌ها و مسئولان ایرانی نادیده گرفته شده است.

راه‌آهنی که بخش عظیمی از کشورهای کره زمین به آن وصل هستند،

در ایران فقط به اندازه رشت تا آستارا نیمه‌کاره مانده و کشور ما را از منافع آن بی‌بهره کرده است. مسئله بسیار عجیبی است که چرا تاکنون این موضوع مهم مورد فراموشی قرار گرفته و اگر کسی که حداقل یک ذره به فکر این مملکت باشد، نباید چنین موضوع مهمی را نادیده می‌گرفت. اگر این مسیرها راه بیفتد، هزینه‌های واردات و صادرات کالا پایین‌تر می‌آید و ارتباطات تجاری ما توسعه پیدا می‌کند. زمان و هزینه تبادلات در این مسیر بسیار کمتر از دیگر مسیرهای تجاری است. موضوع حمل‌ونقل در این مسیر یک موضوع جدی است که باعث می‌شود هزینه تمام‌شده محصولات صادراتی کشور ما به این کشورها بالاتر برود و توان رقابت با دیگر کشورها را نداشته باشیم.

این فعال با تجربه اقتصادی می‌گوید: یکی دیگر از مسیرهای تجاری ما برای روسیه، مسیر دریایی از راه دریای سیاه به بنادر غربی این کشور است که کشورهایی مانند ترکیه از این مسیر به خوبی استفاده می‌کنند؛ اما در این مسیر فعالیت نداریم.

رئیس بخش کشاورزی اتاق مشترک بازرگانی ایران و روسیه در ادامه می‌گوید: ما در شرایط تحریم، مشکلات بانکی هم داریم؛ در مسیرهای تجاری مانند آمریکای جنوبی، سرمایه‌گذاران ترس چندانی ندارند. ارتباطات و لابی‌هایی برای تجار در طول زمان شکل گرفته است و با شناختی که از همدیگر دارند، در حال تجارت هستند. اما در این مسیر هنوز این اتفاق‌ها رخ نداده و مراحل لازم به خوبی پخته نشده و ارتباطات تجاری ما با این مناطق، مانند دیگر مسیرها شکل نگرفته است.

در این زمینه دیپلماسی اقتصادی بسیار اهمیت دارد. معمولاً سفرهای ما که به کشورهای دیگر می‌روند قراردادی سیاسی هستند و گرایش آنها به مسائل اقتصادی کمتر است و لازم است که دیپلماسی اقتصادی فعال داشته باشیم. □

یکی از مسیرها و بازارهای مهم تجاری برای کشور ایران، ارتباط بازرگانی با کشورهای حوزه C.I.S. اوراسیا و کشور روسیه است.

بخش زیادی از واردات ما در بخش کشاورزی را نهاده‌های دامی مانند ذرت، سویا، جو و ... و همچنین برخی کالاهای اساسی دیگر مانند روغن خوراکی و گندم تشکیل می‌دهد که کشورهای مذکور مهم‌ترین تولیدکنندگان این اقلام به شمار می‌روند و به راحتی می‌توانند نیاز ما به این کالاها را تامین نمایند.

از طرفی، این کشورها با شناخت شرایط اقلیمی کشورمان و پتانسیل‌های آن، مشتری بسیاری از محصولات تولیدی ما هستند. چنانچه مدیریت صحیحی بر موضوع اعمال شود و زیرساخت‌های آن فراهم آید، تامین این نهاده‌های مورد نیاز در عرصه کشاورزی و دیگر کالاها برای کشور ما و نیز صادرات به این کشورها، هزینه‌های به مراتب کمتر در مقایسه با دیگر کشورها خواهد داشت.

اما این ارتباطات تجاری چندان که باید توسعه پیدا نکرده و هنوز نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌هایی که این مسیر تجاری برای ما دارد به خوبی استفاده کنیم.

C.I.S. به «کشورهای مستقل همسود» گفته می‌شود
Commonwealth of Independent States



در مناظره‌های انتخاباتی دوره سیزدهم ریاست‌جمهوری که از تلویزیون پخش می‌شد، موضوع زنان و جایگاه آنها در جامعه و البته در ساختار هیات دولت یکی از مباحثی بود که قریب به اتفاق کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای کسب آرای این قشر جامعه بر آن تمرکز ویژه‌ای داشتند و هر کدام از کاندیداها قول انتخاب وزیرانی از بین بانوان را می‌دادند. این اش تبلیقاتی تا آنجا شور شده بود که یکی از کاندیداها برای پایان دادن به آن گفته بود که «اصلا من تمام کابینه‌ام را از بین بانوان انتخاب می‌کنم و ...»

اما در نهایت آنچه پس از معرفی رسمی وزیران دولت رئیسی دیدیم، همه وزیران پیشکش، حتی یک وزیر مثل آموزش و پرورش، ورزش و جوانان و ... از زنان انتخاب نشده بود و هیچ رد و نشانی از بانوان در آن دیده نمی‌شد. این مجموعه عظیم که نیمی از جمعیت کشور است و این نیروی کارآمد انسانی که نیمی از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها هستند را نادیده گرفته می‌شود و مانند آنچه درباره اقلیت‌ها و بعضی اقوام اتفاق افتاد، بانوان هم جایگاهی در هیات دولت نداشتند! اما به هر حال اتفاقی است که افتاده و آب رفته لاقل آنچه از شواهد پیدا است فعلا به جوی باز نخواهد گشت. اما اینک در حدود ۲۷ کشور، معاونان وزیر زن در وزارتخانه‌های کشاورزی یا هم‌نام، فعال هستند.

بانوان در کسوت معاون وزیر جهاد کشاورزی

اما در حوزه کشاورزی که قشر عظیمی از جامعه ایرانی را در بر گرفته‌ایم که وزیر جهاد کشاورزی به صورت جدی این موضوع را در نظر بگیرد و در واقع نقیصه‌ای که در هیات دولت شاهد آن هستیم را در ترکیب معاونان و مدیران این وزارتخانه برطرف نماید. شاید دیگران هم از این موضوع درسی بگیرند چرا که نزدیک به ۱۱ میلیون نفر از جمعیت روستایی و کشاورزان مستقر در روستاها و اراضی کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند. شایسته است ساداتی‌نژاد در انتخاب معاونان خود، بانوان کاردان و با تجربه را که در سمت‌های استانی و ملی فعال بوده و هستند را قراموش نکنند؛ چرا که در بدنه این وزارتخانه عریض و طویل، بانوان باتجربه و مدیر، بسیار یاقت می‌شود. آنچنان که همه ما دیده‌ایم و شاهد و گواه این مدعا هستیم، طی برنامه، مصوب شده بود که ۲۵ درصد مدیران وزارتخانه از بین مدیران خاتم انتخاب شوند.

در آن صورت در بین هشت تا ۹ معاون وزیر، شایسته است حداقل ۳ معاون وزیر از جمع خاتم‌ها انتخاب گردد. امروزه در بین کارشناسان و کارکنان وزارت جهاد کشاورزی، بانوانی در رده‌های مختلف مدیریتی از مدیران کل جهاد کشاورزی استان‌ها گرفته تا مدیران روابط عمومی و ... چه در بخش مدیریت و چه در کارهای اجرایی بزرگ موفق بوده‌اند و از خود لیاقت و توانمندی‌های بزرگ به نمایش گذاشته‌اند.

شاید به جرات بتوان گفت که از صدر تا ذیل بخش کشاورزی خواه در بخش دولتی و خواه در بخش خصوصی، اگر نگوییم که زنان بیشتر از مردان بار مسئولیت این بخش را همده دارند بدون شک، در این خصوص کمتر از آنها نیز نیستند، چنانچه در هیچ کدام از دیگر بخش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی بدین‌شکل بانوان ما در پیشبرد اهداف آن بخش ممکن است مشارکت نداشته باشند. شاید بتوان گفت که تنها آموزش و پرورش در این مورد به بخش کشاورزی شباهت‌هایی دارد.

در یک خانواده کوچک روستایی و در هر واحد تولیدی دیگر بخش کشاورزی، دام، طیور، شیلات، زنبورعسل، نوغانداری، باغداری و ... اگر چه شاید مدیریت آن، مستقیما در حیطه قدرتمند بانوان نباشد اما حضور بانوان در این امور کاملا جدی، تاثیرگذار و غیرقابل انکار است و می‌توان گفت بدون وجود این موتور محرکه، چرخ کشاورزی مملکت هرگز توان چرخیدن نخواهد داشت.

در بخش‌های تعاونی نیز علاوه بر تعاونی‌های موفق و درخشان بانوان روستایی که تا دورافتاده‌ترین مناطق را تحت پوشش خود دارند، در بسیاری از تعاونی‌ها و تشکل‌های دیگر نیز حضور بانوان چشمگیر است.

خاتم مدیران ارشد قابل افتخار

در بخش دولتی و بدنه وزارتخانه هم که جایگاه بلند بانوان در سراسر بدنه وزارتخانه مشهود است؛ از کارشناسان مراکز خدمات و مدیریت‌های جهاد کشاورزی شهرستان‌ها گرفته تا سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها و مدیرکل‌های ستادی در وزارتخانه و بخش‌های تحقیقاتی، روابط عمومی‌ها و ... خدمات بانوان غیرقابل چشم‌پوشی است. امید است ساداتی‌نژاد این تالی را بشکند و حداقل ۲ معاون زن را در چیتش مدیران و هم‌وزنه معاونان خود بگمارد و از این پتانسیل عظیم استفاده نماید تا نشان دهد که نه در کلام بلکه در عمل برای بانوان جایگاه و ارزش قائل است. □



زنان؛ ۲۵ درصد مدیران وزارتخانه!

انتخاب معاونان وزیر از "زنان مدیر"

بخش سوم و پایانی

دو بخش از گفت‌وگوی مفصل مجله «دام و کشت و صنعت» با دکتر علیرضا رفیعی‌پور، مشاور وزیر و رئیس دفتر محیط‌زیست و سلامت غذای وزارت جهادکشاورزی را در شماره‌های قبل این نشریه (۲۵۳ و ۲۵۴) تقدیم حضور خوانندگان کردیم. اینک بخش سوم و پایانی این مصاحبه:



دکتر علیرضا رفیعی‌پور

مشاور وزیر و مدیرکل دفتر محیط‌زیست و سلامت غذای وزارت جهادکشاورزی،

ضرورت نظارت قوی بر سلامت محصولات کشاورزی

گرچه در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه، اشاره‌های مستقیمی تا مرز ۲۵ درصد به تولید محصولات سالم و ارگانیک شده است. اما به نظر می‌رسد این برنامه‌ها محقق نگردیده است؟

چرا محقق شده است. شما این‌گونه به قضایا نگاه کنید که اولاً مصرف کود و سموم شیمیایی در کشور ما به مراتب کمتر از کشورهای توسعه‌یافته است و ثانیاً برای استفاده از سموم کم‌خطر نیز اقدامات اساسی انجام گرفته و بسیاری از سموم پرخطر را حذف کرده‌ایم که اینها همگی در راستای نیل به همین اهداف بوده است.

اما وقتی با تولیدکنندگان نهاده‌های بیولوژیک مانند واحدهای اینسکتاریوم و تولیدکنندگان کودهای زیستی صحبت می‌کنیم، می‌گویید که میزان تولیدات ما به مراتب کاهش یافته و بسیاری از این واحدهای تولیدی عملاً از چرخه فعالیت کنار رفته‌اند؟

بخش زیادی از این مشکلات برمی‌گردد به سیاست‌های ارزی کشور و ارزهای چندنرخه، ترجیحی و ... که باعث این مسئله شده است. وزارتخانه نیز عملاً چندان دخالتی در آن نداشته و خود ما هم منتقد این موضوع هستیم.

چرا ارز دولتی و یارانه‌ها را به سمت نهاده‌های بیولوژیک هدایت نمی‌کنید؟

تصمیم آن با وزارتخانه نیست و در جاهای دیگر تصمیم‌گیری می‌شود.

اما وزارتخانه نیز در این مورد صاحب‌نظر بوده و قدرت تأثیرگذاری خود را دارد؟ در این مورد ایراد اصلی مربوط به یارانه‌ها و دلارهای دولتی است که باید اصلاح شود.

به نظر می‌رسد دانش فنی متخصصان ما براساس استفاده از کودها و سموم شیمیایی پی‌ریزی شده باشد و برای تولید محصولات ارگانیک و گواهی‌شده، نهاده‌های بیولوژیک و زیستی جایگاهی ندارند، در زمینه‌های آموزشی چه برنامه‌هایی انجام داده‌اید؟

علاوه بر دانشگاه‌ها و وزارت علوم، در وزارتخانه جهادکشاورزی با وجود سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج، ساختارهای مورد نیاز فراهم است. همچنین موسسات تحقیقاتی و پژوهشی داریم که کار تولید محتوا را انجام می‌دهند. از طرفی، در دفتر محیط‌زیست و سلامت غذا، یکی از برنامه‌ها و سرفصل‌های کاری سرفصل‌های آموزش و ترویج است که از راه رسانه ملی، بخش ترویج و سایر روش‌ها را دنبال می‌کنیم.

وجود کارگروه‌های محیط‌زیست و سلامت غذا برای تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی با حضور بخش‌های مختلف در سطح ستاد و استان‌ها؛ تهیه سرفصل‌های آموزشی در برنامه سالیانه ترویج؛ برگزاری دوره‌های آموزشی استانی برای آشنایی مدیران کنترل کیفیت در حوزه‌های مختلف؛ تشکیل کمیته‌های بین دفتر محیط‌زیست و سلامت غذا و نهاد نمایندگی ولی‌فقیه برای تدوین یک سند فرهنگی، همه و همه در راستای همین بحث آموزش و ارتقای علمی کارشناسان و تولیدکنندگان است.

تجربه شما در سازمان دامپزشکی تا چه اندازه در دفتر محیط‌زیست و سلامت غذا به شما کمک می‌کند؟

بسیار به من کمک کرده است. چنانچه مستحضر هستید، سازمان دامپزشکی در طول چندین دهه، نظارت بهداشتی مناسبی روی محصولات دام و طیور و ... داشته و بنده نیز به‌خوبی با آن آشنایی دارم. وقتی به دفتر محیط‌زیست و سلامت غذا آمدم، متوجه شدم که در زیربخش زراعت و باغبانی، نظارت‌ها کم‌تر است.

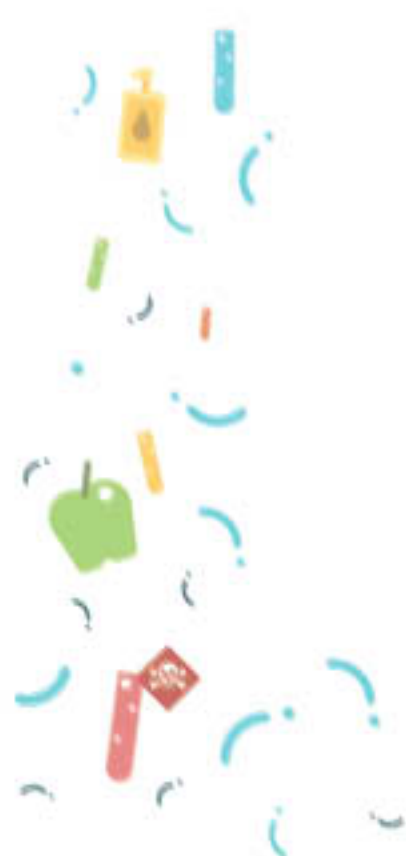
اعتقاد دارم همچنان که سازمان دامپزشکی که روی دام، طیور، شیلات و ... نظارت بهداشتی دارد، برای نظارت روی تولیدات گیاهی و باغی نیز یک تشکل قوی لازم است تا این شکاف را پر کند.

آقای دکتر خاوازی وزیر محترم جهادکشاورزی نیز به موضوع سلامت غذا بسیار اهمیت می‌دهند و مرداد سال ۹۹ دستوری دادند مبنی بر این‌که در راستای ارتقای سلامت محصولات کشاورزی، پایش باقی‌مانده کودها و سموم شیمیایی، قلزات سنگین و دیگر آلاینده‌ها و مخاطرات بهداشتی، بتایر برنامه علمی و آماری مورد بررسی قرار گیرد.

هدف ما این است به جایی برسیم که مردم به وسیله سامانه‌هایی که در دسترس دارند، از رصد، پایش و ماتیتورینگ محصولی که خریداری می‌کنند کاملاً مطمئن باشند و در این سامانه همه موارد به صورت شفاف و مشخص باشد.

چقدر زمان می‌برد تا به این نقطه برسیم؟

اگر این موضوع را با همین جدیت دنبال کنیم، حداکثر در یک دوره ۲-۳ ساله انجام می‌شود و می‌تواند یکی از اختراعات وزارتخانه باشد. □



موضوع مبارزه بیولوژیک با آفات را در شماره ۲۵۳ (صفحه ۱۴) و در گفتگو با چند تن از فعالان در زمینه اینستاربیوم و تولید حشرات پارازیتوئید، مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به اهمیت موضوع، درصدد ادامه این مطلب و بازگشایی زوایای مختلف آن هستیم.

بخش «تحقیقات کنترل بیولوژیک»، یکی از بخش‌های ۱۰گانه «موسسه تحقیقات گیاهپزشکی» کشور است که زیر نظر سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، امور مربوط به تحقیقات و آموزش در زمینه کنترل آفات، بیماری‌های گیاهی و علف‌های هرز را در سرلوحه وظایف کاری خود دارد.

در گفتگو با دکتر محمدرضا رضایانه، دانشیار بخش تحقیقات کنترل بیولوژیک موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور، رئیس اتحادیه انجمن‌های علوم گیاهپزشکی ایران و عضو هیات‌مدیره شورای فناوری و نوآوری از گتیک بین‌الملل (TIPI) موضوع مبارزه بیولوژیک با آفات را مورد بررسی قرار دادیم:

مطلب را با بیان و توضیح تاریخچه‌ای از مبارزه بیولوژیک با آفات شروع کنیم:
روش‌های کلاسیک کنترل بیولوژیک در ایران از حدود ۹۰ سال قبل و در سال ۱۳۱۲، یعنی حتی قبل از تاسیس دانشگاه تهران (سال ۱۳۱۴)، با آوردن نوعی کفشدوزک به نام کفشدوزک استرالیایی از اینستاربیومی در جنوب شرقی فرانسه به خرم‌آباد تنکابن برای مبارزه علیه شپشک استرالیایی شروع شد. نکته جالب اینکه در کشورهای غربی نیز این حشره نقطه‌عطف کنترل بیولوژیک آفات است. یعنی اولین بار در سال ۱۸۸۸ از این حشره به‌عنوان شکارگر استفاده شد.

از آن زمان به بعد استفاده از روش مبارزه بیولوژیک در ایران شروع به تدریس و در موارد مختلف دیگر نیز به‌کار گرفته شد و نتایج مناسبی از آن حاصل گردید. مثلاً برای دو دهه از آن برای مبارزه با یکی از مهم‌ترین آفات نباتی در ایران یعنی «هین» گندم، زنبورهای «تلنوس» را در ورمین و مبارکه اصفهان پرورش دادند که بسیار رضایت‌بخش بود. متأسفانه این زنبور مقهور توسعه سم و سمپاشی در ایران قرار گرفت. در حالی که می‌توانستیم روش استفاده از آنها را حفظ کنیم، اما توسط طرفداران سموم شیمیایی (در بخش دولتی و خصوصی) به گوشه فراموشی رفت و زنبورهایی مانند «تریگوگاما» و «تلنوس» که در دوره‌هایی بدون‌نیاز به سمپاشی به ما کمک می‌کردند، به‌راحتی از چرخه مبارزه و کنترل آفات کنار گذاشته شدند.

یک نمونه بارز دیگر مبارزه بیولوژیک، با راه‌اندازی کشت و صنعت نیشکر در خوزستان (دهه ۵۰) برای کنترل آفت ساقه‌خوار نیشکر و به ابتکار یکی از دانشمندان جوان ایرانی، از پارازیتوئیدی برای کنترل آن استفاده کردند که هنوز هم در کشت و صنعت‌های نیشکر کاربرد دارد و البته باید مراقب باشیم که تعادل بیولوژیک در این مزارع به‌هم نریزد تا بتوانیم همچنان از آن استفاده کنیم.

هر چند که خبرهایی رسیده که شرایط چندان به سود این پارازیتوئید نیست و کسانی درصدد توسعه استفاده از سموم کنه‌کش و علف‌کش هستند؛ تا افتخار کنترل آفات نیشکر (بدون استفاده از حشره‌کش) را از یاد مردم ببرند.

بی‌توجهی به مبارزه بیولوژیک با آفات

یک قرن مبارزه بیولوژیک با آفات در ایران

به‌نظر می‌رسد در دوره‌هایی به مبارزه بیولوژیک توجه بیشتری صورت گرفته اما در حال حاضر وضعیت مناسبی نداشته باشد؟

همین‌طور است؛ به‌عنوان نمونه در دی سال ۱۳۷۳ وزیر وقت کشاورزی، به فرایند همکاری بخش مبارزه بیولوژیک با سازمان حفظ نباتات اعتماد کرد و تجربه‌های مضاعفی در مبارزه بیولوژیک در کشور، براساس توسعه کنترل بیولوژیک در دشت ناز ساری و مناطق دیگر، روی برنج، ذرت و دیگر محصولات، مبارزه بیولوژیک انجام و باعث کاهش مصرف سموم شدند.

از طرف دیگر تنها تبصره ماده واحده بودجه سال ۷۴ در حمایت از تحقیقات کنترل بیولوژیک و تحقیقات کاهش مصرف سموم، دستور کار دولت جمهوری اسلامی ایران شد تا شورای عالی کنترل بیولوژیک ایجاد شود و متعاقب آن، از سال ۷۴ با دو طرح پنج‌ساله کنترل و کاهش سموم شیمیایی، بودجه‌های خوبی برای مبارزه بیولوژیک تعلق می‌گرفت که باعث پیشرفت‌های شگرفی شد و حتی ۸۰ درصد بودجه تحقیقات به توسعه و اجرا اختصاص داده می‌شد.

در دوره‌هایی حتی عامل پارازیتوئید، از کشور ما به آمریکا هم صادر شد و این نشان می‌دهد که ما در این زمینه می‌توانستیم حرف‌های جدی برای گفتن داشته باشیم و یکی از قطب‌های تولید محصولات ارگانیک منطقه و دنیا باشیم. حتی جدیت و پشتکار برای حمایت و توسعه مبارزه بیولوژیک به اندازه‌ای رسیده بود که به خاطر دارم دکتر بیات‌اسدی، رئیس وقت موسسه گیاهپزشکی به‌مخاطر اطمینانی که در حمایت از مبارزه بیولوژیک داشت، گاهی چک شخصی‌اش را به‌عنوان تضمین صادر می‌کرد و مبارزه بیولوژیک در حال پیشرفت بود.



یا همه مزایایی که مبارزه بیولوژیک دارد، به نظر شما چرا باید از اولویت‌های کشور خارج شود؟
 ابرت انیشین می‌گوید «برای حل یک مشکل به کسی که آن مشکل را به وجود آورده است، مراجعه نکنید.»

متأسفانه، یکی از مهم‌ترین مشکلات در کشور ما این است که نظام تجزیه-تحلیل و آنالیز ریسک در مدیریت کشور وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، آن را به دست کسانی می‌دهند، که یا ذی‌نفع مسئله‌اند یا اصلاً خود عامل ایجاد آن مشکل هستند. مثلاً تجزیه و تحلیل ریسک سمپاشی را به عهده کسانی می‌سپارند که خودشان مسئول سمپاشی هستند یا حتی از آن منتفع می‌شوند.

در مورد کود شیمیایی نیز چنین است؛ در صورتی که برای بررسی و حل مشکل، باید آن را به یک جای بی‌طرف و منصف بدهند. یک ایراد مهم دیگر این‌که معیارهای انتخاب کشاورزان و تولیدکنندگان نمونه، صرفاً بر اساس کمیت است و هر کس بیشترین محصول را تولید کند، آن را تولیدکننده نمونه می‌دانند. اما به سلامت محصولات چندان توجه نمی‌شود.

محصولات ایرانی در بازارهای جهانی ارگانیک چه جایگاهی دارد؟ آیا این جایگاه برای کشور مناسب است و توان بهبود آن وجود دارد؟

متأسفانه در حال حاضر از این نظر اصلاً وضعیت مناسبی نداریم؛ سهم ما از بازار ۱۰۰ میلیارد یورویی ارگانیک در دنیا حداقل باید به‌اندازه یک میلیارد یورو باشد. در صورتی که از این مقدار خیلی خیلی پایین‌تر است. از ۱۰۰ میلیارد یورو بازار محصولات ارگانیک، حدود ۴۵ درصد آن متعلق به اروپا است، ۴۵ درصد آن مربوط به کشورهای آمریکای شمالی و ۶ درصد آن نیز سهم چین است.

در حالی که کشور چین برنامه‌هایش را هم‌زمان با ایران شروع کرد. یعنی در سال ۷۴ که طرح کاهش مصرف سموم در ایران شروع شد، چینی‌ها نیز هم‌زمان با ما در سال ۲۰۰۰ شروع کردند و در حال حاضر ۶ درصد بازار ارگانیک دنیا را پس از تحمل تنش‌ها و واکنش‌های بازار در اختیار دارند. باید حداقل ۵ درصد تولیدات کشاورزی ما ارگانیک شود تا به سهم ۱ درصدی (یک میلیارد یورویی) بازار جهانی دست پیدا کنیم و این افق به‌راحتی قابل دستیابی است. بازارهای خوبی نیز برای محصولات ما حتی در همین کشورهای همسایه وجود دارد. مثلاً محصولات کشاورزی ترکیه با طی این همه مسافت به کشورهای عربی می‌رود و اگر ما بتوانیم محصول ارگانیک و مورد قبول تولید کنیم به راحتی سهم قابل‌توجهی از این بازارها را به خود اختصاص خواهیم داد.

تولید محصولات ارگانیک در کشور ما، نمونه‌های عینی دارد که نشان می‌دهد این روش‌ها به‌راحتی دست‌یافتنی است و می‌توان این محصولات را تولید و ارزش‌افزوده و اشتغال ایجاد کرد.
اکنون چه برنامه‌هایی را برای دستیابی به این هدف پیشنهاد می‌کنید؟ به‌منظور گسترش و ترویج مبارزه بیولوژیک و تولید محصولات ارگانیک، چه اقداماتی لازم است در سطح کلان انجام گیرد؟

در گام نخست لازم است که به موسسه گیاه‌پزشکی و به‌خصوص بخش مبارزه بیولوژیک، توجه بیشتری صورت گیرد و حتی فکر می‌کنم بهتر است که جایگاه آن را ارتقاء و حداقل تا سطح یک سازمان بالا ببرند تا کارایی آن افزایش و جبران مافات شود.

برنامه‌های دیگری که می‌توان روی آن تمرکز داشت، اجرای طرح‌های کاهش سموم به‌عنوان دهه افزایش تولید محصولات ارگانیک در دو برنامه پنج‌ساله است؛ با این هدف که محصولات ارگانیک در ایران به جایگاه واقعی خود برسند و بتوانیم در دنیا فرصت بیشتری برای عرضه‌اندام داشته باشیم. ما یک درصد جمعیت و مساحت دنیا را شامل می‌شویم و البته از نظر منابع نیز چند درصد منابع دنیا را در اختیار داریم. یعنی یک درصد مساحت، یک درصد جمعیت اما چند درصد منابع طبیعی دنیا مانند نفت، گاز، معدن، موقعیت جغرافیایی، نیروی متخصص، اقلاب درخشان، دریا و ... این همه استعدادها بالقوه داریم؛ اما از نظر تولید محصولات ارگانیک اصلاً جایگاه مناسبی در دنیا نداریم.

همچنین، از نظر دانش فنی متخصصان و کشاورزان نیز توانایی‌های قابل‌توجهی در کشور وجود دارد. کشاورزانی که در هجدهمین و نوزدهمین کنگره‌های جهانی ارگانیک آمدند، سخنرانی و حاصل تجربیات ارزشمند خود را برای جهانیان ارائه کردند که نشان از توان بالای دانش کاربردی آنها دارد.

با این همه توانمندی و استعدادهای خدادادی، کشور ما می‌تواند یکی از کشورهای مطرح در زمینه تولید محصولات ارگانیک کشاورزی باشد. □

انامه دارد ...



پس چرا این پیشرفت‌ها ادامه پیدا نکرد؟

متأسفانه از سال ۸۴ به بعد کم‌لطفی‌ها به تحقیقات مبارزه بیولوژیک آغاز شد. بودجه‌های آن برای موضوع‌های دیگر یا مسایل دیگر هزینه و به‌عبارتی کاهش یافت. به اشتباه از اولویت مدیران خارج و به دلایلی توجه به مبارزه بیولوژیک کم شد.



تنوری قدرت از «فوکو» تا «ساداتی نژاد»



رامین امیتی زارع

قدرت، در یک نگاه یکی از عام‌ترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است. شاید دلیل این عام بودن، حضور همیشگی‌اش در روابط اجتماعی و انسانی باشد.

قدرت، ذات روابط اجتماعی است و جامعه به واسطه آن به سامان می‌شود. در نگرش سیاسی و فلسفی عمومی معاصر، قدرت همواره معادل حکومت تلقی می‌شود و حکومت، تنها صاحب امتیاز قدرت به حساب می‌آید و مردم فاقد آن هستند.

برپایه این نگرش، کشمکش اصلی در جوامع، تضاد بین فرادستان «صاحبان قدرت» و فرو دستان «افراد فاقد قدرت» است. بنابراین، در این دیدگاه، چالش اصلی عبارت است از: تلاش فرودستان به منظور به دست گرفتن تمام یا بخشی از قدرت و در پی آن رسیدن به رهایی و آزادی.

اما «میشل فوکو» این برداشت از قدرت را نوعی توهم می‌داند و اظهار می‌دارد: نباید قدرت را به عنوان امتیازی که تصاحب و تملک می‌شود در نظر گرفت. بلکه باید آن را به منزله شبکه‌ای از مناسبات دانست که همواره در حال گسترش و فعالیت است. وی، قدرت و مناسبات آن را در روابط میان شهروندان یا در مرز میان طبقات اجتماعی نمی‌بیند، بلکه آن را شبکه‌ای گسترده که تا اعماق جامعه پیش رفته است و همه افراد در این شبکه کم و بیش درگیر هستند، می‌داند. چه بالایی‌ها و چه پایینی‌ها!

چه حاکمان و چه زیردستان، همگی در مسیر اعمال قدرتند. بر همین مبنا، فوکو از ما می‌خواهد که در توصیف اثرات قدرت، از به کار بردن واژه‌های منفی، دست برداریم.

یعنی واژه‌هایی نظیر «قدرت طرد می‌کند»، «سرکوب می‌کند»، «جلوگیری و سانسور می‌کند» و ... مبین مناسبات قدرت نیست و در واقع به عقیده وی، «قدرت تولید می‌کند».

به‌طور کلی میشل فوکو، این اندیشمند فرامردن نقشی تعیین‌کننده در طرح ادبیات مربوط به قدرت دارد. از آرا این اندیشمند خارجی می‌گذریم و نگاهی به یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور می‌کنیم. وزارت کشاورزی دولت سیزدهم که متولی امنیت غذایی مردم است و وزیر آن که دغدغه تولید قدرت و اقتدار از کشاورزی را دارد.

سیدجواد ساداتی‌نژاد که همچون نگارنده در تابستان ۵۱ چشم به جهان گشود، همان رشته را در دانشگاه خواند و در دانشگاه تهران پژوهش نمود. منتقد نگاه ایزاری به بخش کشاورزی است؛ چه آن‌گاه که نگاه معیشتی و فرودستانه به آن می‌شود و چه آن‌گاه که تولید برای درآمد ارزی صرف انجام گردد. او که بخشی از دانشش را در دانشگاه «ام‌گدو» روسیه فراگرفته است؛ معتقد به تنوری قدرت کشاورزی است!

برهان و استدلال او نیز کسب اقتدار (Authority) و دست بالای کشور در زمینه اداره داخلی کشور در پیوند با مفهوم امنیت غذایی مردم و در پی آن اقتدار منطقه‌ای از راه تامین نیازهای کشاورزی جامعه ۸۰۰ میلیونی پیرامون در آن سوی بیش از ۸۷۰۰ کیلومتر مرزهای کشور است.

امنیت غذایی در رابطه مستقیم با چند متغیر تاثیرگذار است:

نخست سرمایه انسانی که حدود ۳ یا ۴ میلیون بهره‌بردار بخش کشاورزی است که این جامعه رنجور، از سالمندی و گاه نداشتن تکافو در برخورداری از دانش روز کشاورزی و تکنیک‌های نوین، رنج می‌برد.

موضوع مهم دیگر آب، خاک و نهاده‌هاست که وضعیت آن مستقنی از توصیف است و در زمینه فرسایش خاک گران‌بها که علاوه بر کشاورزی، دارای تقدس است، شوربختانه رکورددار جهان هستیم. ایران با میانگین فرسایش ۲۰ تن در هکتار (عددهای بیشتر و کمتر هم گفته شده است) بیشترین نرخ فرسایش خاک را دارد. فرسایش عاملی است که کیفیت خاک کشاورزی را کاهش می‌دهد و باروری زمین‌های کشاورزی را پایین می‌آورد.

بلافاصله پس از سخن گفتن از کشاورزی، موضوع مهم مدیریت ریسک بخش کشاورزی مطرح می‌شود که همچون عاملی مخالف در برابر موتور کشاورزی ایران است. ریسک‌های پرشمار که موضوع تدریس من در دانشگاه است، مجال دیگری می‌طلبد اما در اشارت، یکی از مهم‌ترین عواملی است که غذای مردم را از دسترس خارج و امنیت غذایی را مخدوش و گرسنگی را رواج می‌دهد.

ریسک‌هایی همچون خشکسالی، سرما و یخبندان، سرما، سیل و انواع بیماری‌های گیاهی و دامی است. تنها چاره کار هم انجام عملیات کاهنده خسارات همچون ایخوان‌داری، آبخیزداری، مرتعداری، واکسیناسیون، اصلاح ژنتیکی و مانند آن و تکمیل آن تقویت بیمه کشاورزی است. ساداتی‌نژاد، باورمند به بیمه کشاورزی است و طرح معروف اعتبار ۱۰ هزار میلیارد ریالی او کارگشا بود.

همچنین، ضریب نفوذ سازوکار یگانه بیمه کشاورزی را می‌خواهد از هشت صدم درصد کنونی به دو دهم درصد برساند که گام مهمی است و تاثیر مستقیم بر امنیت غذایی و سفره مردم دارد. بیمه کشاورزی در سال‌های اخیر با تجهیز زیرساخت‌های لازم و تحول دیجیتال، مقام برتر تحول دیجیتال را از دانشگاه تهران دریافت کرد.

همچنین از سوی قانو به‌عنوان انگوی جهانی در زمینه بیمه فراگیر طیور معرفی گردید که نشان از توان تخصصی و سلامت سامانه دیجیتال بیمه کشاورزی است که توان بررسی ماهواره‌ای خسارت‌ها را به‌وسیله «Remote Sensing» در کوتاه زمانی، فراهم آورده است.

از سوی دیگر تامین مالی عرصه کشاورزی اهمیت ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که رشد سرمایه‌گذاری در این بخش منفی است و باید فکر راه چاره بود که علاوه بر ضرورت تقویت و حمایت از بانک کشاورزی، به‌عنوان بانکی دیرپا و نهادی توانمند که تاسیس آن یکی از آرمان‌های تاریخی مردم ایران و نهضت مشروطیت ایران بود و در عهد تاسیس دانشگاه تهران و پیش از آن شکل گرفت، به موضوع تامین مالی توجه مضاعف کرد.

تشکیل دو سازمان تجارت کشاورزی و سازمان سرمایه‌گذاری کشاورزی که پیشنهاد وزیر جهادکشاورزی است، می‌تواند با هدایت، راهبری یا مشاورت بانک کشاورزی شکل گیرد؛ زیرا این بانک تخصصی، پشتوانه اقتصادی، فنی و حسابگری آن را دارد.

سخن آخر این‌که همان‌گونه که حمید شکری خانقاه، استاد ارتباطات نام‌آشنا در فعالیت‌های کشاورزی می‌گوید: دولت بیش از هر زمانی نیاز به نظام ارتباطی یکپارچه و منسجم دارد و ارتباط مناسب دولت-مردم، بازسازی سرمایه اجتماعی (Social Capital) و توسعه دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از سایبر دیپلماسی (Cyber Diplomacy) نیز اهمیت بسیار دارد.

سخن بسیار است و می‌طلبد همگی یاری کنیم تا امنیت غذایی به‌عنوان مولفه اساسی امنیت ملی، پاس داشته و محکم شود. □



شرکت "بایر" باز هم شکست خورد



"بایر" و پرداخت ۸۶ میلیون دلار به یک زوج کشاورز

شرکت بایر در آخرین قرجام‌خواهی در مورد موضوع سرطان‌زایی علف‌کش راندآپ که سومین مورد از دادخواهی‌های شاکیان این شرکت بود باز هم شکست خورد. یک دادگاه ایالتی کالیفرنیا در ۹ اگوست (۱۸)۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰)، درخواست استیناف این شرکت را در مورد تغییر یا رد دعوی یک زوج که به مدت ۳۰ سال از سم راندآپ برای مبارزه با علف‌های هرز باقیچه خود استفاده کرده و به سرطان مبتلا شده بودند، رد کرد. زوج مذکور تقاضای ۲ میلیارد دلار خسارت کرده بودند که دادگاه مذکور پس از بررسی و جلسات متعدد این مبلغ را ۸۶۷ میلیون دلار کاهش و شرکت بایر را ملزم به پرداخت آن کرد. سختگویی شرکت بایر اعلام کرد که این شرکت علاوه بر مبلغ ۱۱/۵ میلیارد دلار تخصیص داده شده به دعوی مربوط با سم راندآپ، یک مبلغ ۴/۵ میلیارد دلاری دیگر برای شاکیان در نظر گرفته و آن به ۱۶ میلیارد دلار افزایش داده است. کارخانه بایر اعلام کرده که از این پس سموم دارای گلایفوسیت را به مصرف‌کنندگان خانگی نخواهد فروخت. چنین عقب‌نشینی و اقدامی از آن‌جا ناشی می‌شود که در حال حاضر حدود ۳۰ هزار شکایت از سوی مصرف‌کنندگان سم راندآپ که اعتقاد دارند محصولات این شرکت موجب بروز سرطان در آن‌ها گردیده، در دادگاه‌ها مطرح شده است.

تولیدات گیاهی



تصمیم شرکت بایر در پایان دادن به فروش سم راندآپ به ساکنان مناطق مسکونی، یک پیروزی تاریخی برای سازمان بهداشت عمومی، محیط‌زیست و فعالان و طرفداران محیط‌زیست قلمداد می‌شود. مرکز ایمنی غذا (CFS) در آمریکا اعلام کرد در حالی که نمونه‌هایی از این سم در سطح وسیع در بخش کشاورزی کلان استفاده می‌شود، اما چارچوب رعایت خطرات ناشی از سم گلایفوسیت از نظر آن‌ها همچنان پابرجا است و زمان آن فرا رسیده تا EPA (سازمان حفظ محیط‌زیست) به‌طور جدی از مصرف این سم جلوگیری به عمل آورد. در چند سال اخیر سم گلایفوسیت مبدل به موضوعی بحث برانگیز در رابطه با سرطان «غیرهاجکین» لنفای شده است، ضمن آن که سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) اظهار کرده که این ماده احتمالاً می‌تواند موجب سرطان‌زایی در انسان گردد و این در حالی است که در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سازمان EPA اعلام کرده بود که «این مواد شیمیایی هیچ خطری برای سلامت انسان ندارد!»

۹۵ هزار شکایت در مورد سرطان‌زا بودن راندآپ

چنین تصمیمی از سوی شرکت بایر به‌علت مجبور کردن آن به پرداخت جرایم سنگین و شکایاتی است که علیه وی و پس از خریدن آن شرکت از مونسانتو در سال ۲۰۱۸، با آنها روبرو شده است. هیات قضات بررسی‌کننده پرونده سم گلایفوسیت در سال ۲۰۲۰ با حدود ۹۵ هزار شکایت و با بیش از ۱۰ میلیارد دلار طلب خسارت مواجه شدند. علی‌رغم طرح این حجم از شکایات، دادگاه به شرکت اجازه استمرار فروش سم مذکور را داده بود و بر همان اساس شرکت باید همچنان سم راندآپ را به فروش می‌رساند. هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد از شکایات از سوی ساکنان واحدهای مسکونی دارای باقیچه‌های کوچک است که از سم راندآپ برای مبارزه با علف‌های هرز استفاده کرده‌اند. به همین دلیل شرکت بایر تصمیم به جلوگیری از فروش سم راندآپ به ساکنان چنین مناطقی گرفته است. شرکت بایر در نظر دارد که تا سال ۲۰۲۳ سموم جدیدی برای مبارزه با علف‌های هرز واحدهای مسکونی تولید و عرضه نماید تا بیش از این گرفتار مسائل پرونده‌های قضایی و جرایم آنها نشود. □



بروقسور پرویز کردوانی در روز ۲۷ مرداد ۱۴۰۰ پس از دهه‌ها تلاش برای شناساندن کویرهای ایران و سالیان درازی تحقیق و پژوهش در زمینه‌های محیط‌زیست و دلسوزی برای آب‌های سرزمین خشک ایران، بار سفر بست و به خاکی که بسیار قم آن را داشت پیوست.

تقریباً همه آنانی که دست و دلی در عرصه محیط‌زیست داشتند، او را می‌شناختند و لقب پدر علم کویرشناسی، کمترین تقدیری بود که از او به عمل آمد. او فرزند کویر بود و به همین دلیل دل در گرو کویرهای ایران داشت.

فرزند کویر

پرویز در سال ۱۳۱۰ در گرمسار کویری پای به جهان گذاشت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر سپری کرد و پس از دریافت مدرک دیپلم برای ادامه تحصیل در رشته عمران کویر، راهی کشور آلمان شد.

کردوانی برای ارگه رساله دکترای خود، یک تن از خاک کویر ایران را به آلمان برد و در تحقیقاتی که به عمل آورده بود با امتیاز بالا به دریافت مدرک دکترای نائل آمد و به ایران برگشت تا فعالیت خود را در عرصه کویرهای ایران ادامه دهد، او در آغاز در دانشکده کشاورزی ارومیه و سپس دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد.

اخطار پرویز به غافلان از محیط‌زیست

بروقسور کردوانی عمر پربار و مفیدی را پشت سر گذاشت و زحمات بسیاری در مراکز علمی و تحقیقاتی کشور متحمل شد که تاچه‌های خانهاش را پر از انواع تقدیرنامه‌ها و مدال‌های رنگارنگ کرد و در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان چهره ماندگار کشور در حوزه جغرافیا معرفی شد.

دکتر کردوانی افزون‌بر ۲۰ جلد کتاب و صدها مقاله به زبان‌های فارسی، آلمانی و انگلیسی نوشت که تمام آنها در مورد کویرهای ایران، اکوسیستم طبیعی، خاک، آب‌های سطحی و زیرزمینی، اقلیم‌های کشور، مسائل آب و خشکسالی‌ها و روش‌های مقابله با آنها پرداخته است.

دکتر کردوانی در مصاحبه‌ها و گفتگوهایش بارها به مسئولان در مورد وضعیت آینده محیط‌زیست و چگونگی مصرف آب هشدار داده بود.

او به غافلان از محیط‌زیست ایران بسیار اخطار کرده بود که تا ۵۰ سال آینده، ایران نه آب سطحی خواهد داشت و نه آب زیرزمینی و همین امر می‌تواند مشکلات بسیاری را برای کشور پدید آورد.

وی تذکر داده بود که خشک کردن تالاب‌ها، باتلاق‌ها و دریاچه‌ها موجب پیدایش پدیده ریزگردهای داخلی خواهد شد و کشاورزی و حیات این مناطق را مورد تهدید قرار خواهد داد.

وی مخالف جدی انتقال آب دریای خزر به استان سمنان بود و آن را کاری سیاسی می‌دانست که بیشتر به وعده‌های انتخاباتی و رقابت با سایر استان‌ها در مورد انتقال بین حوزهای، ارتباط داشت.

صراحت لهجه و جسارت کردوانی

او بی‌محایا نظرات خود را در رابطه با آنچه مرتبط با محیط‌زیست بود، بیان می‌کرد و به صراحت لهجه مشهور بود.

از دست دادن چنین مردان بزرگ، مسئولیت‌شناس و قره‌یخته‌ای قطعا به‌مثابه ضایعه‌ای برای عرصه‌های طبیعی، محیط‌زیست، آب، خاک و ... کشور خواهد بود.

فقدان این خردمند بایسته را به جامعه علمی و خانواده ایشان تسلیت گفته و امید است که آیندگانی در راه ایشان گام بردارند. □





بخش دوم

در شماره گذشته مجله (۲۵۴) مقاله‌ای در مورد خارشتر عنوان و به نیازهای اکولوژیکی گیاه، خانواده و همچنین به برخی موارد مصرف آن اشاره شد. بر آنیم تا این گیاه را بیشتر مورد بررسی قرار داده و به اهمیت آن برای استفاده‌های زراعی و نیز تقذیه دامها و حتی برخی استفاده‌های دارویی بپردازیم.

علف هرز دیروز علوفه با ارزش امروز

خارشتر و تغذیه دام



خارشتر به دلیل وجود ریشه‌های بلند و قوی و مقاومت در برابر خشکی و شوری خاک و به دلیل نوع استفاده‌هایی که در مباحث گیاهان دارویی و علوفه‌ای و کاربردهای اکولوژیکی مانند تثبیت خاک، مقابله با بیابان‌زایی و فرسایش بادی، تثبیت نیتروژن، آبخیزداری و ... دارد، حائز اهمیت است. با توجه به شرایط و مشکلات اقلیمی و به‌خصوص کم‌آبی کشورمان، خارشتر می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای قرارگیری در الگوی کشت باشد.

این گیاه برای تقذیه دامها علوفه‌ای بسیار با ارزش است که حتی می‌توان آن را از بسیاری جهات با طلای سبز یا یونجه نیز مقایسه کرد؛ اگرچه تمام خصوصیات یونجه را ندارد، اما از نظر مصرف آب و سازگاری با شرایط اقلیمی، قطعاً در رتبه بهتری نسبت به آن قرار می‌گیرد.

در گفت‌وگو با سه تن از کارشناسان و پژوهشگران، کشت خارشتر و ترویج استفاده از این گیاه را مورد بررسی قرار دادیم:

گیاهی مقاوم اما با ظرفیتهای خاص

مهندس علی‌اصغر حجتی، پژوهشگر و مدیر جهادکشاورزی شهرستان شاهرود که در قالب یک شرکت

دانش‌بنیان، در مورد گیاه خارشتر کارهای تحقیقاتی و عملیاتی انجام داده است، در گفت‌وگو با مجله «دام و کشت و صنعت» می‌گوید: دو سه سال است که در مورد خارشتر کار کرده و برای شکستن خواب بذر و تامین بذر مورد نیاز کشاورزان اقداماتی انجام داده‌ایم.

در این مسیر، سعی کردیم مسائل مربوط به خارشتر را به‌ترتیب و تا مرحله فراوری علوفه برای مصرف دام حل کنیم و علوفه آن را به‌صورت پلیت، بلوک، سیلاژ و ... تهیه و به مصارف دامها رسانده و نتایج آن را مورد بررسی قرار دهیم.

وی می‌گوید: مسائل مربوط به خارشتر بسیار است و نیاز به کارگاه‌های آموزشی برای چگونگی استفاده از این گیاه وجود دارد تا بتوان مطالب آن را برای بهره‌برداران و علاقه‌مندان توضیح داد. اما مهم‌ترین مسئله‌ای که برای توسعه آن باید در نظر داشت این‌که کشت آن بسیار حساس و پیچیده است و به دلیل خواب بذر، این گیاه را نمی‌توان به‌راحتی مانند گیاهان دیگر کشت کرد. <<<



بخش تولیدات گیاهی



میزان عملکرد

وی در ادامه عنوان کرد: عملکرد خارشتر در زمین‌های آیش داده شده تا ۸ تن در هکتار نیز می‌رسد اما میانگین عملکرد آن ۲/۵-۳ تن در هکتار است.

متاسفانه بین مدیران و کشاورزان ما، علوفه را فقط به یونجه و مانند آن می‌شناسند در صورتی که باید وضعیت آبی کشور را در نظر داشت، چرا که این علوفه‌ها آبیاری بالایی دارند، در حالی که خارشتر می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌ها در این خصوص باشد.

پرورش زنبور عسل

این مسئول و کارشناس کشاورزی می‌گوید: از طرفی، در آن دسته از اراضی که خارشتر وجود داشته باشد، امکان استفاده از گل‌های آن برای تولید عسل و استقرار زنبورستان‌ها نیز فراهم می‌شود که می‌توان از این قاکتور ارزشمند استفاده و محصول عسل بسیار مطلوبی تولید کرد.

همچنین بحث مصارف دارویی و تولید ترانگیپین (ترنجبین) و ... را هم در نظر داشته باشید در عصاره ریشه خارشتر موادی وجود دارد که برای تقویت سیستم ایمنی بدن کم‌نظیر است.



غافل از به‌نژادی

حجتی در ادامه می‌گوید خارشتری که در ایران وجود دارد صمدتا از ولایت *Allagi marum* است اما اکتوپ‌های آن ممکن است تفاوت داشته باشند و متاسفانه در مورد ولایت‌های خارشتر در ایران کار چندانی صورت نگرفته است. هنوز لازم است که برای شناخت این گیاه کارهای پژوهشی و مطالعاتی از قبیل: به‌نژادی، شکستن خواب بذر، رقم‌های مناسب کشت (مثلا ارقامی که برگ بیشتر داشته باشند) و مسائل این چنینی صورت گیرد. وی گفت: خوشبختانه شرایط کشورمان، فرصت‌هایی از این قبیل در اختیار ما قرار می‌دهد که اگر از آنها به‌درستی استفاده کنیم، موضوعی به‌نام خشکسالی و کم‌آبی بی‌معنا خواهند شد.

لازم است که ما متناسب با اقلیم کشورمان برای کشاورزی برنامه‌ریزی کنیم. مثلا همین خارشتر در قدیم به شکل گسترده‌ای مورد استفاده دامداران قرار می‌گرفت، اما در دهه‌های اخیر به‌دلیل گسترش استفاده اشتباه از علوفه‌های آبی‌بر مانند یونجه در تمام مناطق کشور، به مرور خارشتر به فراموشی سپرده شده است.

در این منطقه حتی بعضی از کشاورزان بذر خارشتر را همزمان با گندم کشت کرده‌اند و بعد از برداشت گندم، مقدار بسیار زیادی علوفه خارشتر نیز تولید شده است. حجتی افزود: این گیاه برای تقذیه شتر، گوسفند، بز، گاو شیری و شترمرغ مناسب است و حتی تا ۵۰ درصد جیره طیور نیز می‌توان از آن استفاده کرد. نباید فکر کنیم که این گیاه ویژه ایران است، بلکه به‌صورت صنعتی و وسیع در برخی کشورها مانند روسیه، ازبکستان، ترکمنستان و ... نیز کشت و برداشت می‌شود.

شکستن خواب بذر و کشت این گیاه نکات خاص خودش را دارد؛ چرا که در حالت عادی اگر بذر این گیاه را در زمین بپاشید ممکن است چند سال بعد و آن هم نه‌چندان یکنواخت سبز شود. بنابراین باید با روش‌هایی خواب بذر را شکست. همچنین باید با چگونگی زراعت و استفاده از آن آشنایی داشت.

مدیر جهاد کشاورزی شهرستان شاهرود می‌گوید: خارشتر در حال حاضر در بین کشاورزان و دامداران این منطقه کاملا جا افتاده و محصول آن نیز به‌راحتی خریداری و به‌عنوان علوفه دام مورد استفاده قرار می‌گیرد که از این بابت هیچ مشکلی وجود ندارد.

پیش از این کشاورزان به چشم علف هرز به آن نگاه می‌کردند و در مزارع، خارشتر را آتش می‌زدند، اما در حال حاضر دیگر این مسئله حل و هرکس به هر مقدار خارشتر جمع‌آوری کند، برای آن مشتری وجود خواهد داشت.

به سمت مراتع نمی‌رویم

وی در پاسخ به این سؤال که برداشت خارشتر از مراتع ممکن است به آنها آسیب وارد کند، گفت: برای تهیه خارشتر به هیچ عنوان به سمت مراتع نمی‌رویم بلکه همین خارشتری که در اراضی کشاورزی می‌روید را جمع‌آوری می‌کنیم.

در اراضی کشاورزی که آیش دارند، خارشتر رشد کرده و کشاورزان آن را جمع‌آوری و استفاده می‌کنند.

حجتی در ادامه می‌گوید: کشاورزان حتی می‌توانند خارشتر را به‌صورت مخلوط با دیگر گیاهان مانند ارزن کشت نمایند. به این صورت که خواب بذر را شکسته و در اختیار کشاورزان قرار می‌دهیم تا خارشتر را همراه با ارزن کشت کنند. محصول ارزن رشد طبیعی خودش را دارد و بعد از برداشت ارزن و در زمانی که از زمین هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، خارشتر شروع به رشد می‌کند.

علاوه‌بر ارزن با بعضی دیگر از گیاهان مقاوم به خشکی که در منطقه رواج دارند نیز می‌توان خارشتر را کشت کرد. در این روش علاوه‌بر استفاده از زمین و کسب درآمد بیشتر، افزایش حاصلخیزی زمین نیز اتفاق می‌افتد؛ به‌دلیل اینکه خارشتر از خانواده لگومینه است و توانایی تثبیت نیتروژن را نیز دارد.

در شهرستان شاهرود نزدیک به ۵ هزار هکتار زمین خارشتر زار در مزارع کشاورزی داریم که نیازی به کشت هم ندارند. اگر کسانی هم اصرار به کشت داشته باشند، بذر مناسب را برای آنها تامین می‌کنیم.



ارزش بالای تغذیه‌ای خارشتر

مهندس اسماعیل قلیان، معاون تولیدات دامی جهاد کشاورزی شاهرود که مطالعات پژوهشی در مورد گیاه خارشتر انجام داده نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: ارزش تغذیه‌ای علوفه خارشتر بسیار مناسب است. با استفاده از علوفه خارشتر ۲۳۴ بره‌گوسفند و نیز در دوره‌های بعدی تعداد زیادی شتر و بز را پرورار کرده‌ایم و نتایج بسیار قابل قبولی به‌دست داده است.

وی می‌گوید: پروتئین علوفه خارشتر در کف آخور از ۹ درصد بالاتر است. یعنی تقریباً هم‌سطح با جو است (جو ۱۱-۱۰ درصد پروتئین دارد) که در این میان مقدار اکت پروتئین در هنگام برداشت تا رسیدن به آخور را هم باید در نظر داشت.

تبدیل تهدید به فرصت

قلیان می‌گوید: توجه و حساسیت ما به سمت خارشتر از زمانی شروع شد که در چند سال گذشته این گیاه تبدیل به یکی از علف‌های هرز مزارع کشاورزی شده بود و کشاورزان آن را از مزرعه جمع‌آوری و آتش می‌زدند، اما ما توانستیم این تهدید را تبدیل به فرصت کنیم و شروع به خرید این محصول از کشاورزان و استفاده از آن برای تغذیه دام‌ها نمودیم که نتایج بسیار رضایت‌بخشی حاصل شد.

از زمانی که به لطف صنعتگران، فیدرمیکرها وارد دامداری‌ها گردید، مصرف خارشتر بیشتر شده و برای دام‌های مختلفی از جمله شتر، بز، گوسفند، گاو، گاو میش و حتی جیره طیور، شتر مرغ و ... استفاده می‌شود.

وی توضیح داد: این گیاه برای شتر و بز با قابلیت ۱۰۰ درصد سهم علوفه، برای میش و گاو تا ۴۰ درصد سهم علوفه می‌تواند استفاده شود، اما برای دام‌های دیگر به غیر از شتر باید آن را به صورت خرد شده استفاده کرد.



ضرورت پژوهش و تحقیق گسترده روی خارشتر

دکتر فرشاد قوشچی، پژوهشگر و استاد دانشگاه نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: با توجه به شرایط آب‌وهوایی ایران و خشکسالی‌های اخیر و از طرف دیگر نیاز کشور به تامین علوفه و خوراک دام و اصولاً جایگزین کردن گیاهانی با دامنه وسیعی از کاربردهای مصرفی، نظیر داشتن ویژگی‌های علوفه‌ای، دارویی و درمانی، ضرورت پژوهش و تحقیق در رابطه با خارشتر که یکی از گیاهان بسیار مقاوم به تنش و دارای ارزش مصرفی بالا است، به روشنی آشکار می‌شود.

وی گفت: متأسفانه تاکنون در رابطه با این گیاه مورد بی‌توجهی در ایران و حتی جهان قرار گرفته؛ و تحقیقات زراعی و اکولوژیکی بسیار اندکی صورت گرفته است. به طوری که بسیاری از زوایای کشت و کار این گیاه، خصوصیات مورفولوژیکی و عملکرد کمیت و کیفیت آن به خوبی مشخص نیست.

از این نظر با توجه به اهتمام متخصصان و دانشمندان کشاورزی به گیاهانی که در شرایط تنش‌های محیطی نظیر خشکی، گرما و شوری، قادر به رشد و نمو مناسب هستند، اهمیت پژوهش گسترده روی خارشتر بیش از پیش نمایان می‌شود.

قوشچی افزود: از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین اولویت‌های تحقیقاتی که باید در رابطه با زراعت خارشتر مورد نظر قرار گیرد، مسئله جوانه‌زنی و خواب بذر این گیاه است که شاید عمده‌ترین مانع در راه توسعه کشت زراعی آن باشد. بنابراین از اولویت‌های مهم برای به‌زراعی و به‌نژادی خارشتر، پژوهش روی خصوصیات فیزیولوژیکی و اکولوژیکی بذر خارشتر است که باید در نظر قرار گیرد. □



مشاور امور کشاورزی

۰۹۳۹۲۲۳۶۶۹۰

حجره تره‌بار

۰۹۱۲۳۳۹۳۵۷۶

ورامین، میدان تره‌بار، غرفه شماره ۱۳

۰۲۱-۳۶۲۲۳۶۲۳

مشاوران زراعی نیکا

مشاوره، بازدید و نظارت
گلخانه، باغ و زراعت



ماهنامه دام و کشت و صنعت ۲۵۵
شهریور ۱۴۰۰



ضرورت سیاست‌های حمایتی و اقدامات اضطراری ویژه برای بازار خرما

مهندس موسوی مدیر باتجربه و مبتکر سازمان مرکزی که برای بار دوم مدیریت خود را در این سازمان آغاز کرده و تجارب خود را برای ارتقاء جایگاه سازمان در این شرایط سخت به کار گرفته به‌عنوان یکی از بازوهای برون‌وزارت جهادکشاورزی همراه با دیگر همکاران تلاشگر و دلسوز وارد عرصه شده تا باری از دوش تولیدکنندگان خرما بردارند. اقتصاد و تجاری‌سازی آن را عملیاتی و به همین منظور پس از ارزیابی میدانی و کارشناسی، در پیشنهادی به معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت جهادکشاورزی ضمن اعلام آمادگی برای ورود به حل این مسئله و ارائه تحلیلی از وضعیت موجود، راهکارهای ارزشمندی برای رفع این مشکل ارائه دهند.

ارائه راهکارها

به گزارش «دام و کشت و صنعت» از نظر سازمان مرکزی تعاونی روستایی مشکلات خرما استعمران استان خوزستان از آنجا ناشی می‌شود که حدود ۱۰ هزار تن خرما تولیدی سال گذشته در کارگاه‌ها، کارخانجات فرآوری، مجموعه‌های نگهداری دلالان و انبارهای خانگی نخلداران باقی مانده و تولید مازاد بر مصرف سال جاری این خرما صنعتی نیز حدود ۱۰۰ هزار تن پیش‌بینی می‌گردد.

بنابر روال سال‌های گذشته می‌باید توسط کارگاه‌ها و کارخانجات فرآوری، خرما برای مصرف داخلی و صادرات، از تولیدکنندگان خریداری گردد. بنابراین به‌منظور پیشگیری از وقوع هرگونه چالش، رکود بازار و به‌منظور حمایت از تولیدکنندگان، باید سیاست‌های حمایتی و اضطراری ویژه

در این خصوص اعمال گردد. در این راستا سازمان مرکزی تعاون روستایی کشور پس از آسیب‌شناسی، راهکارهایی نیز برای رفع این مشکل پیشنهاد داده که از قرار زیر است:

مدیریت ابتکاری فروش ۱۰ هزار تن خرما سال قبل

برای حل مشکل خرما باقیمانده از سال قبل دو راهکار ارائه شده است: یکی اعطای مجوز تشویقی سه ماهه برای واردات برخی محصولات خشکباری (مانند بادام‌هندی و ...) به‌عزای صادرات این خرما و تهاثر ارزی همزمان کالای صادراتی و وارداتی در سامانه نیما و دیگری اعطای تسهیلات بانکی ترجیحی با نرخ سود ۴ درصد و معادل با ۷۰ درصد ارزش کالای موجود در هر یک از انبارها و کارگاه‌دارانی که دارای خرما سال قبل هستند، تا از این راه بدهی این انبارها و کارگاه‌ها به تولیدکنندگان خرما و نخلداران تسویه گردد.

مسایل بعد از برداشت خرما جدید

پرداخت مستقیم مابه‌التفاوت

تسهیلات ترجیحی ۴ درصدی علاوه بر خرید تضمینی

با توجه به این‌که خرما تولیدی سال جاری از ۱۵ شهریور وارد بازار می‌شود در این فرصت اندک، چند راهکار حمایتی برای آن وجود دارد:

- نظر به ضرورت سرعت بخشیدن به خرید خرما استعمران سال جاری از نخلداران، پرداخت تسهیلات بانکی ترجیحی با سود ۴ درصد به کارگاه‌داران، صنایع فرآوری خرما، صادرکنندگان و تجار با نظارت وزارت جهادکشاورزی و سازمان مرکزی تعاون روستایی مفید قایده خواهد بود.
- شایسته است با نظارت جهادکشاورزی و سازمان مرکزی تعاون روستایی پرداخت مستقیم تفاوت قیمت خرید خرما (توسط تجار، کارگاه‌داران و صادرکنندگان) و قیمت تضمینی به نخلداران تحت عنوان یارانه تولید صورت گیرد.
- خرید خرما بر پایه قیمت‌های تضمینی یا حمایتی مصوب و ابلاغی شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی توسط سازمان مرکزی تعاون روستایی برای خرید ۲۰ هزار تن خرما.

پیش‌بینی بودجه لازم

در هر یک از روش‌ها و پیشنهادها چگونگی اجرا و میزان بودجه لازم باید پیش‌بینی شده باشد، چنانکه برای اجرایی شدن و بتاثر برآوردهای سازمان مرکزی تعاون روستایی، این پیشنهادها برای حمایت از تولیدکنندگان خرما تمامی ۷ استان دیگر نیز قابل تعمیم و عملیاتی شدن باشد. □



فکر بکر
سازمان مرکزی تعاون روستایی
برای خرما خوزستان

رفیق
روزهای سخت

برداشت خرما ایران در حالی آغاز شده که فقط از یک نوع خرما بیش از ده هزار تن هنوز در انبارها مانده است. ایران با تولید سالانه قریب به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن خرما جزو ۳ کشور نخست تولیدکننده خرما در دنیا قرار دارد و از طرفی بین محصولات باغی ایران، خرما رتبه دوم را به خود اختصاص داده است.

این محصول با ارزش، پتانسیل‌های بالایی نیز در فرآوری، صنعت، اشتغال، صادرات و ارزآوری برای کشورمان دارد که اهمیت آن را بسیار بالاتر می‌برد.

نجات خرماکاران و هویت صادرات

در حال حاضر ۱۵ استان کشور در باغداری خرما فعال است اما پنج استان خوزستان، کرمان، سیستان و بلوچستان، یوشهر و هرمزگان پایگاه‌های عمده تولید خرما محسوب می‌شود. خوزستان به‌عنوان خاستگاه اصلی خرما در جهان شناخته می‌شود و یکی از قطب‌های مهم تولید خرما ایران است که با صدور سالانه ۸۰ هزار تن خرما از نظر صادرات مقام نخست را در بین استان‌های تولیدکننده خرما دارد.

در چند سال اخیر وجود مشکلاتی مانند پاندمی بیماری کرونا و نیز تحریم‌ها و متأسفانه خودتحریمی داخلی (سوم‌مدیریت و ...) و کم‌توجهی به صنایع تبدیلی، بازاریابی و بازاریسازی، گلوی صادرات خرما خوزستان را فشرده و کار را بسیار سخت کرده؛ به‌طوری که در آستانه ورود خرما امسال به بازار، هنوز بخشی از خرما «استعمران» که تولید عمده خرما این استان را تشکیل می‌دهد، روی دست صادرکنندگان مانده که باید برای آن چارهای اندیشیده شود.



بخش تولیدات گیاهی



به استقبال تعامل با دولت جدید

علی اکبرخانی، مدیر خوش‌آبیه ۳۷ ساله که کارشناسی خود را در رشته مدیریت تعاون برنامه‌ریزی و رقاء گذراند و کارشناسی ارشد (مدیریت دولتی گرایش مدیریت تحول) را با نمره عالی به پایان برد، علاوه بر آشنایی کامل با ساختار سازمانی شبکه تعاون روستایی کشور طی سال‌ها کار کارشناسی و مدیریتی در بخش‌های تولیدی، مراکز خدماتی و عرضه و توزیع هلدینگ‌ها، آشنایی کاملی با مولفه‌های تولید، توزیع، بازرگانی و بازاریابی محصولات کشاورزی (زراعی، باغی، دام و طیور و ...) دارد.

مدیریت مذاکره و تعامل

علی اکبرخانی در مذاکره، تفاهم و تعامل با زیربخش‌های کشاورزی اینک با روند تامین نهاده‌های موردنیاز بخش کشاورزی، واردات، صادرات (بازارهای داخلی و خارجی) لجستیک و توزیع در شبکه‌های مویرگی از مراکز تولید تا واحدهای مصرفی و حتی سفره غذایی، آموخته‌های زیادی دارد و معتقد است هر موفقیتی در اتحادیه مرکزی مرهون همکاری جمعی و هم‌افزایی همه نیروها است. مدیرعامل اتحادیه مرکزی شرکت‌های تعاونی روستایی سابقه کار مدیرعاملی، ریاست هیات‌مدیره، نایب رئیس هیات‌مدیره، مجری و مشاور ۱۲ شرکت بازرگانی، شرکت تعاونی، اتحادیه‌های سراسری، سازمان تعاون روستایی و ... را به‌عنوان کوله‌باری از تجربه و پشتوانه مدیریتی به‌همراه دارد. از جمله اتحادیه سراسری مرغ تخمگذار کشور، مجری و مشاور سازمان تعاون روستایی در پروژه روستا بازار، مجری تامین مرکبات طرح تنظیم بازار کشور در سال‌های ۹۶-۹۷، اتحادیه سراسری باغداران کشور، اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی کشور، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های روستایی مازندران، رئیس هیات‌مدیره اتحادیه مرکزی نظارت و هماهنگی تعاونی‌های کشور و عضو هیات‌مدیره صندوق طیور کشور از سوابق اجرایی وی است.

سازمان یادگیرنده

علی اکبرخانی ضمن انجام تحصیلات دانشگاهی، بیش از ۵۰۰ ساعت دوره‌های آموزشی بازرگانی کشاورزی، تجارت بین‌الملل، خرید محصولات کشاورزی تضمینی و حمایتی، آشنایی با نهاده‌های کشاورزی و همچنین آموزش حسابرسی تعاونی‌های کشور را گذرانده و در عمل نیز آنها را پیاده‌سازی و بهره‌برداری کرده است. وی اعتقاد به سازمان یادگیرنده، چابک، عملگرا و تحول‌گرا دارد.

مدیر باید منشأ اثر مثبت باشد

با همه تحصیلات دانشگاهی، کارورزی و آموزش‌های مختلف باعث نشده تا از عرصه کار و تولید دور بماند و در سال ۱۳۹۶ موفق به اخذ رتبه اول تولید بزرگ گواهی شده گندم شده است. علی اکبرخانی معتقد است مدیر باید منشأ اثر از نوع مثبت آن باشد و با وجود این‌که او یکی از مدیران قوی و دارای برند در حوزه مدیران بخش خصوصی و تعاونی است که امتیاز جوانی را نیز به همراه دارد، اعتقاد به کار تیمی، مشاوره پذیری، خردجمعی در سایه تعامل با تعادل انتقاد همراه با راهکار را دارد.

به پیشنهاد رسانه‌ها

رسانه‌ها معتقدند حضور دولت رئیسی و وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی که فردی تحول‌گرا است، می‌تواند با بهره‌گیری از خدمات مدیران جوانی که علم و عمل را تجربه و تحصیل کرده و در مقاطع مختلف افتخارآفرین بوده‌اند، موضوع اشتغال و کارآفرینی در روستاها، با نگاه کاهش هزینه تولید و تغلیظ فاصله بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، مزارع و مراکز تولید محصولات کشاورزی را همراه با امنیت غذایی و خوداتکایی تضمین و قرین موفقیت نماید. چرا که توسعه پایدار و متوازن کشاورزی و افزایش تولید محصولات از ۱۲۹ میلیون تن به ۱۶۵ میلیون تن در مدت ۴ سال (برنامه و تعهد دکتر سیدجواد ساداتی‌نژاد) در نخستین گام به مدیران ملی و کارخان، جسور و اهل ریسک نیاز دارد.

ششیده‌ها حاکی است در حالی که در ماه‌های اخیر مسئولیت مهم و ملی در بدنه وزارت تعاون، کار و رقاء به وی پیشنهاد شده بود اما به دلیل نزدیکی فکری و سوابق کاری در زیر مجموعه‌های تعاونی روستایی، مدیریت‌عاملی اتحادیه را پذیرفت تا تجارب کاری خود را در مسیر امتلا خانواده بزرگ اتحادیه مرکزی و رونق کسب و کار کشاورزی و حمایت از تولید داخل همراه با مانع‌زدایی از تولید به کار گیرد. □

هشتم مرداد امسال خبری در راه بود و حکایت از آن داشت که رئیس و اعضا هیات‌مدیره اتحادیه مرکزی تعاون روستایی یا حضور در دفتر مرکزی و یک نشست همدلی و بررسی عملکرد و برنامه‌ها، به‌اتفاق آراه، مهندس صدرا علی اکبرخانی را به‌عنوان مدیرعامل برگزیدند تا در این مجموعه بزرگ و اثرگذار یاور میلیون‌ها کشاورز بهره‌بردار و بازوی امنیت غذایی کشور و انضام تعاونی در سراسر کشور باشد. نهم مرداد، این خبر قضای رسانه‌ها را در بر گرفت و باران تبریک‌ها و ارسال دسته گل باریدن آغاز کرد.

مهندس علی اکبرخانی در مسند ملی

زکات مدیریت

ذکات راهبردی

از آنجا که اتحادیه مرکزی علاوه بر سیاستگذاری و مدیریت اتحادیه‌های مرتبط، با در اختیار داشتن چندین مرکز تولید و فرآوری از جمله مجتمع‌های کشت و صنعت در قزوین و شهیدرجایی (تولید انواع محصولات اساسی، بذور گواهی‌شده، صیفی، محصولات باغی، زراعی و ...) ارائه خدمات مرتبط و همچنین چندین کارخانه موادغذایی و صنایع تبدیلی، لجستیک و حمل‌ونقل و از طرفی مسئولیت مهم راهبردی اتحادیه‌ها، تامین نهاده‌ها و توزیع آنها، فرآوری محصولات کشاورزی و نگهداری و عرضه به‌موقع آنها، نقش بسیار پررنگی در سوق دادن کشاورزی سنتی به اقتصادی دارد. بهره‌گیری از توان کاری، مدیریتی و عملگرایی صدرا علی اکبرخانی حکایت از نوعی تحول‌گرایی و تمایل به بهره‌گیری از نیروهای مدیریتی جوان اتحادیه‌ها و سازمان تعاون روستایی دارد.





کشاورزی پایدار

تکنولوژی به اجرا درآمده در گلخانه‌های پیشرفته، شرایطی را ایجاد می‌کند که شدیدترین کنترل‌ها بر مصرف آب، نور، درجه حرارت و سایر عوامل تولید اعمال شود. آزمایش‌های مستمر و بی‌پایان در مورد فاکتورهای غیرقابل محاسبه، تلاشی است که در این گلخانه‌ها به اجرا درآمده و موجب برپایی سیستم‌های پایدار برای تولید غذا گردیده است.

این موارد شامل: انواع چراغ‌های LED برای افزایش مقاومت گیاهان به آفات یا کشتن کنه‌ها است. علاوه بر آن، تکنولوژی‌های به کار برده شده دائما در حال بهتر شدن، اتوماتیک کردن عملیات کاشت، داشت و برداشت، استفاده از هوش مصنوعی و یاقتن راهمایی به منظور بهتر کردن شرایط است.

به اشتراک گذاشتن دانش

هلندی‌ها فقط به هلندی‌ها فکر نمی‌کنند، بلکه به طور مداوم ضمن به‌روز کردن نوآوری‌ها و دانش خود سعی دارند تا آن را در عرصه‌های بیشتری در جهان مورد استفاده قرار دهند.

گلخانه‌های آنها در جهان با هدف بهینه کردن رشد گیاهان در شرایط اقلیمی متفاوت به کار برده می‌شوند. آنها می‌دانند که در کلمبیا برای پایداری تولید از چه نوع گلخانه‌ای باید استفاده کرد و این نشانگر تفکر و اندیشه باز و خلاق است که موجب نوآوری و کارآفرینی در سایر نقاط جهان می‌گردد.

در حال حاضر افزون بر ۷ میلیارد انسان روی کره زمین زندگی می‌کنند که تا سال ۲۰۵۰ تعداد ۲ میلیارد دیگر به آنها افزوده می‌شود. دهان‌های بیشتری برای خوردن غذا باز و ۱۱ درصد بر گرسنگان کنونی افزوده خواهد شد. در ۴۰ سال آینده ساکنان زمین مجبورند به اندازه تمام غذایی که در ۸۰۰۰ سال گذشته تولید کرده‌اند، در این دوره کوتاه تولید نمایند. برای آماده بودن به‌منظور چنان آینده‌ای باید با روش‌های پایدار به تولید غذا پرداخت که البته همراه با استفاده کمتر از اراضی کشاورزی، کاهش آلودگی، بالا بردن بهره‌وری و استفاده از سیستم‌های پایدار تولید غذا خواهد بود. از آنجایی که این اتفاق، کاری بسیار عظیم است، نیازمند پیشگامانی در صنایع غذایی و کشاورزی هستیم تا به ما اطمینان بدهند که می‌توانیم این کار را برای فردای این سیاره انجام دهیم.

پرورش ماهی در جوار خانه

برای حل مشکل گرسنگی و تغذیه انسان‌ها، باید دو برابر میزان کنونی پروتئین تولید کرد، اما این کار بدون وارد کردن فشار هر چه بیشتر به منابع طبیعی امکان‌پذیر نیست و یک پاسخ به این تقاضا، ایجاد سیستم‌های پایدار غذایی با استفاده از گوشت‌های تراریخته است.

در سال جاری، تکنولوژی Aqua Bounty، اولین محصول گوشت تراریخته را وارد بازارهای آمریکا خواهد کرد. تولید این گونه جدید از گوشت ماهی سالمون از سال ۱۹۸۹ و زمانی آغاز شد که ماهی سالمون آتلانتیک مورد تزریق یک تکه از DNA نوع دیگری از ماهی سالمون قرار گرفت که با تزریق آن، سرعت رشد سالمون آتلانتیک افزایش یافت و به جای ۳ سال، رشد آن در ۱۸ ماه تکمیل گردید. در حال حاضر، آمریکا سالانه در حدود ۱۵۰ میلیون کیلوگرم ماهی سالمون از شیلی و نروژ وارد می‌کند که با گونه تراریخته جدید می‌توان تولید ماهی سالمون را افزایش داد.

تغییر عادات غذایی

گوشت و به‌ویژه گوشت قرمز یک منبع غذایی گسترده است و بسیار سخت به نظر می‌رسد که آدم‌ها بدون تخریب بخشی از محیط‌زیست بتوانند به آن دسترسی داشته باشند. حال اگر تولید ساده‌تر و پایدارتر گوشت امکان‌پذیر باشد، پدیده خوبی به نظر خواهد آمد.

دنیایی که امروزه ما در آن زندگی می‌کنیم، نیاز است که با دیگران در ارتباط و پیوند باشیم؛ چرا که نمی‌توانیم تمام کارها را به تنهایی انجام دهیم. ما نیاز به تولید بیشتر، با مصرف نهاده‌های کمتر و به شکل بهتر داریم.

با یک جمعیت رو به رشد جهانی، تغییر عادات مصرف و بحران اقلیمی، چگونه خواهیم توانست دنیای آینده را تغذیه کنیم؟ قطعا پاسخ در مورد افزایش منابع ارضی کشاورزی، آب و نیروی کار نخواهد بود، بلکه جواب در افزایش بهره‌وری تولید است. حال پرسش اساسی آن است که با داشتن منابع کمتر یا حداکثر همین امکانات، چگونه خواهیم توانست مقدار تولید مواد غذایی را افزایش دهیم؟

در اولین سناریو باید به کشاورزی پایدار توجه داشت. به عنوان مثال در کشور هلند با

هدف افزایش بهره‌وری، ۲۰ برابر مواد غذایی بیشتر با مصرف ۴ برابر آب کمتر، پایدارترین سیستم تولید غذایی جهان ایجاد شده است.

زمانی که به رده‌بندی تولید پایدار در کشاورزی می‌رسیم، به نظر می‌رسد که یک کشور رکورددار این موضوع است و آن کشور هلند است که با تولید دو برابری مواد غذایی و مصرف نصف منابع و نهاده‌ها، توانسته است دومین صادرکننده مواد غذایی در جهان باشد. همکاری فشرده و تنگاتنگ بین حکومت، مراکز و سازمان‌های علمی و صنایع غذایی، موجب بالاترین نوآوری‌ها و بهره‌وری شده است که در کمتر جایی از جهان دیده می‌شود. در یک مزرعه گوجه‌فرنگی معمولی، توقع بر آن

است که از هر مترمربع ۴ کیلوگرم محصول برداشت شود، اما در یک گلخانه در هلند از هر مترمربع، ۸۰ کیلوگرم گوجه‌فرنگی برداشت می‌شود.

این گونه است که هلند در تولید گوجه‌فرنگی، خیار و فلفل‌ها به نسبت تولید در واحد هکتار مقام اول را در جهان دارد.

نگاهی به کشاورزی آینده





گلدستون



GSZ-2000-1 18_4/1-30



www.goldstoneir.com

کشاورزی ارگانیک چیست؟

اول از همه بدانیم کشاورزی ارگانیک فقط در مورد آن چیزهایی نیست که نباید انجام بدهیم (مصرف کودهای شیمیایی، آفتکش‌ها، حشره‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها)، بلکه باید به سلامت محیط‌زیست و خاک، آب و تنوع زیستی نیز توجه داشت. سازمان بین‌المللی ارگانیک (IFOAM)، کشاورزی ارگانیک را این‌گونه شرح می‌دهد: «یک سیستم تولید که موجب پایداری و حفظ سلامت خاک، اکوسیستم‌ها و انسان‌ها می‌گردد». این سیستم بر پایه پروسه‌های اکولوژیکی، تنوع زیستی و دوره‌های شرایط آب و هوایی محلی است.

کشاورزی ارگانیک عوامل سنتی، نوآورانه و علمی را به‌منظور خلق مزایا برای محیط‌زیست و حمایت از روابط مسالمت‌آمیز و ارتقاء کیفیت زندگی تمام موجودات، با یکدیگر ترکیب می‌کند. هنگامی که یک محصول غذایی برجسب «ارگانیک» داشته باشد، در ابتدا برای خود جایی در بازار پیدا می‌کند، اگر چه تولید محصولات کشاورزی ارگانیک، سابقه باستانی دارد. تعداد زیادی از کشاورزان در سرتاسر جهان و به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا در جوامع کمتر توسعه‌یافته، همچنان برای تولید محصولات کشاورزی از روش‌های ارگانیک استفاده می‌کنند مگر آنکه در برخی موارد، پاره‌ای از الزامات آنها را ناچار به استفاده از روش‌های جدید بنمایند.

خانواده‌ها و جوامع کوچکی که همچنان و طی نسل‌ها در یک محل زندگی کرده‌اند، در صورت تخریب خاک و برهم زدن اکوسیستم نمی‌توانستند طی سالیان طولانی در یک محل زندگی کنند به‌ویژه اینکه نهاده‌های خارجی کشاورزی همیشه در دسترس آن‌ها قرار نداشت.

اندازه‌گیری مقدار محصول به نسبت زمین زیر کشت

در حال حاضر، یک بررسی نشان می‌دهد که بین ۱۹ تا کمتر از ۲۵ درصد از اراضی به صورت سنتی کشت می‌شوند. بنابراین تخمین‌های بسیار متفاوتی بر چگونگی شرایط این محصولات وجود دارد و نشان می‌دهد که اغلب محصولاتی از قبیل جو یا سویا به روش مدیریت ارگانیک تولید می‌شوند. یک اکوسیستم طبیعی می‌تواند به تنوع زیستی کمک و بهتر از هر نوع روش کشاورزی به بهبود آب و هوا یاری نماید.

دسترسی به محصولات ارگانیک بیشتر:

میزان مصرف و مصرف‌کنندگان برای مواد غذایی ارگانیک هر روز بیشتر می‌شود. اما تا زمانی که گزینه خرید محصولات تولید شده به روش «رایج» یا سنتی» به دلیل قیمت کمتر وجود دارد، فقط بخش‌هایی از جامعه ممکن است توان خرید محصولات ارگانیک را داشته باشند.

نقش دولت‌ها در این عرصه می‌تواند بسیار پررنگ‌تر بوده و با ایجاد تعادل واقعی در تولید، در عرصه‌های دیگر مبالغ زیادی پس‌انداز نمایند. به‌عنوان مثال در زمینه مصرف آب، شهرداری پاریس به کشاورزانی که به روش‌های ارگانیک روی می‌آورند، حمایت‌هایی را ارائه می‌دهد. یا در بلژیک، یک ابلاغیه حکومت محلی دستور داده است تا ۸۹ درصد از غذاهایی که در غذاخوری‌های شهر عرضه می‌شوند از مواد ارگانیک باشند.

سایر مزایای مواد ارگانیک:

واقعیت آن است که سالیانه ۱۷ درصد از مواد غذایی توصیه شده یا افزون‌بر ۹۰۰ میلیون تن به صورت ضایعات، دور ریخته می‌شود که همین امر موجب نامتوازنی در سیستم غذایی جهانی می‌گردد. اکثریتی بیش از مقدار ضروری کالری دریافت می‌کنند اما مقداری از این کالری به دست مصرف‌کنندگان واقعی آن در گوشه و کنار جهان نمی‌رسد.

مواد غذایی ارگانیک فقط یکی از ابزارهای موجود در جعبه ابزار ما است، ضمن آن که ما نیازمند انواعی از ابزارها برای تثبیت سیستم غذایی خود هستیم. کشاورزی ارگانیک بسیار بیش از آنچه آمارها به ما می‌گویند می‌تواند بر سیستم غذایی اثرگذار باشند. □

زمانی که چگونگی تغذیه ما و نسل‌های آینده که روی این سیاره سکونت دارند قرا برسد، بدون شک دیگر فرصت کمی برای دست برهم زدن و افسوس خوردن وجود خواهد داشت. ۸۰ درصد از جنگل‌زدایی و ۱۱ درصد از تولید گاز کربن و آلاینده‌ها به دلیل اقدامات انسان‌ها در سرتاسر جهان انجام می‌گیرد و کشت‌وکارها به روش‌های سنتی، عواملی در آلودگی آب‌ها، از بین رفتن تنوع زیستی و مضمحل کردن خاک‌ها می‌شوند. اما چه چیزی امکان دارد بر این چرخه باطل اثرگذار باشد؟

جانب‌داری از عملیات جایگزین از قبیل کشاورزی ارگانیک برای موارد فوق، بخشی از حل این معما است، اما مباحث یک‌طرفه‌ای که محصول ارگانیک را در مقابل عملکردهای رایج قرار می‌دهد، می‌تواند تفاوت‌های ظریفی در سطح تغییرات کلان در این روش به وجود آورد.

چرا که سیستم‌های غذایی بسیار پیچیده بوده و برای تغییر آن‌ها به گذر از نسل‌ها نیاز است.

در این مطلب به طرح برخی از پرسش‌هایی که در مورد نقش کشاورزی ارگانیک بیان می‌شود می‌پردازیم.



نقش کشاورزی ارگانیک

در پایداری سیستم غذایی





شرکت زرافشان

کولیدات سم و کود

Green Gold

GreenMax

Green Gold
Humic Amin
General



کود کریپ گلد Humic Amin+

کود پودری حاوی هیومیک اسید و فولویک اسید و پتاسیم و آمینو اسیدهای ضروری شامل آل آرژنین و متیونین و لیزین و وائین همگی محلول در آب و به فرم کلات پایداری بهت جذب و اثر بخشی بیشتر است. هیومیک و فولیک باعث آزاد سازی عناصر غذایی و قدرت جذب کاتله بالای آن سبب بهبود وضعیت جذب عناصر و پائیدرین قدرت فتوسنتز گیاه و در نهایت افزایش کمیت و کیفیت محصولات زراعی و باغی خواهد شد.

کود کریپ گلد Humic Amin+ سبب افزایش فعالیت زیستی میکرو ارگانیسم های موجود در خاک گردیده و از طرفی باعث اتقا و افزایش مقاومت گیاه به شوری، خشکی و سرما خواهد شد.

دستورالعمل مصرف :

مقدار مصرف	نام محصول
۵۰ کیلوگرم در هکتار	گیاهان زراعی
۱۵۰ کیلوگرم در هکتار	گیاهان باغی
۱۰ کیلوگرم در هکتار	گیاهان روغنی
۷۵ کیلوگرم در هکتار	گیاهان باغی و باغی
۵ کیلوگرم در هکتار	گیاهان سبزی و میوه

شماره ثبت مواد کودی : ۳۶۹۸۰۰

دفتر مرکزی: تهران خیابان دکتر شریعتی، خیابان حقوقی پلاک ۷۳ واحد ۲

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۱۷۲۹۵-۷ فکس: ۰۲۱-۷۷۵۱۷۲۹۸



021 77517395-7
www.zarafshan.co
09359281385



اگر چه به صورت ظاهر در خاک‌ها، جانداران چندان قابل رویت نیستند، اما در یک هکتار خاک، نزدیک به ۵ تن موجود زنده وجود دارد و در یک مشت از خاک زنده بیش از تمام انسان‌های کره زمین موجودات میکروسکوپی که حافظ خاک هستند زندگی می‌کنند. بنابراین فرسایش و تخریب خاک به نفع هیچ‌کس نیست. اگر چه افرادی که دست‌اندرکار خاک و حفاظت از آن هستند ارقام فرسایش خاک در کشور را بین ۵ تا ۲۵ تن و حتی در برخی مناطق زمین ۳۰ تا ۴۰ تن در هکتار اعلام می‌کنند، اما هر چه باشد، میزان فرسایش خاک در ایران در رده‌های اول جهانی قرار دارد و سالیانه تا میلیاردها تن از خاک مفید و حاصلخیز کشور از بین می‌رود. آماده‌سازی اراضی، قبل از شروع فصل پاییز آغاز می‌شود که با در نظر گرفتن خشک بودن آن‌ها و احتمال تداوم خشکسالی و کمپارانی در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، جای آن دارد تا سازمان‌های ذی‌ربط و به‌ویژه وزارتخانه جهاد کشاورزی روشی مناسب اتخاذ نمایند.

مدیریت اراضی: خاک‌ها انواع بسیار متفاوتی دارند که گاه در دو مزرعه مجاور دو نوع خاک دیده می‌شود. گفته می‌شود که افزون بر ۱۰ هزار نوع خاک در دنیا شناسایی گردیده که سرزمین ایران به دلیل داشتن انواع اقلیم‌ها از کوهستانی گرفته تا دشت و کویر، انواعی از این خاک‌ها را در خود جای داده است. بنابراین باید براساس ویژگی‌های خاک در حفظ آن‌ها کوشید. زمان آن است که تا پیش از آغاز حرکت تراکتورها و ادوات در اراضی کشاورزی، بنابر ضرورت و شرایط، بر کار آن‌ها نظارت شود و تکنیک‌های حفاظت از خاک به کشاورزان یادآوری گردد، چرا که به هر حال با منقح درازمدت آن‌ها ارتباط دارد.

تکنیک‌های حفاظت خاک

حفظ بقایای محصولات گیاهی بر سطح خاک: سالیان درازی است که مزایای حفظ بقایای گیاهی بر خاک توصیه می‌شود اما متأسفانه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و بدتر آن که بسیار دیده می‌شود زارعان اقدام به آتش‌زدن این ثروت ملی می‌کنند که نتیجه‌اش مرگ زیست‌مندان خاک است.

باید از این خسارت جبران ناپذیر چه از راه آموزش و حتی با روش‌های بازدارندگی قانونی و اعمال جریمه، اقدام نمود.

رعایت تناوب زراعی: تناوب زراعی یکی از رایج‌ترین روش‌های حفظ خاک از هزاران سال قبل بوده و کشاورزان مزایای آن را می‌دانستند. متأسفانه امروزه به دلیل نیاز روزافزون به مواد غذایی بیشتر، کشت محصولات بدون وقفه انجام می‌گیرد و فرصت بازسازی به خاک داده نمی‌شود.

آگاهی دادن و حتی الزام کشاورزان به رعایت تناوب می‌تواند آسیب کمتری به خاک وارد کرده و به حفظ آن کمک نماید.

استفاده از کود سبز: گیاهان پوششی در حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، چرا که به علت کند کردن جریان آب و همچنین ضربات وارده از بارش‌ها، ساختار خاک را حفظ می‌کنند. این گیاهان که اکثراً انواعی از خانواده لگوم‌ها (تیره نخود) هستند می‌توانند پس از رشد کامل شخم‌زده شده و به خاک اضافه شوند که موجب حفظ بافت و نیز افزایش مواد آلی آن می‌شوند.

حداقل جایه‌جایی خاک: زمانی اعتقاد بر انجام شخم عمیق و خرد کردن حداکثری اجزای خاک بود که با مشاهده فرسایش سریع‌تر این نوع خاک‌ها به تدریج از این کار، خودداری می‌شود. امروزه کشت محصولات فقط در محل رشد آن‌ها و به صورت نواری انجام می‌گیرد و دیگر سطوح خاک درگیر عملیات آماده‌سازی و کشت نمی‌شوند. در صورت اجرای چنین کشتی در بقایای گیاهی، مساحت زیادی از زمین دست‌نخورده باقی می‌ماند.

گاهش عبور و مرور ماشین‌ها و ادوات: حرکت ماشین‌ها و ادوات باعث وزن زیاد آن‌ها در اراضی کشاورزی موجب کوبیده شدن زمین می‌شود. به‌ویژه آن که این عبور و مرور در چند نوبت انجام می‌گردد. در بسیاری از موارد دیده می‌شود که برای یک کشت مانند گندم، بیش از پنج نوبت تراکتور و ادوات همراه آن وارد زمین می‌شود که حاصل آن کوبیده شدن زمین است. به هر حال، برای انتخاب روش‌های خاک‌ورزی باید به نوع کشت، میزان بقایای گیاهی روی زمین، جنس خاک، عوارض زمین، شرایط اقلیمی و ماشین‌ها و ادوات، توجه نمود. اینک که زمان کشت در سرتاسر کشور را در پیش داریم، لازم است تا در این شرایط

اقلیمی بحرانی به روش‌ها حفاظت خاک توجه شود. □

خشکسالی و بی‌آبی در فصل زراعی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ که به قول بسیاری در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده، شاید به مصداق «عدو شود سبب خیر»؛ هشداری برای کشاورزانی که همچنان و با سماجت هر چه بیشتر خاک را زیر و رو می‌کنند و جان و توان و پایداری آن را به خطر می‌اندازند، باشد. تا اندکی در چگونگی استفاده از خاک بازنگری کنند.

اراضی کشاورزی ایران به شدت در معرض تخریب و فرسایش قرار دارند و این نیست مگر به دلیل روش‌های بهره‌برداری از این خاک‌ها، چرا که سرعت از بین رفتن خاک بیش از ۱۰ برابر تولید آن است.



کاهش بارش‌های حفاظتی
شاید راه نجات

رتبه اول تخریب خاک
در دنیا





آریاشیمی

تولیدکننده کودهای کشاورزی

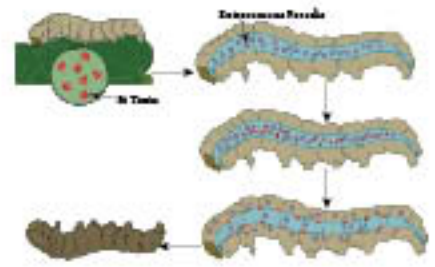
کود آلی نیتروژنه حاوی پتاسیم و گوگرد افزایش دهنده مواد آلی و اصلاح کننده خاک



دفتر مرکزی: تهران، پونک

۰۲۱ ۴۵۸۸۲

www.ariashimi.ir



برخی از محصولات تراریخته (GMO) نظیر ذرت و پنبه که زمانی نسبت به آفات یا روش‌های زنتیکی، مقاوم شده بودند، دیگر آن مقاومت را از خود نشان نمی‌دهند. دانشمندان می‌گویند که این مشکل در نتیجه استفاده زیاد از این محصولات است و در نتیجه باید دستورالعمل‌های جدیدی برای آن یافت. این محصولات از ابتدایی‌ترین محصولات تراریخته بودند که از آغاز دهه ۱۹۹۰ به‌طور گسترده‌ای توسط کشاورزان مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. محصولات قوق، مقاومت خود نسبت به حشرات را از یک نوع باکتری خاکزی با نام Bt (*Bacillus Thuringiensis*) کسب نمودند، چرا که این باکتری برای لارو برخی از آفات نظیر کرم غوزه‌پنبه، سمی است.

دانشمندان، تعدادی از ژن‌های این باکتری را وارد بذر ذرت و پنبه نموده و این گیاهان با تولید پروتئین‌های کشته‌کننده حشرات، به دفع این آفات می‌پردازند.

محصولات دارای ژن Bt منافع دوگانه به همراه دارند: اول آن که از آغاز دهه ۱۹۹۰، دیگر کشاورزان نیازی به استفاده از سموم برای مبارزه با کرم غوزه‌پنبه و کرم ریشه ذرت نداشتند که در مصرف سموم آفت‌کش صرفه‌جویی‌هایی به عمل می‌آمد.

دوم آن‌که، این خبر خوبی برای محیط‌زیست بود. پروتئین‌های Bt نسبتاً برای تعداد اندکی از حشرات دارای حالت سمی بوده، ضمن آن که برای انسان و دام به‌طور کلی آسیبنزننده نیستند. این پروتئین‌ها تأثیر زیادی روی زنبورهای گرده‌افشان و پروانه‌ها نداشته، همچنین آسیبی به حشرات شکارچی وارد نمی‌کنند.

حال، تمام آن مزایا در خطر قرار گرفته و محصولات و گیاهان دارای Bt دیگر آن قدرت و توان گذشته را ندارند، چرا که انواعی از کرم‌های غوزه، کرم‌های ریشه و سایر آفات به وجود آمده‌اند که بدون آسیب دیدن، از این گیاهان تغذیه می‌کنند و نتیجه آن که بسیاری از کشاورزان از این جریان عصبانی و ناراحتند و ناچارند تا دوباره اقدام به سمپاشی علیه این آفات نمایند.

وضعیت جدید!

وضعیت جدید بسیار پیچیده شده است، چرا که شرکت‌های بیوتکنولوژی ژن‌های Bt دیگری را با هدف مبارزه با حشرات بیشتری وارد میدان کرده‌اند. در بسیاری از موارد، شته‌ها و برخی حشرات دیگر به پروتئین‌های Bt مقاومت نشان می‌دهند، ضمن آن که این مقاومت از مکانی به مکان دیگر متفاوت و ناهمگون است. دانشمندان در مورد وقوع چنین خطری هشدار داده بودند. آن‌ها در مشاجره‌ای طولانی‌مدت با شرکت‌های فروشنده محصولات دارای Bt نظیر "بایر" و "مونسانتو" درگیری‌هایی داشتند.

قبل از آن‌که شرکت "مونسانتو" شروع به فروش اولین محصولات Bt بنماید، دانشمندان مستقل سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست به‌منظور محدود کردن مساحت و مزارع اختصاص داده شده به این محصولات هشدار داده بودند. آن‌ها اعلام کرده بودند که چنانچه چنین محصولاتی در همه جا کشت شوند، امکان دارد حشراتی به وجود آیند که نسبت به Bt مقاوم شده و به‌سرعت گونه‌های از حشرات مقاوم را به وجود خواهند آورد.

نگرانی دانشمندان بیوتکنولوژی

راهکاری که دانشمندان ارایه داده بودند به‌صورت کشت محصول بدون Bt در مجاورت محصول Bt است که این امر به بسیاری از حشرات غیرمقاوم اجازه ادامه بقا و زندگی می‌دهد. سازمان محیط‌زیست آمریکا با این کار موافق بود، اما دانشمندان و شرکت‌های بیوتکنولوژی مخالف بودند، ضمن آن که اظهارها می‌یابد شکلی واقعی می‌داشتند. در بیش از یک دهه گذشته، برخی از حشرات نظیر کرم ریشه ذرت، کرم غوزه پنبه و کرم ساقه‌بر لوبیا به یکی از انواع ژن Bt مقاوم شده‌اند. اکنون دانشمندان یک‌بار دیگر قانون‌های حکومتی را به‌شدت تحت‌ت فشار قرار داده و می‌گویند که «ما در زمان حساسی قرار گرفته‌ایم و می‌بینیم که چه اتفاقی افتاده! به‌اجبار باید تغییراتی ایجاد شود».

بزرگ‌ترین تغییر مورد نظر روی یک ژن Bt به‌نام Vip3A است که برای گیاهان ذرت و پنبه به ثبت رسیده است. این Vip3A اندکی دیر به بازار آمد و با سایر ژن‌های Bt متفاوت است، بنابراین هنوز روی بسیاری از حشرات موثر است. دانشمندان نگرانند که به‌زودی این ژن، به‌ویژه زیربار استفاده بی‌رویه آن در مزارع پنبه، کمر خیم خواهد کرد. ژن Vip3A در حال حاضر در هر دو محصول ذرت و پنبه برای مبارزه با آفات آنها مورد استفاده قرار گرفته است که در صورت تداوم، حشرات به آن نیز مقاوم خواهند شد. دو سال قبل یک گروه از سازمان محیط‌زیست آمریکا توصیه کردند که به‌طور موقت استفاده از ژن Vip3A در کشت ذرت در جنوب آمریکا ممنوع شود.

حال اعتقاد بر این است که چنانچه عملیات کشت به روش کنونی تغییر نیابد، امکان دارد که ژن‌های Bt موجود در بازار، در یک دهه قابلیت‌های خود را از دست داده و باز هم کشاورزان ناچار از استفاده از سموم کشاورزی گردند. ☐

فرو ریختن دیوار مقاومت گمرک در مقابل تراریخته

اخیراً سازمان حفاظت محیط‌زیست طی دستورالعملی به گمرک، با حذف ضرورت تایید به خود، در ارتباط با ورود محصولات تراریخته آب پاک روی دست کنشگران مربوطه ریخت. این مطلب نگاهی دارد به آسیب‌پذیر شدن محصولات تراریخته در مقابل آفت‌ها یا از دست دادن مقاومت آنها نسبت به آفات نباتی.

فرو ریختن مقاومت تراریخته‌ها به آفات



دفتر گیاهی نوکلئیک بر اساس
استانداردهای ۷-۲۰۰۷ و ۲۰۰۷
و ۸۸۷۷-۲۰۰۷ انجمن بین المللی
و استاندارد ملی ۱۳۰۰



پالیزین (حشر کش) جهت کنترل شته و بیشتر گونه های کنه و آفات مکنده.
کالیپان (قارچ کش) جهت کنترل بیماری سفیدک سطحی و پودری.
سپیدان (کانولین فرّوری شده) ادورکننده حشرات از گیاهان و مقابله با آفتاب سوختگی محصولات.
فریکول (طعمه طازون کش حاوی فسفات آهن) جهت کنترل حشرات و راب.
تنداکسیرا (حشره کش و کنه کش روغنی حاوی مصاره فلفل قرمز) جهت کنترل کنه و طیغی از آفات مکنده.
سیتراپلاس (افزودنی پالیزین حاوی روغن گیاهی و صمغ های گیاهی) جهت روغن پاشی زمستانه و بهاره گیاهان.
پرتار (صابون محلول پاشی اسیدی) بهبود چشمگیر سطح پوشش مواد پاششی به گیاهان و کاهش قابلیت جهت افزایش کارایی.
کوبیا (صابون محلول پاشی حاوی صمغ های گیاهی) جهت ایجاد سطح پوشش بیشتر و افزایش دهنده چسبندگی مواد پاششی به گیاهان و مقابله با باد بردگی سموم تلف کش.

محصولات جدید



کیتوپلاس کود مایع غنی از مواد آلی و حاوی عناصر ماکرو و ریز مغذی ها، حاوی ماده طبیعی کیتوزان (استخراج شده از پوست کیتینی سخت پوستان)
ارگانومکس کود مایع غنی از مواد آلی، کربن آلی و حاوی اسیدهای آمینه، زت، فسفر، پتاسیم و ریز مغذی ها.
پروکسین ۵٪ مایع ضد عفونی کننده با طیف اثر گسترده و سازگار با محیط زیست، حاوی پراکسید هیدروژن.
روغن امولسیون شونده سبزآور با ماده موثره پارافین EC88
مدلور سبزآور مایع جلب کننده آفت مگس میوه حاوی پروتئین هیدرولیزات و نمک های آمونیوم ۴۰٪

www.kimiaabzawar.com

http://telegram.me/kimiaabzawar/Organic

کیمیا سبز آور، نوآوری و کیفیت در خدمت محیط زیست

کارخانه شهرک صنعتی امیریه فیروزکوه

تلفن دفتر تهران: ۲۲۸۵۶۲۲۸ و ۲۲۸۵۶۲۳۳

دوینگر: ۲۲۸۹۵۶۳۳



محکومیت خزانهداری انگلیسی توسط بانک ملت

پرداخت غرامت یکصد میلیون دلاری

توسط خزانهداری انگلیس به بانک ملت



اسماعیل رسولی

همانطور که افرادی پیدا می شوند که با سوءاستفاده های کلان در سازمان های دولتی، باعث تنگ جامعه می شوند و عده ای از آنان بدون شرم در دادگاه، رجزخوانی و اکتون آب خنک میل می کنند. اما افراد شرافتمندی نیز هستند که موجب افتخار مملکت شده و شجاعانه و بدون واهمه در برابر قدرت های جهانی می ایستند و از حقوق مملکت شان دفاع و آنها را به زانو درمی آورند. این افراد هستند که سرافرازی ملت را فراهم می سازند.

«بانک ملت» که در راس آن شخصیتی وطن خواه به نام محمد بیگدلی با همکاری امن و پاکدست حضور دارند، توانسته اند دولت و خزانهداری انگلیس را محکوم به پرداخت غرامت یکصد میلیون دلاری به بانک مذکور نمایند.



مدیرمستول، مشاور مدیرمستول، سردبیر، نویسندگان و کارکنان «مجله دام و کشت و صنعت» این توفیق افتخارآمیز را به محمد بیگدلی و همکاران میهن دوستشان تبریک می گویند و برای همه آنها موفقیت و سرافرازی هر چه بیشتر آرزو می کنند.



۲۵ میلیون هکتار در معرض فرسایش بادی!

وسعت بیابان‌های کشور ۳۲ میلیون هکتار برآورده می‌شود، یعنی در حدود ۲ برابر اراضی کشاورزی دیم و آبی که سالیانه مقادیر زیادی به آن افزوده می‌گردد. از ۱۰۰ میلیون هکتار اراضی در حال تخریب، ۷۵ میلیون هکتار تحت فرسایش آبی و ۲۵ میلیون هکتار در معرض فرسایش بادی قرار دارند که نشان می‌دهد باز هم انسان‌ها با روش‌های کشاورزی سنتی و مخرب، بیشترین سهم را در تخریب اراضی و خاک دارند.

اعداد فرسایش خاک اندک تفاوت‌هایی با هم دارند اما سالیانه در حدود ۲ میلیون تن خاک با ارزش که باز تولید آن صدها سال به درازا می‌انجامد از پهنه‌های اراضی کشور نابود می‌شود. طوفان‌های خاک در مناطق شرق، جنوب شرق، مرکز، جنوب‌غربی و بسیاری دیگر از مناطق که همگی حاصل بیابان‌زایی در این مناطق است، به تدریج زندگی را در این حوزه‌ها ناممکن و ساکنان آن‌ها را وادار به کوچ می‌کند که عواقب ناخوشایندی در پی خواهد داشت.

استان اصفهان از مناطقی است که با داشتن ۱۰/۷ میلیون هکتار وسعت، ۳۰ درصد از عرصه‌های بیابانی کشور را دارد و سرانه بیابان‌زایی در آن ۰/۶۶ هکتار به‌ازای هر نفر است که رقم بسیار بالایی است.

در حال حاضر عرصه‌های طبیعی کشور به دلیل استفاده بی‌رویه و غیراصولی از مراتع، اراضی کشاورزی، معدن‌کاوی، سدسازی، تخریب جنگل‌ها (جنگل‌زدایی)، پیوسته در حال بیابان‌زایی هستند که در ۱۰ سال اخیر ۳۰ درصد به آن‌ها افزوده شده است.

استان تهران نیز با داشتن ۱۰۵ هزار هکتار اراضی بیابانی یکی از مناطق در حال بیابانی شدن است که به‌علت بهره‌برداری غیراصولی و بی‌رویه از منابع آب، خاک و گیاهان، علاوه بر بیابانی شدن در حال نشست زمین است.

عیناً. رمضانی، معاون بهره‌برداری و توسعه منابع آب استان قزوین گفت: با روند فعلی مصرف آب، طی ۱۰ سال آینده دشت قزوین به کویر تبدیل می‌شود که اولین نتیجه این فاجعه به جریان افتادن روند مهاجرت‌های کوچک و بزرگ و خالی شدن شهرهای کوچک و روستاها از سکنه و از بین رفتن مشاغل است.

چنین گفتاری را نیز یکی از مسئولان اصفهان بیان کرد که تا ۱۰ سال آینده، استان اصفهان به بیابان تبدیل خواهد شد.

دهها و شاید صدها مورد این چنینی، سال‌ها است که در پهنه جغرافیایی کشور اتفاق افتاده یا در شرف وقوع است و می‌رود تا بر وسعت بیابان‌ها افزوده شود و عرصه را بر ساکنان ایران تنگ و تنگ‌تر نماید.

آنچه در حال اتفاق افتادن است دو علت آشکار دارد: یکم دخالت‌ها و ظلم‌های انسان‌ها بر عرصه‌های زیست‌محیطی بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی خشک و نیمه‌خشک فلات ایران و دوم تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین که باز هم در این جا، ردپای آدم‌ها دیده می‌شود.

ایران در شتاب بیابانی شدن



بهترین راه حل برای کشت در مناطق گرم‌فرونده و تخریب‌شده در حالی که ۱۰۰ درصد در مقابل با سایر فناوری‌ها در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کنند.

سرعت بیابانی شدن ایران

ایران از نظر روند بیابانی شدن در زمره پنج کشور نخست جهان است و روزانه در حدود ۴۰ هکتار از مراتع، جنگل‌ها، و اراضی کشاورزی آن تخریب و به بیابان تبدیل می‌شود. فرسایش خاک در ایران به دلیل قرار داشتن روی کمربند خشک کره زمین و نداشتن رطوبت کافی برای حفظ ساختار خاک، پنج برابر متوسط جهانی است و از این نظر پیوسته در معرض بیابانی شدن قرار دارد.

مستولان کشور با هر طرز تفکر و اندیشه و ایدئولوژی باید عواقب مرگ‌بار بیابان‌زایی در کشور را درک نمایند، چراکه تداوم چنین روند خسارت‌زایی می‌تواند آینده ساکنان این سرزمین را به خطر بیندازد.

چاره‌جویی برای کند کردن روند بیابان‌زایی امری بالادستی است و می‌باید در سازوکارهای ملی دیده شود. با شدت یافتن تغییرات اقلیمی جهانی که خاورمیانه در زمره یکی از حوزه‌های به‌شدت آسیب‌پذیر آن است، از دست دادن هر یک روز می‌تواند برگشت‌ناپذیر باشد.



groasts



مأموریت دام و کشت و صنعت ۲۵۵
شهریور ۱۴۰۰

نهال‌های رها شده

دیده می‌شود که همه ساله صدها هزار نهال به مناسبت روز درختکاری یا موارد مشابه با هزینه‌های بسیار و با شعارهای مبارزه با بیابان‌زایی، حفظ محیط زیست، ترمیم و واکاروی عرصه‌های بیابانی و جنگلی کاشته می‌شود که به سرعت به حال خود رها شده و پس از اندک زمانی به دلیل پیگیری نکردن در وضعیت پس از کشت آن‌ها از بین می‌روند و در گرمای تابستان ایران و ابرسانی نکردن خشک می‌شوند.

شاید بتوان گفت که در صورت وجود یک متولی یا حداقل هزینه و مخارج می‌توانست درصدهای بالایی از این نهال‌ها را تا استقرار و ریشه‌زنی کامل نگه دارد.

آنچه امروزه در شکل یک تهدید واقعی قرار گرفته است از بین رفتن زیرساخت‌های محیط‌زیستی و از همه مهم‌تر پوشش گیاهی به‌منظور تثبیت خاک‌ها است.

در تثبیت خاک، حفظ رطوبت عاملی اساسی است که در رابطه بین گیاه و خاک و اثر متقابل آن‌ها بر یکدیگر، باید حفظ شود. نکته اساسی در بیابانی شدن اراضی، از دست دادن رطوبت اندک خاک در ماه‌های گرم است. برای آن که بتوان ریشه نهال کاشته شده را به سمت عمق مرطوب هدایت نمود باید از ابزار و تکنولوژی مناسب استفاده کرد.

برای بیابان‌زدایی اولین اقدام شناخت گیاهان مقاوم به خشکی است که معمولاً قادر به ادامه زندگی در آن شرایط هستند.

در کمتر منطقه‌ای دیده شده که کشت نهال بدون در نظر گرفتن شرایط و ابزار مناسب قرین توفیق بوده است. حال با اختراع ابزاری به نام گرواسیس (Groasis) که تاکنون در بسیاری از کشورهای در خطر بیابان‌زایی به کار برده شده، می‌توان در مناطق آسیب‌دیده کوهستانی و دشت‌هایی که حداقل بارندگی‌های زمستانی را دارند، اقدام به بیابان‌زدایی نمود و با تخصیص هزینه‌های لازم هرچند به قیمت کاهش در تعداد نهال، به بیابانی‌زدایی واقعی عمل کرد.

گرواسیس در واقع یک ظرف جمع‌آوری کننده آب است که می‌تواند آب دریافت شده را تا مدت‌ها برای رشد گیاه نگهدارد.

این وسیله دارای چندین مزیت است:

- در مناطق بیابانی که معمولاً وزش باد شکلی دائمی دارد به‌عنوان یک قیم عمل می‌کند.
- در روزهای گرم اطراف گیاه را خنک و در شب‌های سرد اطراف آن را نسبت به محیط بیرون گرم نگه می‌دارد.
- به‌دلیل ایجاد پوشش روی خاک اطراف بوته، از تیخیر آن جلوگیری می‌نماید.
- مانع از رشد علف‌های هرز که به‌صورت یک رقیب با گیاه اصلی از آب و مواد غذایی استفاده می‌کنند، شده و بهره‌وری از آب را ۱۰۰ درصد می‌کند.
- عمر این جعبه‌ها ۱۰ سال است و می‌توان پس از اطمینان از استقرار نهال آن را خارج کرده و برای کشت نهال دیگری از آن استفاده کرد. نوع یکبار مصرف آن که تجزیه‌پذیر است نیز وجود دارد.
- این وسیله می‌تواند برای تمام درختان مثمر، غیرمثمر، گیاهان درختچه‌ای و بوته‌ای مورد استفاده قرار گیرد و پس از استقرار گیاه از روی آن برداشته و برای موارد بعدی به کار برده شود.
- نکته حائز اهمیت در مورد «گرواسیس» قابلیت استفاده از آن در کشت‌های گلخانه‌ای به‌ویژه در مناطق کم‌آب است.

با استفاده از این تکنولوژی و بدون نصب سیستم‌های پر خرج و هزینه آبیاری تحت‌فشار، می‌توان اقدام به تولید محصول نمود و با حداقل آب به پرورش گیاهان گلخانه‌ای پرداخت. وسیله‌ای که می‌تواند به‌عنوان یک نوآوری در تولیدات گلخانه‌ای به کار گرفته شود.

اگر درست درک، تجزیه و تحلیل شود

در پایان لازم به ذکر است که اتکاء به دانش و فناوری می‌تواند بار آسیب‌ها و صدمات به محیط‌زیست، طبیعت و تولید محصولات کشاورزی را کاهش دهد.

اگر چه امکان دارد تاکنون کسی از این تکنولوژی در تولید گیاهان گلخانه‌ای در ایران استفاده نکرده باشد، اما با محاسبه سود و زیان در طولانی‌مدت این تکنولوژی می‌تواند ضریب استفاده بهینه از آب را بسیار بالا ببرد، با توجه به آن که این موضوع به خوبی درک و تجزیه و تحلیل گردد. □



اما چاره‌جویی‌ها می‌توانند:

- رعایت حقایق‌های محیط‌زیست‌های آسیب‌دیده‌ای که منجر به خشکیدگی شدن آن‌ها گردیده است. نظیر تالاب‌ها و دریاچه‌ها.
- جلوگیری جدی از برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی که منجر به سقوط منابع آب به لایه‌های پایین‌تر زمین می‌شود و عوارضی مانند فرونشست‌ها و فروچاله‌ها را به دنبال دارند.
- مدیریت استفاده از مراتع و اراضی کشاورزی و جلوگیری از تغییر کاربری آنها.
- نهال‌کاری و بوته‌کاری با گیاهان مقاوم به کم‌آبی و شوری در اراضی تخریب شده و در صورت لزوم مالچ‌پاشی آن‌ها.
- استفاده از روش‌های نوین بوته‌کاری در اراضی بیابانی نظیر آنچه در کشورهای حاشیه خلیج فارس و بسیاری از کشورهای دیگر انجام می‌گردد و آن به‌کار بردن ابزاری به نام گرواسیس (Groasis) است که پس از نصب و یکبار آبیاری، دیگر گیاه نیازی به آبیاری ندارد.
- بین فناوری می‌تواند به سرعت از بیابانی شدن یک منطقه جلوگیری و به‌ویژه برای مناطق کم‌باران مفید است.





دلایل کاهش قیمت انرژی خورشیدی

مهندس پریا حیدری

بحران‌های زیست‌محیطی متعددی، جهان ما را رنجور کرده و طبیعی است که هر کسی، به روشی در پی یافتن راهی برای کمک به آن باشد. یک روش نایب شده در این میان، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌ویژه انرژی خورشیدی است.

اگر چه از گذشته راحل‌هایی در این مورد پیش‌پای ساکنان کره زمین گذاشته شده، اما به‌نظر می‌رسد هنوز تمام ساکنان این کره خود را به آن متعهد نمی‌دانند. آنچه که امکان دارد موجب این بی‌انگیزگی شده باشد، اعتقاد به گران بودن تهیه انرژی خورشیدی است، اما مشاهداتی وجود دارد که نشان می‌دهد این تفکر چندان درست نیست، چرا که در حال حاضر، هزینه‌های تولید انرژی خورشیدی رو به کاهش بوده و در آینده از این نیز کمتر خواهد شد.

در بررسی‌های به‌عمل آمده به‌منظور بهبود وضعیت انرژی جهانی، پیش‌بینی شده که کارگاه‌ها و «مزارع» تاسیسات تولید انرژی‌های خورشیدی و بادی، تا سال ۲۰۳۵، بیش از نیمی از مراکز تولید انرژی را به خود اختصاص خواهند داد و ظرفیت تولید آنها افزایش چشمگیری خواهد داشت.

براساس این گزارش، تقاضایی که برای تولید انرژی توسط زغال‌سنگ به نقطه‌اوج خود رسیده بود، تمام شده و در مورد نفت و گاز نیز برای تولید انرژی تا سال ۲۰۲۹ برای نفت و تا سال ۲۰۳۷ برای گاز خواهد بود.

مجاز شمردن افزایش گرمای جهانی تا ۱/۵ درجه، نیازمند کاهش آلاینده کربن به مقدار ۸۵ درصد است که در سال ۲۰۳۰ به پایان می‌رسد. رعایت روند افزایش حرارت و حرکت جهانی برای تولید اتومبیل‌های برقی، دو دیدگاه مثبت در گرایش به سمت استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است.

علل کاهش هزینه‌ها

در چهار دهه گذشته قیمت ملزومات و محصولات تولید انرژی و به‌ویژه پانل‌های فتوولتائیک تا ۹۹ درصد کاهش یافته که سقوط چشم‌گیری است. این روند در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. اما نکته‌ای که هنوز به طور جدی معلوم نشده آن است که چه عواملی موجب این کاهش قیمت چشمگیر شده است.

گروهی از محققان دانشگاه MIT به بررسی علل این سقوط قیمت پرداخته است. آن‌ها تصمیم گرفتند تا نگاهی به تکنولوژی و عواملی که موجب این کاهش گردیده بیندازند. آن‌ها دریافتند طی سال‌هایی که این تکنولوژی سپری نموده، به شکل قابل توجهی بهبود یافته و سلول‌های خورشیدی به شکل بسیار موثری نور خورشید را به انکتريسيته تبدیل می‌کنند. علاوه بر آن، گروه مذکور هزینه‌هایی را که موجب تولید مکتلیسم‌های «سطح بالا» از قبیل: توسعه و گسترش کار، R&D، موضوعات اقتصادی و رتبه‌بندی محصولات می‌شود، مورد بررسی قرار داد.

یکی از این موارد که موجب بهبود پروسه‌های تولید شده بود حذف سلول‌های ناقص و معیوب و ارتقاء سطح کیفیت آن‌ها بود.

این بررسی ویژه از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۲ (۳۲ سال) و تا هنگامی که قیمت‌ها تا ۹۷ درصد کاهش یافته بود، انجام شد. در این بازه زمانی، گروه تحقیقاتی توانست ۶ عامل کاهش کیفیت را شناسایی نموده و هر یک را تا حدود ۱۰ درصد در پایین آمدن قیمت‌ها موثر بداند. با این یافته‌ها، اهمیت بسیاری از تفاوت‌ها از کاهش مستمر قیمت‌ها معلوم گردید.



یک بررسی دیگر

در سال ۲۰۱۸، بررسی دیگری توسط گروه تقی‌زاده، حصاری، یوشینو و ایناگانی از دانشگاه MIT در این موضوع انجام شد. در این بررسی، کاهش قیمت قطعات پانل‌های انرژی خورشیدی از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۶ در کشورهای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

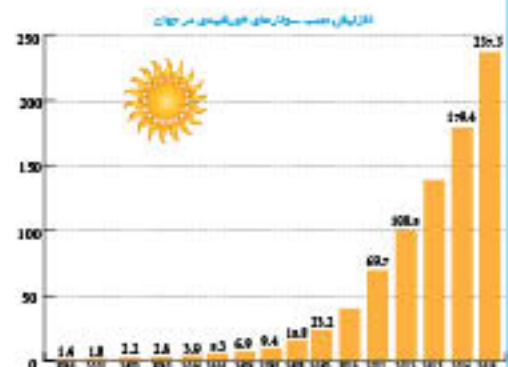
پنج کشور مورد نظر شامل چین، آلمان، ژاپن، کره و آمریکا بود و پنج عامل مورد تحلیل عبارت از دستمزدها، نرخ واقعی بهره‌های بانکی، نرخ مبادلات ارزی، تحقیق و توسعه (R&D)، هزینه‌های جانبی و قیمت‌های نفت بود.

این چهار محقق ارتباط بین قیمت ادوات تولید انکتريسيته خورشیدی و پنج عامل اقتصادی به کار رفته در این روش را تحت آزمایش قرار دادند و سه یافته به شرح زیر ارائه دادند:

- دستمزدها، تاثیر زیادی بر قیمت ساخت سیستم‌های خورشیدی ندارند.
- نرخ‌های بانکی در کشورهای آلمان، ژاپن و آمریکا بر قیمت این دستگاه‌ها تاثیر زیادی داشتند.
- هزینه‌های R&D روی قیمت این سیستم‌ها، افزایشی را نشان می‌دهد.

باتری‌های خورشیدی

یک گروه از محققان دانشگاه لانکاستر در انگلستان موفق به ساخت یک باتری برای ذخیره کردن انرژی خورشیدی شده است. این باتری قادر است که انرژی جمع‌آوری شده به مدت چند ماه را در خود ذخیره کرده و براساس زمان نیاز، آن را به‌صورت حرارت ارائه دهد. هدف از این اختراع گرفتن و ذخیره‌سازی انرژی خورشیدی در ماه‌هایی نظیر فصل تابستان و استفاده از آن در ماه‌های زمستان است. ☀️



مجله دام و گشت و صنعت ۲۵۵
شهریور ۱۴۰۰

این اتفاقات تلخ و ناگوار به دلیل زیان و ناتوانی دامداران در حفظ دام‌های مولد است که آنها را مجبور به حذف آن‌ها کرده است. دام‌هایی با ارزش ژنتیکی بالا که حاصل سال‌ها تلاش و زحمت این قشر تولیدکننده و عزیز است و حال مجبورند به دست خودشان آنها را به تیغ قصابان بسپارند.

کاملاً واضح است که دلیل این کار دامداران، زیان‌های متواتر آنها در سال‌های اخیر است؛ به این دلیل که قیمت فروش شیر به هیچ عنوان کفاف هزینه‌های سرسام‌آور و روزافزون تولید آن را نمی‌کند و با این قیمت بالای علوفه، ذرت، سویا، جو و دیگر نهاده‌ها و از طرف مقابل، قیمت پایین شیر و گوشت، معلوم است چه بر سر دامداری‌ها خواهد آمد.



واقعاً مانده‌ایم که «دم خروس» را باور کنیم یا قسم حضرت عباس؟ برخی آقایان را که صحبت از تولید ۱۰-۱۲ میلیون تن شیر می‌کنند؟! احتمالاً این مسئولان فیلم‌ها و کلیپ‌های مربوط به کشتار گاوهای شیری و آبستن و رقبو ساختن دامدار یا خون آن‌ها، ریختن شیر تانکرها در خیابان‌ها و ... را اخیراً در شبکه‌های مجازی ندیده‌اند.

در یک گاوداری شیری حدود ۸۰ درصد هزینه‌ها از فروش شیر تامین می‌شود و وقتی شیر نسبت به نهاده‌های مصرفی قیمت مناسبی نداشته باشد، حذف از چرخه تولید و ورشکستگی، سرتوشت محتوم دامدار خواهد بود.

در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم شیر، بنابر مصوبه شورای قیمت‌گذاری (قیمت‌گذاری در ۱۸ تیر) ۶۴۰۰ تومان است. این قیمت در حالی تعیین شد که در حوالی همان روزها، فرهاد اکبری، رئیس اتحادیه سراسری مرکزی دامداران گفته بود که به دلیل گرانی نهاده‌ها قیمت تمام شده شیر خام ۱۲ هزار تومان است و دامداران با زیان به کارشان ادامه می‌دهند و ... که البته حرف چندان دور از منطقی به نظر نمی‌رسید.

در این میان اما مشخص نیست که چرا متولیان به این سادگی از کنار چنین بدبختی عبور می‌کنند؟ در تعیین قیمت ۶۴۰۰ تومانی، تصمیم‌گیران احتمالاً فرض را بر تامین نهاده‌ها به قیمت دولتی گذاشته‌اند، در صورتی که عملاً دامداران بخش زیادی از نهاده‌ها را در بازار آزاد و با قیمت‌های بسیار فراتر از آن تهیه می‌کنند.

دم خروس یا قسم حضرت عباس

اما ضرب‌المثل «دم خروس و قسم حضرت عباس» را به این دلیل عرض کردیم که بعد از این همه مشکلات و حذف گاوهای شیری و آبستن و ورشکستگی دامداران و ... مرغ مستولان هنوز یک پا دارد و صحبت از تولید ۱۰ الی ۱۲ میلیون تن شیر می‌کنند (البته تقسیم این مقدار به تعداد جمعیت ایران و اعلام سرانه مصرف غیرواقعی را نیز در نظر داشته باشید).

سال ۱۳۹۹ در حالی وزارت جهاد کشاورزی آمار تولید شیر را ۱۱ میلیون تن پیش‌بینی کرده بود که بنابر گفته مرکز آمار ایران تنها ۸/۲ میلیون تن شیر در دامداری‌های کشور تولید شده بود.

البته بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان این صنعت، مقدار واقعی تولید را از ۸/۲ میلیون تن نیز کمتر می‌دانند. مثلاً علی احسان ظفری، رئیس هیات‌مدیره اتحادیه تعاونی فرآورده‌های لبنی ایران، شهریور ۹۹ در مصاحبه‌ای میزان تولید شیر را ۶ میلیون تن عنوان کرده بود که با ۱۱-۱۰ میلیون تن اعلامی وزارت جهاد کشاورزی، فاصله ۴-۵ میلیون تنی دارد.

براساس برخی واقعیت‌ها و شواهد، مقدار واقعی تولید همین مقدار ۶ میلیون تن (با چربی و پروتئین پایین) و عددهای نزدیک به آن را بیشتر می‌توان قبول کرد تا آمارهای ۱۰-۱۲ میلیون تنی وزارتخانه جهاد کشاورزی را؛ چرا که بخش زیادی از تولیدکنندگان در سال‌های سخت اخیر، به دلیل آنچه بر سر دامداران آمد و می‌دانید، عطای تولید را به لقایش بخشیدند و سرمایه‌ها از این بخش خارج شده و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های گذشته نیز بلااستفاده رها شده‌اند. اما معلوم نیست چرا مسئولان وزارتخانه هنوز اصرار بر اعلام این میزان تولید، صادرات و سرانه مصرف شیر دارند؟! واقعاً مانده‌ایم که دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را؟! ❏

صنعت دامداری در اغما



قیمت‌گذاری شیر در دنیا معمولاً به دو روش انجام می‌گیرد:

- قیمت‌گذاری براساس حجم شیر یا قیمت‌گذاری درصد تفاوت (Percentage Differential Pricing):

در این روش یک کیلوگرم شیر با درصد تعیین شده‌ای از چربی و پروتئین، به‌عنوان پایه یا آستانه در نظر گرفته می‌شود و مقادیر چربی و پروتئین بالاتر از آن، مشمول افزایش قیمت نمی‌شوند فقط به مقدار جزئی، جایزه دریافت می‌کنند و در واقع قیمت‌گذاری بر اساس حجم شیر انجام می‌شود.

- قیمت‌گذاری براساس ترکیبات شیر یا قیمت‌گذاری چند مولفه‌ای (Multiple Component Pricing):

در این روش قیمت براساس چربی، پروتئین و بعضاً لاکتوز تعیین می‌گردد و حجم اهمیتی ندارد. در هر دو روش، مبلغی به‌عنوان جایزه برای کیفیت شیر (SCC، بارمیکروبی، دما و ...) در نظر گرفته می‌شود.

امروزه روش اول در همه کشورهای توسعه‌یافته منسوخ شده است؛ چون شاخص‌های مهمی مانند کیفیت و بهداشت شیر در آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کارخانه‌های لبنی می‌دانند که کلید کیفیت فرآورده‌های لبنی در دست تامین‌کنندگان شیرخام است و قیمت‌گذاری باید بر مبنای ترکیبات و بهداشت شیر انجام شود تا دامداران انگیزه کافی برای تولید را داشته باشند.

در کشورهای آمریکا و کانادا قیمت‌گذاری تقریباً به‌طور مشابه و بر اساس کلاس کیفیت و موارد استفاده آن در تولید فرآورده‌های لبنی تعیین می‌گردد. ولی سایر کشورها با روش مدون ارائه نداده‌اند.

روش قیمت‌گذاری در ایران

با وجودی که ایران از لحاظ صنعت گاو شیری جزو کشورهای پیشرفته است، ولی هنوز از روش منسوخ شده اول استفاده می‌کند و کماکان ما مشغول تولید، نقل و انتقال و خشک کردن میزان زیادی آب هستیم (اشاره به پایین بودن درصد چربی و پروتئین شیر).

هزینه‌ای که ما سال‌هاست می‌پردازیم، شبیه هزینه‌هایی است که اتحادیه اروپا در یک مقطع زمانی کوتاه در سال ۲۰۱۶ به علت توقف اجرای سامانه کواتاس (Quotas) برای عرضه مقدار زیادی شیر به بازار، مجبور به پرداخت آن گردید و از تولید شیر خشک و کره به‌عنوان یک اهرم برای کاهش فشار بازار استفاده کرد و در همان سال نسبت به سال قبل، هزینه تولید فرآورده‌های لبنی به میزان ۱۵/۳ درصد افزایش یافت.

روش قیمت‌گذاری در کشور ما به این صورت است که قیمت یک کیلوگرم شیر با ۳/۲ درصد چربی و ۳ درصد پروتئین پایه در نظر گرفته می‌شود و برای هر ۰/۱ درصد افزایش یا کاهش چربی مبلغی به قیمت اصلی اضافه یا کسر خواهد شد. برای پروتئین مزاد هیچ جایزه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود. از لحاظ بهداشتی تنها بارمیکروبی پایین‌تر از ۱۰۰۰/۰۰۰ واحد کلونی در میلی‌لیتر مشمول جایزه می‌شود و به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ کلونی بالاتر یا پایین‌تر، جایزه یا جریمه در نظر گرفته می‌شود.



مهندس مریم مقدریان

کاهش هزینه‌های تولید به شرط حفظ کیفیت، دغدغه اصلی فعالان هر صنعتی است و بنابر آمار اعلام شده، ۷۸ درصد از کل درآمد یک گاوکار از راه فروش شیر (و بقیه با فروش دام‌های مازاد، دام‌های حذفی، کود، گوساله، تلیسه و ...) حاصل می‌گردد.

در صنعت پرورش گاو شیری، نگرانی اصلی کاهش هزینه‌های تولید شیر در کنار حفظ کیفیت آن و البته قیمت فروش شیر است و استفاده از راهکارهای مدیریتی و ژنتیکی برای بهبود کیفیت شیر از ضروریات این صنعت است. در این میان قیمت شیر در بین گاوکاران ایرانی همیشه یکی از موضوعات بسیار با اهمیت بوده است.

نظام‌های قیمت‌گذاری شیر تازه



راهکار برای برون رفت

دکتر علی صادقی سفیدمزمگی، استادیار گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان، برای برون رفت از این چالش و غلبه بر این سیاست غلط، سه راهکار ارائه می دهد.



۱- راه اندازی یک نظام جدید قیمت گذاری مبتنی بر کیفیت

برای این منظور در مرحله اول لازم است کیفیت شیر را تعریف نمود. به عنوان مثال می توان آن را در سه بخش کیفیت بهداشتی، کیفیت ترکیبات و تخلیفها تعیین نمود.

کیفیت بهداشتی شامل تازگی، تعداد کل باکتری ها، شمار سلول های بدنی و دمای شیر است. کیفیت ترکیبات شامل مزه شیر یعنی مقادیر چربی، پروتئین و مواد جامد می شود. در نهایت افزودن آب، نمک، مواد نگهدارنده، آنتی بیوتیک و آفلاتوکسین جزو تخلیفات به حساب می آیند.

در مرحله بعد قیمت شیر بر اساس این فرمول محاسبه می گردد. $MP = F + P + V + HQ$ که MP قیمت پرداخت شده برای هر کیلوگرم شیر بر حسب ریال.

F ارزش ریالی چربی شیر.

P ارزش ریالی پروتئین شیر.

V ارزش ریالی حامل هر کیلوگرم شیر.

و HQ ارزش ریالی جریمه یا جایزه است.

۲- تدوین جایزه و جریمه برای کیفیت بهداشتی شیر بر مبنای واقعیت های موجود برای این منظور می توان شیرخام را از نظر کیفیت بهداشتی مورد نظر یعنی بار میکروبی، شمار سلول های بدنی یا دمای شیر به سه کلاس: ممتاز، درجه یک و درجه دو دسته بندی کرد و به گونه ای آستانه ها را بر اساس شرایط موجود تعریف کرد.

یا این دسته بندی احتمالی ۸۵ درصد از شیرخام دریافتی در کشور از نظر کیفیت، شیر بهداشتی یا استاندارد تعریف شده و مشمول پاداش یا جریمه نمی شوند. ۵ درصد از آن به عنوان شیر ممتاز در نظر گرفته می شوند و پاداش معادل ۳-۱ درصد قیمت پایه شیر را دریافت نمایند. ۱۵ درصد باقی مانده به عنوان شیر درجه دو و مشمول دریافت جریمه ای معادل ۲ تا ۵ درصد قیمت پایه شیر قرار می گیرند.

۲- اجرای طرح پرداخت مبتنی بر کیفیت

برای حل مشکلات، باید یک کمیته سیاست گذار و ناظر متشکل از تأمین کنندگان نهادهای دامی، پرورش دهندگان گاوهای شیری، تولید کنندگان فرآورده های لبنی، توزیع کنندگان، دولت و مجلس تشکیل گردد.

مهم ترین وظیفه این کمیته می تواند ارزش گذاری چربی و پروتئین شیر باشد. برای این منظور لازم است در شرایط بازار رقابت آزاد و متناسب با عرضه و تقاضا و بر اساس قیمت، مهم ترین و پر مصرف ترین نهادهای دامی در تولید شیرخام که عبارتند از: جو، ذرت، سویا، یونجه و ... یا پر مصرف ترین فرآورده های لبنیات که عبارتند از: کره، پنیر، شیر خشک، پودر آب پنیر و ... ارزش هر واحد چربی و پروتئین را مشخص نمود.

از مهم ترین مزیت های طرح پیشنهادی می توان به انعطاف پذیری و خود تنظیمی متناسب با تغییر قیمت ها و استفاده از معادلات ریاضی به جای قیمت گذاری های بخشنامه ای اشاره کرد. از وظایف دیگر این کمیته می توان به تدوین سیاست های وارداتی و تعرفه های کالای لبنی برای ورود به بازار بورس اشاره نمود. این اقدامات می تواند به ایجاد توازن و قضای امن در بازار کسب و کار کمک نماید. از طرف دیگر با شفاف سازی و رسیدن به قیمت های واقعی، میزان پذیرش طرح توسط ذی نفعان افزایش خواهد یافت.

در عمل تغییر نظام فعلی قیمت گذاری شیرخام به دلیل قوانین موجود ممکن است با چالش هایی روبه رو شود. از این رو لازم است تغییرات به صورت تدریجی و در چند مرحله انجام گیرد.

در این راستا اعتماد سازی و آموزش دامداران برای پذیرش نظام جدید و از طرف دیگر آمادگی کارخانه های لبنیاتی به منظور تهیه تجهیزات و امکانات آزمایشگاهی، می تواند نقش کلیدی در موفقیت این طرح داشته باشد. □

● فواید بسیاری تنبیه نام و طور



عیوب روش قیمت گذاری شیر در ایران

- روش قیمت گذاری در ایران ارزش چندانی برای کیفیت (چربی و پروتئین) قائل نیست.
- در این روش قیمت گذاری تفاوت ارزش ریالی با کیفیت ترین و کم کیفیت ترین شیر، مقدار بسیار ناچیزی است (شیر با کیفیت تر تنها مقدار کمی جایزه بابت چربی بالاتر دریافت می کند).
- با این قیمت گذاری، ارزش ریالی پروتئین لحاظ نمی شود.
- این سیاست غلط قیمت گذاری باعث ایجاد رقابت غیرمعارف گلوکاران برای افزایش حجم تولید بدون توجه به بازده اقتصادی آن می شود.

- از جمله دلایلی که باعث می شوند با وجود معایب بالا و با وجود گران بودن اقلام جیره در ایران (به دلیل وارداتی بودنشان و به علت کمبود علوفه و مصرف زیاد کنسالتره) هنوز این سیاست اجرایی باشد، می توان به موارد زیر اشاره نمود:
- نداشتن تنوع فرآورده های لبنی در بازار
- نبود فن آوری های لازم برای اندازه گیری پروتئین
- نداشتن اطلاعات کافی مصرف کنندگان از ارزش ماده مغذی پروتئین.





مهندس کبری لطفی

شکم گاو و گوسفند با نشست، سمینار، جلسه و وعده‌های انشاءاللهی پر نمی‌شود و هر دامداری که خود را متعهد و مالک دام می‌داند، باید برای تیمار و پر کردن این شکم‌های گرسنه راهکاری بیندیشد.

آن گونه که از قران استنباط می‌شود در ایندهای نه‌چندان دور، در عرصه پرورش دام‌های مولد که رابطه‌ای مستقیم با تامین گوشت کشور دارد، فاجعه‌ای در راه است، فاجعه‌ای که نه از بلاهای آسمانی بلکه منشاء انسانی دارد که ناشی از تقاضای بی‌تدبیری، بی‌برنامگی و تفکر الهی‌بختکی دارد.

مراعات کشور حتی در زمان ترسالی‌ها، پاسخگوی تعلیف ۲۵ درصد از دام‌ها به شکلی واقعی هستند و ۷۵ درصد دیگر علوفه باید به روش‌های مختلف تهیه و در اختیار دام و دامدار قرار گیرد.

یکی از آسیب‌های وارده که منجر به تخریب بسیاری از مراعات گردیده، چرای بی‌رویه و بیش از ظرفیت است که موجب نابودی گیاهان، تولید نشدن بذر برای سال‌های آینده و از بین رفتن تدریجی مراعات و کوبیده شدن این اراضی توسط دام‌ها است. حال چنانچه در یک سال مشابه سال جاری، خشکسالی نیز اتفاق بیفتد، مشکل غذای دام چندین و چند برابر می‌شود.

سال ۱۴۰۰ از نظر کمبارانی در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده و دامداران را با مشکلاتی حل‌ناشدنی روبرو کرده است. کمبود غذایی دام و علوفه حتی در زمان برداشت قلات که همیشه بستری برای تامین بخشی از غذای دام‌ها مورد استفاده قرار گرفته و فقط یک راه پیش روی دامداران گذاشته، آن هم به کشتارگاه فرستادن دام‌ها قبل از رسیدن به وزن اقتصادی است. هر چند این اقدام موجب کاهش در نرخ گوشت نشده و حتی گاه شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم.

با قیمت دستوری نمی‌شود

مجتبی عالی، مدیرعامل اتحادیه دامداران ایران گفت: دامداران نمی‌توانند شکم دام‌های خود را سیر کنند و ناچارند در نهایت استیصال، دام‌های مولد خود را به کشتارگاه بفرستند مواد غذایی دام‌ها گران است و دامداران قدرت خرید و نقدینگی ندارند، تنها راه کشتار دام‌ها است. عالی اضافه کرد: نهاده‌های دامی در بنادر در حال کپک زدن است، اما به دلیل سوءتدبیر به دست دامدار نمی‌رسد و هر روز شرایط

بدتر می‌شود. با قیمت‌های دستوری نمی‌توان صنعت دامپروری را اداره کرد. با کشتن دام‌های مولد، آن‌ها فقط از تحمل گرسنگی نجات می‌یابند.

اما در این وانفاسی کمبود علوفه دامی، احتکار و قاچاق آن به کشورهای همسایه خود دلیل دیگری بر گرسنه ماندن دام‌ها است و روزانه مقادیر زیادی کاه، کلش و یونجه به کشورهای همسایه قاچاق می‌شود. قیمت‌های ۴۲۰۰ تومان برای یک کیلوگرم کاه (قیمت گندم به نرخ دولتی) و شش هزار تومان برای یک کیلوگرم یونجه از تون دامداران خارج است.

خودزنی دامداران

فرهاد اکبری، رئیس هیات‌مدیره اتحادیه مرکزی دامداران ایران می‌گوید: دامداران دیگر توان خرید علوفه با نرخ‌های کنونی را ندارند و با فروش بره‌های تارس و گوسفندان آبستن، به نوعی «خودزنی» روی آورده‌اند، چرا که در سال آینده دیگر بره مادامی برای تولیدمثل وجود نخواهد داشت.

رئیس اتحادیه گاوداران خراسان رضوی نیز می‌گوید: کشتار دام‌های مولد نسبت به فروردین سال گذشته ۱۴۶ درصد افزایش یافته که پیامدهای ناهنجار آن در ماه‌های آینده معلوم خواهد شد.

نکاتی که ذکر آن‌ها در این‌جا ضرورت دارد حضور دستوری دولت در قیمت‌گذاری شیر تولید شده در گاو‌داری‌ها است که علی‌رغم گرانی ۱۲۰ درصدی قیمت علوفه و

۲۴۰ درصدی جو باز هم دولت «دستور» می‌دهد که شیر باید با نرخ ۶۴۰۰ تومان برای استاندارد ۳۲۲ چربی از گاو‌داران خریداری شود.

نتیجه این روند نابرابر به کشتارگاه رفتن گاوهای مولد است، چرا که به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های غذایی و سایر هزینه‌های جانی، دیگر نگهداری گاوها مقرون به‌صرفه نیست و گاوهای ماده که در واقع ذخایری ژنتیکی به‌شمار می‌روند به تیغ کارد قصاب سپرده می‌شوند.

دامداران دیگر توان یارانه دادن به دولت را ندارند و اگر قیمت‌ها واقعی نشوند، آینده دامپروری و دامداری در کشور و در نتیجه تامین گوشت قرمز و مواد لبنی به خطر خواهد افتاد و هر دولتی که بر سر کار باشد، ناچار از واردات این مواد از خارج خواهد شد. برای جلوگیری از نسل‌کشی دام‌های مولد به جز واقع‌بینی، کمک به دامداران و یا دادن یارانه بلاعوض به راه‌حل دیگری نیاز نیست. □



ادامه نسل‌کشی گاوهای مولد

فاجعه در راه



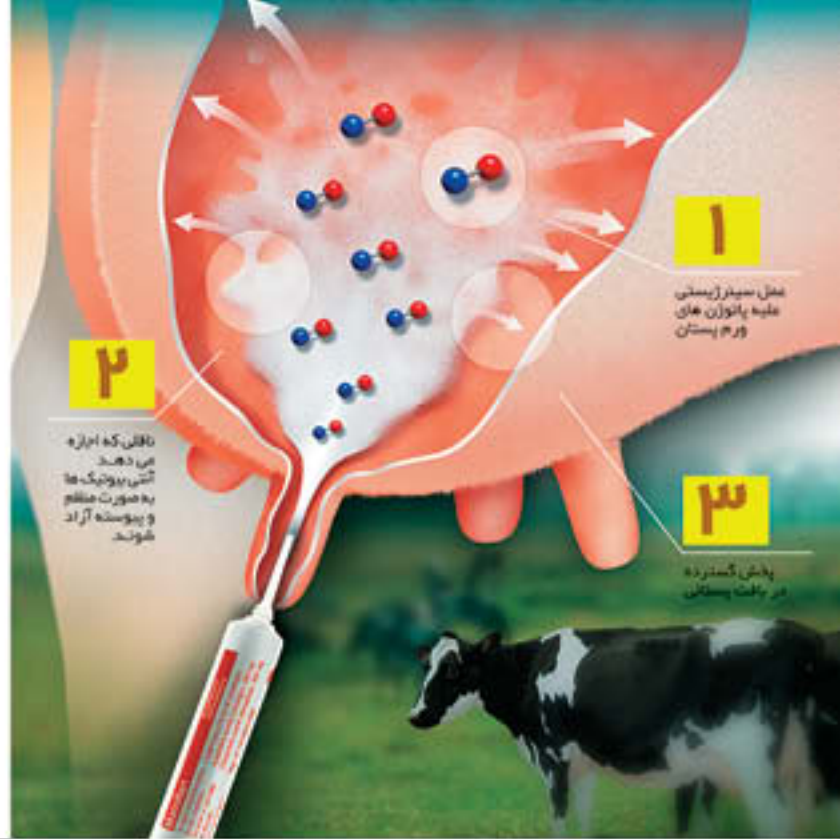
مامی فورت

درمان داخل پستانی ورم پستان در دام های شیروار



۳ در ۱
علیه ورم پستان

MAMIFORT LACTATION/DRY COW



۱
کاهش سینه زبستی
علیه پانوزن های
ورم پستان

۲

تأثیری که اجازه
می دهد
آبش بزرگتر
به صورت منظم
و پیوسته آزاد
شوند.

۳

کاهش گسترده
در حالت پستانی

CEFAMAX CEFAPIRIN

Effective drying-off...
guaranteed lactation.

سفامکس

سفاپیرین



درمان موثر دوره خشکی ...
تضمین دوره شیرواری



laboratorios syva s.a. [Spain]

شرکت داروسازی رویان دارو
تلفن: ۵۷۸۰۳۰۰۰
www.rooyandarou.com



کنوانسیون تهران

در راستای همین مشکل پنج کشور ساحلی پیرامون دریای خزر، در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) کنوانسیون منطقه‌ای حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر، موسوم به کنوانسیون تهران را امضاء و در تاریخ ۱۲ آگوست ۲۰۰۶ (۲۱ مرداد ۱۳۸۵) متعهد شدند تا مفاد این معاهده‌نامه را رعایت نمایند و از آن زمان این روز را به‌عنوان یک واقعه مهم زیست‌محیطی نامگذاری و جشن گرفتند.

این کشورها با آگاهی از اثرات مخرب آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیت‌های انسانی، برای حفظ منابع زنده دریای خزر و حفظ این گنجینه ارزشمند برای نسل‌های حاضر و آینده به توافق رسیدند.

روز جهانی دریای خزر در سازمان شیلات

۲۳ مرداد امسال به مناسبت روز جهانی دریای خزر از سوی سازمان شیلات ایران، بیناری به‌منظور ارج گذاشتن به این اکوسیستم فنی و ارزشمند و نیز بررسی و معرفی اقدامات انجام شده در راستای حفظ حیات این دریاچه برگزار گردید و مسئولان، کارشناسان و صاحب‌نظران در این خصوص به تبادل نظر پرداختند. همچنین در این بینار به صورت نمادین چند برنامه رهاسازی بچه ماهیان نیز در استان‌های مازندران و گیلان برگزار شد.

دکتر نیلی، خون‌میرزایی، معاون وزیر و رئیس سازمان شیلات ایران در این بینار گفت: بدون شک دریای خزر به‌عنوان بخشی از هویت ملی و تاریخی ایران بزرگ، اهمیت برجسته‌ای در تاریخ و فرهنگ ما دارد و همواره بستری برای ارتباط با همسایگان و زمینه‌ای برای صلح و همزیستی بوده است.

از این‌رو حفظ این دریای ارزشمند برای ما و دیگر کشورهای پیرامون آن با اهمیت بوده و این همکاری همسایگان در کنوانسیون دریای خزر یا کنوانسیون تهران بازتاب پیدا کرده و کشورهای همسایه دریای خزر با پایبندی به مفاد این کنوانسیون درصدد حفظ این پهنه آبی ارزشمند هستند.

از تکلیف دور نشویم

رئیس سازمان شیلات ادامه داد: تجربه تلخ بی‌توجهی به حیات اکوسیستمی دریای خزر در پیش روی ما قرار دارد و لازم است که حفظ این اکوسیستم در اولویت‌های ما قرار گیرد. همچنین از موارد مهم دیگر در این دریا، منابع عام آن و بازسازی ذخایر این دریا است و باید با رعایت حقایق، رصد آلاینده‌های این دریا و با حمایت و حفاظت از تنوع زیستی موجود، به سمت بهره‌برداری مسئولانه و پایدار قدم برداریم و فعالیت‌های شیلاتی، به هیچ عنوان نباید ما را از مسئولیت‌های خود دور کند.

خون‌میرزایی گفت: باید از تجربه‌های تلخ گذشته درس گرفته و برنامه‌های نوآورانه تجاری را که در احیای دریای خزر داشته‌ایم با استفاده از رویکردهای علمی توسعه و بتوانیم در آینده از این تجربیات در خلیج فارس و دریای عمان نیز استفاده کنیم و از همکاری‌هایی که در دریای خزر داشته‌ایم، برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان نیز بهره‌برداری نماییم.

وی خاطر نشان کرد: در بهره‌برداری از دریای خزر، به حفظ حیات این اکوسیستم ارزشمند پایبند هستیم و بهره‌برداری آگاهانه و مسئولانه را مدنظر داریم.

بهره‌برداری مسئولانه و پایدار

خون‌میرزایی گفت: ما تلاش می‌کنیم با اقداماتی همچون ممنوعیت صید ماهیان براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی منعقد شده بین کشورهای پیرامون دریای خزر و اعمال برنامه ممنوعیت صید براساس تقویم توافقی سازمان شیلات و موسسات تحقیقاتی، فعالیت یگان‌های حفاظت و پایش دریایی، جلب توجه و همکاری جامعه صیادی و بهره‌برداری مسئولانه و پایدار در حفظ حیات دریای خزر، کوشا باشیم. □

کاسپین یا خزر، نام دریاچه‌ای است با وسعت تقریبی ۶۱۴ هزار کیلومترمربع که طول سواحل آن به ۷ هزار کیلومتر می‌رسد و کشورهای ایران، روسیه، جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان پیرامون این دریاچه را در بر گرفته و از مواهب فراوان آن بهره می‌برند.

بنابر گزارشات، حدود ۴۰۰ گونه آبی در این دریا زیست می‌کنند که ماهیان خاویاری یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین آنها از نظر تجاری محسوب می‌شوند.

این دریا هزاران فرصت شغلی برای مردمان حاشیه خود فراهم می‌کند و علاوه بر آن تأثیرات زیست‌محیطی شگرفی بر مناطق اطراف و شاید کره زمین دارد که شمارش آن‌ها کار چندان ساده‌ای نیست.

اما مانند سایر اکوسیستم‌ها که هر جا پای بشر به آن‌ها باز می‌شود، مورد تهدید قرار می‌گیرند، دریاچه خزر و گونه‌های موجود در آن نیز به دلیل برخی بی‌مبالاتی‌ها حال و روز چندان خوشی نداشته و نیاز به توجه بیشتر به زیست‌بوم این دریاچه ارزشمند امری بدیهی است.



روزی برای

دریای روزی‌دهنده

برگزاری بینار گرامیداشت

روز جهانی دریای خزر در سازمان شیلات

تهران، روستای پرده

رشد روزافزون جمعیت در دنیا، تامین پروتئین حیوانی مورد نیاز و توزیع تا سفره، آن را به یک چالش تبدیل کرده که در این میان پرورش آبریان نسبت به سایر حیوانات پرورشی به دلایل: صرف انرژی کمتر برای رشد، ضریب تبدیل غذایی بالاتر و تداخل کمتر در سایر کاربری‌ها می‌تواند راه‌حل مناسبی برای عبور از این چالش باشد.

حرکت به سمت این رویکرد در کشور ما نیز راه‌گشا خواهد بود، به این لحاظ که نه تنها مصرف سرانه آبریان را که نسبت به مصرف سرانه جهانی پایین است، بهبود می‌بخشد بلکه امکان صدور این محصولات را به‌ویژه به کشورهای عربی و آبریان غیرماکول را به اروپا فراهم می‌سازد که در سال‌های اخیر اقبال زیادی به آن نشان داده‌اند. اما آغاز این کار در کشور، مانند هر شروع دیگری، نیازمند صیابی‌ها، فرهنگ‌سازی‌ها و تغییر زیرساخت‌های کلان است.

در همین راستا مصاحبه‌ای با آقای مجتبی عابدی مدیرعامل شرکت تعاونی بنکداران آبریان بحث صورت گرفته که خلاصه آن برای استفاده علاقه‌مندان آورده می‌شود.

شهرداری‌ها ادعا می‌کنند یا احداث میادین و کوتاه‌کردن دست واسطه‌ها به شهروندان خدمت می‌کنند، آیا تاکنون رضایت اعضای تعاونی توزیع‌کنندگان ماهی و میگو و غرقه‌داران را در این رابطه حاصل نموده‌اند؟ توجه داشته باشید تعاونی‌ها، وظایف شهرداری‌ها و سایر ارگان‌ها را تسهیل کرده و در مقابل اختیارات و امکانات دریافتی پاسخگو هستند.

متأسفانه شهرداری و مدیریت میادین ترهبار، تنها با آزاد گذاشتن قیمت اجاره غرفه‌ها باعث ایجاد رانت و کلاهبرداری‌های کلان در این زمینه و همچنین بالا رفتن غیرمنطقی قیمت اجاره غرفه‌ها و به دنبال آن قیمت تمام‌شده محصول برای مصرف‌کننده شده‌اند (حتی اگر خودشان نخواهند) که این حرکت موجب کاهش سرانه مصرف آبریان و کند شدن چرخه پرورش، اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌شود.

با توجه به سوابق کاری، مدیریتی و هم‌افزایی شما در جمع تعاونی‌ها، رابطه بین صیادان، بهره‌برداران، تولیدکنندگان و مصرف‌کننده شیلات (سفره غذایی مردم) را چگونه ارزیابی می‌کنید، اگر توزیع‌کنندگان حضور نداشته باشند چه خواهد شد؟

بعطور کلی عرضه، تقاضا و بازاریابی محصولات شیلات امپاز: تازه، فراوری شده و منجمد برعهده عرضه‌کننده‌های همده این محصولات در کشور است که در صورت حضور نداشتن آنها، بازار آشفته‌ای از نظر عرضه و تقاضا ایجاد می‌گردد که به دنبال آن نبود تعادل در قیمت و بی‌انگیزگی در تولیدکنندگان به صورت قطعی حادث خواهد شد. این حرکت موجب توسعه واردات و وابستگی، استهلاک و نابودی تجهیزات، ماشین‌آلات و سرمایه‌گذاری در مورد شیلات و آبریان می‌شود.

انتظار شما از دولت سیزدهم، وزرای جدید جهادکشاورزی و صنعت، معدن و تجارت (صمت) در رابطه با ارتقاء جایگاه خدمات توزیع‌کنندگان کلان محصولات شیلاتی چیست؟

ما انتظار فراهم‌آوری زیرساخت‌های صحیح و متناسب با جمعیت ۱۲ تا ۱۳ میلیونی شهر تهران را داریم. در واقع زیر ساختی که امکان نگهداری (ساخت یک سردخانه ۱۰ تا ۱۵ هزار تنی طبقاتی)، تونل انجماد سریع، سالن‌های قطعه‌بندی و بسته‌بندی، فراوری و تبدیل

مسائل پس از تولید آبریان رها شده است

به ارزش افزوده این محصولات را برای ما ایجاد کند. در این صورت ضایعات محصولات شیلاتی به‌جای این‌که به خانه‌های مردم انتقال و تولید مشکلات بهداشتی و بدبویی نماید در اینجا به خوراک دام و طیور تبدیل و از محل آن نیز اشتغال و ارزش افزوده حاصل می‌شود.

خاطر نشان کنم علاوه بر استان‌های تهران و البرز در بسیاری موارد از دیگر استان‌های مجاور برای تامین نیاز شیلاتی شهروندان به این غرفه‌ها مراجعه می‌شود و به نوعی قیمت عرضه انواع فراورده‌های شیلات و آبریان در این مجموعه تعیین می‌گردد. پس ضرورت دارد منطقه وسیع‌تر و با هدف زیرساخت مناسب‌تر و استاندارد در اختیار تعاونی قرار گیرد یا در همین محل زمینی به وسعت ۶ تا ۷ هزارمتر در اختیار اعضای تعاونی قرار دهند تا با مشارکت خود، زیرساخت‌ها را انجام دهند و با سرمایه‌گذاری اعضا و ساخت‌وساز غرفه‌های مناسب، بتوانیم زنجیره ارزش را در این بخش نهایی، تکمیل کنیم.

در شرایطی که ایمنی محصولات شیلاتی و توزیع صحیح یا قیمت مناسب، مدیون مجموعه‌هایی مانند تعاونی شما است، چه انتظاری از دولت سیزدهم و مجلس فعلی برای ساماندهی و تسهیل امور اعضای تعاونی‌ها دارید؟

به‌منظر می‌رسد بحث ساماندهی غرفه‌ها و سالم‌سازی محیط با اختیارات و مسئولیت پاسخگویی تعاونی بتواند اجاره‌های نامتوازن و رانت یا سوءاستفاده را به حداقل رسانده یا حذف نماید تا موجب افزایش نامتوازن قیمت نگردد. پس از آن ارائه تسهیلات ارزان قیمت برای پیاده‌سازی تجهیزات ورود دانش فنی فراوری، بحث زیرساخت‌ها برای انجماد سریع، نگهداری، فراوری، قطعه‌بندی، بسته‌بندی و برندسازی و ارزش‌افزوده این محصولات موردنظر است. ما انتظار حمایت مستقیم برای صادرات محصول مازاد یا آبریان غیرماکول از مسیر اعضای تعاونی‌ها را داریم، نه از راه دلال‌ها که بسته به منافع شخصی اصرار به صادر کردن مثلا یک نوع ماهی قزل‌آلا دارند و در واقع انتظار فراهم‌کردن امکان صادرات بیش از یک نوع قزل‌آلا و همچنین ماهی‌های دیگر و آبریان متنوع از این روش را داریم. □





امیرحسین سمعی



نقش و مسئولیت‌های زنبورداران

زنبورداران باید در وهله اول در مسیر آموزش و یادگیری کارها و امور مربوط به زنبورداری قرار گیرند. شرح و تفسیر این شغل امکان دارد که در برخی موارد متفاوت باشد، اما برخی از کارهای اصلی و مسئولیت‌های زنبورداران را به‌طور کلی می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

- رصد کردن دائم بهداشت و سلامت کندوها؛
- ثبت و ضبط مشاهدات و استراتژی‌ها برای اجرای راهکارهای موثر در حفظ کندو؛
- جایه‌جایی کندوها برای ارتقاء سطح گرده‌افشانی محصولات کشاورزی؛
- بازرسی کندوها به‌منظور یافتن انگل‌ها و بیماری‌ها و انجام مبارزه با آن‌ها در موارد لازم؛
- ایجاد فضای لازم برای پرورش و رشد زنبورها؛
- برداشت عسل بدون آسیب‌رساندن به آن‌ها؛
- مدیریت بازاریابی، فروش، بسته‌بندی عسل و محصولات تولید شده.

مراحل و دوره‌های زنبورداری

برای ایجاد تنوع و حفظ و پایداری توسعه کره زمین، بسیاری از دانشگاه‌ها اصرار به برپایی دوره‌های دانشگاهی و مدرن برای عملیات کشاورزی دارند و برخی از دانشگاه‌های تخصصی، برنامه‌های تحقیقاتی و توسعه (R&D) را در این زمینه‌ها ایجاد کرده‌اند. در کشورهای کاتادا و نیوزلند، برخی از دانشگاه‌ها و موسسات، دوره‌های تخصصی در پرورش زنبور مقرر کرده‌اند.

چگونه یک زنبوردار حرفه‌ای شویم؟

نیاز تحصیلاتی یک زنبوردار حرفه‌ای: گذراندن یک دوره عملی در این زمینه لازم است. چرا که یک زنبوردار قبل از دانش تئوری به دوره‌های عملی نیاز دارد. در جهان امروز، زنبورداری مورد اقبال بسیاری از جوانان قرار گرفته و دانش‌آموزان می‌توانند تا کسب مدرک دیپلم در پرورش زنبور به تحصیل بپردازند. کارگاه‌ها و سمینارهای مختلفی توسط دانشگاه‌ها برای دانشجویان علاقه‌مند، در سرتاسر دنیا بر پا می‌گردد.

حقوق یک زنبوردار: یک زنبوردار باید در مقابل مراقبت از کندوهای زنبور عسل برای خود، حقوقی چه به‌صورت ساعتی یا ماهیانه مقرر نماید. به‌عنوان مثال حقوق یک زنبوردار در آمریکا برای یک سال ۴۴,۷۴۹ هزار دلار، در انگلستان ۳۷,۴۱۷ هزار پوند و در استرالیا ۶۸,۹۳۳ هزار دلار استرالیا است.

حقایقی در مورد پرورش زنبور

- پرورش زنبور به آگاهی‌های ما در مورد محیط‌زیست می‌افزاید.
- درآمد ناشی از هر ۱۰۰۰ کلنی زنبور عسل، می‌تواند مبلغ قابل توجهی باشد.
- با افزایش محصول، موجب بهبود و افزایش درآمد کشاورزان می‌شود.
- زنبورداری نقشی حیاتی در توسعه صنایع کوچک و اقتصاد روستایی دارد.
- با توسعه توریسم در مناطق پرورش زنبور به اقتصاد آن حوزه‌ها کمک می‌کند.

زنبورداری به تولید، ایجاد اشتغال و خوداشتغالی کمک می‌نماید، به‌گونه‌ای که بسیاری از تحصیلکرده‌ها می‌توانند در این رشته شغلی وارد شوند. به‌دلیل انعطاف‌پذیری این شغل، زنبورداری می‌تواند به‌صورت بخشی از شغل کشاورزی تلفیقی به‌کار گرفته شود.

همانطور که نیاز به غذا در سطح جهان رو به افزایش است، روش‌های مدرن تولید غذا نیز روندی صعودی به خود گرفته‌اند. در میان این روش‌ها، گزینه کشاورزی تلفیقی به‌شکل فزاینده‌ای با اقبال عمومی روبرو شده است.

گزینه کشاورزی تلفیقی، روند استفاده پایدار از منابع و روش‌های مختلف کشاورزی را به‌منظور خودکفایی و کسب درآمد هر چه بیشتر تشویق می‌کند.

کشاورزی مدرن به میزان بالایی از تکنولوژی‌هایی تاثیر می‌گیرد که نه فقط موجب کاهش استفاده از نیروی کار، بلکه به تولید هر چه بیشتر نیز کمک می‌کند.

اختلاط و آمیختن دانش علمی و روش‌های کشاورزی سنتی، موجب متحول نمودن کشاورزی صنعتی شده است. یکی از نمونه‌های این آمیختگی دانش و کشاورزی سنتی، پرورش زنبور است. حال یک پرسش در این‌جا مطرح می‌شود که پرورش زنبور به چه معنا است؟

پرورش زنبور یا زنبورداری، مراقبت و مدیریت زنبورهای عسل برای تولید عسل و دیگر فرآورده‌های آن در اندازه تجاری و عرضه به بازار تقاضا است.

زنبورهای عسل در یک محیط‌زیست مشخص و به‌همراه نظارت، مورد مراقبت و پرورش تولیدی قرار می‌گیرند. این فعالیت مبتنی بر کشاورزی، اغلب در مناطق روستایی و به‌منظور برآورده کردن و تامین مواد خام برای صنایع داروسازی و بهداشتی است.

نقش زنبورها در مرکز قرار گرفتن آن‌ها برای فعالیت‌های مربوط به گرده‌افشانی محصولات گیاهی است که اهمیت فوق‌العاده‌ای در تولید محصولات دارد.

زنبورها نقشی حیاتی در پایداری تنوع زیستی دارند که خود منجر به پایداری طبیعت و محیط‌زیست می‌شود. در این عرصه اقتصادی، حکومت‌ها باید برنامه‌های حمایتی موثری در تقویت مزایای زنبورداری داشته باشند.

چگونه زنبوردار حرفه‌ای شویم؟



مهندس مریم طهماسبی

نژاد جغرافیایی: زنبورهای بومی یک منطقه که طی میلیون‌ها سال خود را با محیط و اقلیم آن منطقه سازگار کرده‌اند (این بدان معنی نیست که این نژاد دارای تمام مزایا برای منطقه خودشان هستند).

نژاد پرورشی: نژادی است که طی دهها سال در رابطه با اصلاح نژاد و تقویت نمودن پتانسیل‌های مورد نیاز آن برای یک زنبورداری کار و اصلاح شده است. نژادهای پرورشی، حاصل تلاقی‌ها می‌باشند. مثل نژاد بوکفست در انگلستان یا حاصل کار اصلاح نژادی دقیقی باشد؛ مانند زنبور نژاد کارنیکا.

زنبورداران با توجه به منطقه نگهداری کندوها، شرایط جوی، نوع و مقدار محصولی که می‌خواهند زنبور برای آنها تولید کند و پارامترهای دیگر انتخاب می‌کنند که از کدام نوع نژاد زنبورعسل استفاده کنند.

در حال حاضر تمامی زنبورعسل‌ها به چهار نژاد اصلی جغرافیایی تقسیم می‌شوند:

- زنبورعسل معمولی یا اروپایی که شامل مجموعه ایرانی، سیاه، قفقازی و کارنیولان است
- زنبورعسل شرقی یا هندی
- زنبورعسل بزرگ
- زنبورعسل کوچک

نژاد ایرانی: یک نژاد خالص و از بقیه نژادها قانع‌تر است. مصرف غذای دستی در زمستان کمتر دارد و سرمای زمستان را به‌خوبی تحمل می‌کند. اما بیشتر نیش می‌زند و تولید زیاد بچه دارد و مقدار تولید محصولش نسبت به گونه‌های اصلاح شده کمتر است. **نژاد کارنیولان:** نیش‌زنی کمتری دارد و زمستان را با مقدار کمی غذا می‌گذراند و تولید بره‌موم کمی دارد اما در پاییز جمعیت کلنی به‌شدت ریزش دارد. **نژاد قفقازی:** نیش‌زنی کم و بچه‌دهی کمتر اما مصرف غذای زمستان بالاتری دارند و بسیار به بیماری‌ها به‌ویژه نوزما حساس هستند. **نژاد سیاه:** نیش‌زنی کمتر و در زمستان مقاوم‌تر هستند اما نسبت به بیماری‌های لارو بسیار حساس هستند.

در کل انتخاب اینکه چه نژادی از زنبورها بهترین هستند بسیار سخت و دشوار است اما امروزه اکثر کشورها در حال بازگشت به استفاده و اصلاح نژادهای بومی خود هستند. نمونه آن را می‌توان در طرح Smart Bee در اتحادیه اروپا مشاهده کرد.

کشور ما هم با وارد کردن نژادهای اصلاح شده از خارج مناسبانه از نژاد بومی و منطقه‌ای خود دور شده است و باید تا ذخایر ژنتیکی این حشره را ارزش از دست نرفته روی نژادهای بومی خود بیشتر کار کنند. پس باید در ابتدای امر زنبورداران را به این باور رسانند که اصلاح نژاد بومی می‌تواند بسیار مفید و کارآمد و به تولید خوب بینجامد.

در مرحله بعد به‌طور یقین، همه زنبورداران برای حفظ گونه‌های بومی و استفاده از آن، مشارکت بیشتری خواهند کرد.

دانستن این نکته حائز اهمیت است که بهترین زنبورعسل در هر منطقه زنبورهای بومی و محلی همان منطقه هستند؛ چون کاملاً با شرایط آب و هوایی و جوی و اقلیمی آن منطقه سازگار هستند. مشروط بر اینکه بتوان از نظر ژنتیکی خصوصیات مطلوب در آنها ایجاد کرد. 📌

یکی از ویژگی‌های زنبورعسل، تفاوت نژادی در این نوع حشره است. امروزه دهها نوع نژاد زنبورعسل شناخته و دسته‌بندی شده است که هرکدام از آنها ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارد.

اما در کل اول باید بدانیم نژاد در زنبورعسل به چه معناست و به چند دسته تقسیم می‌شود؟ وقتی صحبت از نژاد می‌شود، دو سوال مطرح می‌گردد که کدام یک اهمیت بیشتری دارد: نژاد جغرافیایی یا نژاد پرورشی؟ برای پرورش زنبورعسل، این دو بسیار با هم تفاوت دارند.

نژادهای مختلف

زنبورعسل



عسل آرشنا

تولیدکننده عسل طبیعی و ارگانیک
ژلروویال، زهر زنبور، بره‌موم

اصفهان - مریم طهماسبی ۰۹۱۳۳۰۳۸۸۴۵ ۰۹۱۳۲۲۵۶۹۱۶

[Dokhtarane_zanburdar](https://www.instagram.com/Dokhtarane_zanburdar)



تا قرن هفدهم، عموم مردم بر این عقیده بودند که سگ‌ها هیچ‌گونه درد جسمی و روحی را حس نمی‌کنند و فقط کمی بهتر از ماشین‌های بی‌احساس هستند. اما از آن زمان تا به حال علوم رفتاری تربیتی با تلاش زیاد این دیدگاه را دچار تغییر کرده است.

امروزه ما می‌دانیم که این موجودات شگفت‌انگیز دارای بازمانی از احساسات و برون‌گرا هستند. آنها هر احساس خود را با شما به اشتراک می‌گذارند و خوشحالی، ناراحتی، ترس، خشم و عصبی بودن خود را به وسیله زبان بدنشان به شما نشان می‌دهند.

زبان بدن سگ یک نمونه شیوا و برازنده از زبان‌های بدون کلام و بسیار تکامل یافته است. اگر ما بتوانیم یاد بگیریم که چگونه سیگنال‌ها و وضعیت استقرار بدن سگ خود را ترجمه کنیم، دریافت احساسات و انگیزه‌های روانی او کامل‌تر است و می‌توان به راحتی رفتار سگ را پیش‌بینی کرد.



نقاط ارتباطی قابل توجه در سگ‌ها عبارتند از:

چشم‌ها: چشم‌های سگ، اندازه و شکل، دقت و قدرت نگاه آن‌ها به شما می‌گویند که چه احساسی دارند.

یک نگاه مهریان، یا پلک‌زدن عادی و اندازه نرمال چشم،

نشان‌دهنده یک سگ خوشحال و آرام است؛ چشم‌های از

حدقه بیرون‌زده می‌تواند(ته لزوماً همیشه) به معنی این باشد

که سگ‌تان حس می‌کند مورد تهدید واقع شده و چشم‌های کوچک‌شده و چشم‌کزن، نشانه ترس یا استرس است.

تکنه قابل تامل دیگر، توجه به سمت نگاه سگ است؛ که اگر با رفتار خوشحال و آرام

به شما نگاه می‌کند خطرناک نیست ولی اگر به یک انسان یا سگ دیگر به‌طور مستقیم

خیره شود؛ یک تهدید بالقوه است. در حالت دیگری که به چشم‌پنهانی مشهور است و سگ

از گوشه چشم خود به صورتی که سفیدی آن خیلی کم معلوم باشد به شما نگاه می‌کند

امکان دارد بسته به شرایط سگ دچار ترس و یا آماده یک پرخاش تهاجمی باشد.

دهان: سگ‌ها زمانی که آرامش دارند، دهانی تقریباً باز به نمایش می‌گذارند که در

حقیقت خنده آن‌ها است؛ وقتی با دهان بسته هستند و لب‌هایشان را می‌ایستند می‌تواند نشانه

اضطراب باشد و زمانی که دندان‌ها به نمایش در می‌آیند به معنی ترس یا عصبانیت هستند.

گوش‌ها: مدل گوش هر نژاد(اعم از افراشته، چند لا و اقتاده) در توانایی برقرار کردن ارتباط

با این عضو تاثیرگذار است. اما به‌طور کلی در حالت آرامش گوش‌ها در حالت طبیعی خود

هستند، گوش‌های افراشته نشانه یک سگ هوشیار و در حال ارزیابی موقعیت می‌باشند و

گوش‌های کشیده به سمت عقب به معنی احساس ترس یا اضطراب هستند.

دم: یکی از باورهای غلطی که در مورد سگ وجود

دارد این است که دم تکان دادن به معنای رفتار

دوستانه است. تکان دادن دم بسته به جاگیری،

نوع تکان دادن و حالت ایستادن می‌تواند معانی

مختلفی داشته باشد. وقتی دم آرام به دو طرف

حرکت می‌کند سگ آرام و خوشحال است؛ اما

وقتی برای خوش‌آمدگویی به شما، طوری دم

خود را تکان می‌دهد که تمام بدنش را به حرکت و

می‌دارد، قطعاً از حضور شما هیجان‌زده شده است.

دم افراشته با حرکت‌های خشک و سریع، معمولاً

نشان‌دهنده سگی است که تحریک شده و

می‌تواند خطرناک باشد.

قطع کردن دم سگ، علاوه بر غیرانسانی

بودن این عمل، باعث از بین رفتن توانایی سگ

در ایجاد ارتباط به این وسیله می‌شود.

حالت ایستادن: حالت بدن سگ زمانی که در

آرامش است نرم و شل توصیف می‌شود. عضله‌های آزاد

بدن پهن شده با اندازه عادی نشانه‌های اصلی این

زمان هستند؛ اما در زمان ترس سگ بدن خود را

کوچک کرده، قوز می‌کند و از سر راه طرفش کنار

می‌رود. در حالت هوشیار و گوش به‌زنگ، سگ

تمام‌قد می‌ایستد و سعی می‌کند خود را بزرگ‌تر

نشان دهد. عضله‌ها درگیر هستند و معمولاً وزن

روی پاهای جلویی است.

توانایی درک احساس به وسیله زبان بدن باعث

می‌شود سگ‌تان و حس او را بهتر بفهمید. همچنین

این موضوع شما را نسبت به مواقعی که نیاز به

مداخله وجود دارد هوشیار می‌کند.

در شماره‌های بعد به رفتارشناسی احساسی و

نمودهای آن در حرکات سگ خواهیم پرداخت. 📌



زبان بدن؛
وسيله گفت‌وگوي سگ‌ها با شما
زبان بدن سگ‌ها

تأثیر عواملی چون نابسامانی اقتصادی، تورم فزاینده در بخش تولید، تحریم‌ها، کاهش قدرت خرید جامعه، برهم خوردن روابط اقتصادی بین‌المللی، مشکلات تهیه مواد اولیه مورد نیاز صنایع تولیدی، همکاری نکردن سیستم بانکی و دولت و بسیاری مسائل و موضوعات تعیین‌کننده دیگر را می‌توان در تمامی عرصه‌های تولیدی و از جمله صنایع تبدیلی و تکمیلی مشاهده کرد.

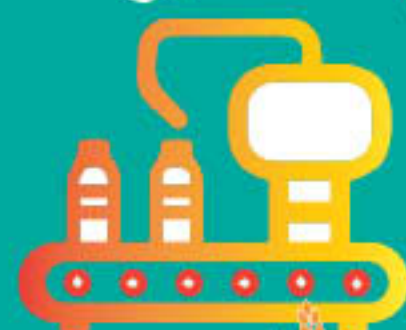
تقریباً تمامی صنایع تبدیلی، تکمیلی و فرآوری رابطه ساختاری با بخش کشاورزی دارند و رونق هر یک موجب توسعه و پیشرفت دیگری می‌شود. بنابراین، هرچه کشاورزی توسعه بیابد صنایع فرآوری و تبدیلی به دلیل تأمین مواد اولیه آن‌ها از بخش کشاورزی، در شرایط رونق قرار خواهند گرفت.



بدیهی است ایران به دلیل تنوع اقلیمی، شرایط آب و هوایی، جغرافیا و میزان منابع آبی از نظر ایجاد زیرساخت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی وضعیت یکسانی ندارد یا در حقیقت در پی تولید پایدار متوازن نبوده است که در نتیجه، تأسیس کارخانه‌های صنایع تبدیلی به علت نداشتن شرایط فوق در چنین مناطقی، نمی‌تواند توجه اقتصادی داشته باشد. تأسیس کارخانه‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی باید در مناطقی که قطب کشاورزی هستند و قادر به تأمین مواد اولیه می‌باشند، انجام شود.

نکته اساسی و مهم در این صنایع، ایجاد ارزش افزوده در کالاهایی است که در شرایط معمولی کم‌ارزش به نظر می‌رسند و گاه مازاد بر نیاز تلقی و بعضاً رها شده یا معدوم می‌گردند، اما همین مواد مازاد می‌توانند زمینه‌های ایجاد اشتغال، تبدیل به کالاهای مفید و مورد نیاز جامعه، تأمین نیاز داخلی، امکان صادرات و ... را به وجود آورند.

صنایع غذایی



صنایع تبدیلی و تکمیلی یک پل ارتباطی بین صنعت و کشاورزی شده است و بسیاری از زمینه‌ها، این دو را به یکدیگر متصل می‌کنند در حال حاضر شرایط کشاورزی کشور ناخوشایند و درهم ریخته است که به دنبال آن بر صنایع تبدیلی و تکمیلی نیز اثرگذار است. اما جدا از تمام مشکلات مرتبط با تهیه مواد اولیه از بخش کشاورزی، این صنعت کاستی‌ها و سختی‌های خاص خود را نیز دارد که برای این صنایع دردسرساز شده است.

آغاز راه سنگلاخ

طبیعت سیستم بوروکراسی و اداری کشور ما مبتنی بر ایرادگیری، سر دواندن ارباب‌رجوع و مناقضی، وقت‌کشی و در پایان مایوس نمودن فردی است که با تصویری روشن و امید به انجام کاری مفید، قدم در راهی گذاشته است.

تأمین مالی رانندگی یک طرح یا یک کارخانه از هرتنوع، جایگاه اول در علل و عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی را دارد. در این‌جا تفکر و اندیشه و حمایت از آن به دلیل نداشتن توان مالی صاحب‌اندیشه، چندان خریداری ندارد، در صورتی که در کشورهای خواهان توسعه و پیشرفت سعی بر تشویق و ایجاد انگیزه در کارآفرینان و صاحبان فکر است. اساس دستگاه‌های حاکمیتی تمایلی به ورود به چنین موضوعاتی علی‌رغم فواید چندگانه آن‌ها ندارند.

نداشتن برنامه‌های راهبردی و هدف‌گذاری

دید می‌شود که حتی در قطب‌های کشاورزی کشور نظیر خوزستان، استان‌های شمالی و شمال‌غربی و مناطقی که توان تولید محصولات کشاورزی متنوع و بالایی دارند، مسئولان فاقد ایجاد انگیزه و طراحی برای نوآوری و تحول هستند و به جای انگیزه‌سازی، سعی در انگیزه‌کشی و یاس در متقاضیان دارند.

قراموش نکنیم تنوع قابل توجه در محصولات زراعی و باقی و همچنین نامی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد زنجیره‌ای از واحدهای صنعتی تبدیلی و تکمیلی باشد که متأسفانه تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. □

ملاحین

نویسنده کتاب‌های ارزشمند بوق‌گور، و غوغ صاحب، سگ ولگرد، زنده به‌گور، سه قطره خون، ولن‌گاری، حاجی آقا و چندین کتاب، نمایشنامه، ترجمه و... فردی گیاهخوار است و کتاب «فواید گیاهخواری» را در مذمت کشتن حیوانات و مصرف گوشت آنها نوشت. پس، بر آن شدم تا با او در این مورد گپ‌وگفتی داشته باشم و بیشتر با نظراتش در این مورد آشنا شوم.

بزرگ علوی درباره شما می‌گوید: «یک‌بار دیدم که در کافه لاله‌زار یک نان گوستی را که به زبان روسی «بولکی» می‌گویند به گمان آن‌که لای آن شیرینی است گاز زدید و ناگهان چشم‌هایتان سرخ شد و عرق به پیشانی‌تان نشست و آن را لای دستمال از دهان بیرون کردید».

بعدها کتابی با نام «فواید گیاهخواری» نوشتید که در آن‌جا از عادت گوشتخواری انسان، بسیار جدی انتقاد کرده‌اید و او را ذاتا موجودی گیاهخوار می‌دانید. آیا چنین است؟

مابین احتیاجاتی که انسان را پیوسته در فشار گذاشته، از همه سخت‌تر و از همه وسیع‌تر احتیاج خوردن است. چیزی که اهمیت دارد، باید دانست روی زمین ما که پر از محصولات طبیعی است، با احتیاج‌های خودمان سنجیده و مابین خوراک‌های رنگ به‌رنگ، ببینیم کدام یکی از نقطه‌نظر تقدیه طبیعی‌تر، اخلاقی‌تر، سالم‌تر و سرانجام بر سایر خوراک‌ها برتری دارد.

حیوانات را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: گیاهخوار، گوشتخوار و همه‌چیز خوار. ظاهرا انسان خودش را جزو دسته سوم معرفی می‌تواند. ما می‌رویم از روی علوم فلسفه و طبیعت و مشاهدات علمی و... نشان بدهیم که او به خطا رفته؛ و خوراک سالم و طبیعی او نباتات است. اگر لشکر بی‌شمار حیوانات بیچاره‌ای را بشماریم که در شکارگاه‌ها، ماهی‌گیری‌ها، مرغ‌فروشی‌ها و... محکوم به قربانی شدن روزانه هستند. [آنها] هر سال تنها برای خوشامد نالقه قاسد شده و شکم‌پرستی آدمیان کشته می‌شوند.

اما به هر حال قریب به اتفاق نوع بشر گوشت نیز مصرف می‌کنند و به آن تمایل دارند؟ این اشتباه از یک‌جا ناشی می‌شود که انسان گمان کرده که تاگزیر به کشتار برای زندگانی است و گوشت خوراک مفوی است، اگر نخورد می‌میرد. آیا [گوشت] بر قوای آن می‌افزاید یا این‌که زیان‌آور است و باید آن را بر ضد سلامتی و زندگانی دانست؟

از روی علوم جدید علم‌الحیاء [زیست‌شناسی] و تشریح بدن و علم‌الاعضاء [فیزیولوژی] و تجزیه شیمیایی و عقاید اطباء تجربیات علمی و... می‌توان نشان داد که گوشت نه تنها برای بدن انسان لازم نیست؛ بلکه از هر حیث زیان‌های سنگین بر دوش جامعه بشر گذاشته است و برای بدن به جز یک مهیج کشنده، خاصیت دیگری ندارد.

افسانه پوچ و خالی از حقیقت گوشتخواری

چگونه این بیانیته و نظریه را صادر می‌کنید. در حالیکه انسان قرن‌ها است که از گوشت تناول می‌کند و جزو غذاهای محبوب او به‌شمار می‌رفته است؟ دلایلی که در تقویت گیاهخوار بودن انسان وجود دارد خیلی روشن و محسوس است که عموما گمان نمی‌کنند.

اگر نگاهی به طبیعت بیندازیم، خواهیم دید که این کیمیاگر زبردست، خوراک همه مخلوق روی زمین را با دانش موشکاف و تناسب علمی، مطابق ساختمان بدن هر کدام، آماده کرده و به آنان پیش‌کش می‌کند؛ به‌طوری که ما را وادار می‌تواند در برابر اسرار آن سر تمکین و تعظیم فرود بیاوریم.

ساختمان دهن یک جاتور برای چریدن و دندان‌گیری برای دریدن آفریده شده و... یعنی هر کدام از آنها خوراکی را که فراخور ساختمان و احتیاجات بدنشان بوده، در جریان کرورها قرون پذیرفته‌اند. [اگر] یک نی را از مرداب برده و در بیان بکارند به‌زودی خشک می‌شود و به یک میمون میوه‌خوار، گوشت بخوراندند، دیری نمی‌کشد که موهای حیوان ریخته، ناخوش می‌گردد. همچنین، هر تغییر خوراکی همیشه تولید فساد، ناخوشی و مرگ می‌کند؛ چون که مخالف با قوانین تغییرناپذیر طبیعت است.

انسان یک موجودی نیست که ساختمان او خارج از قوانینی باشد که زندگانی جاتوران دیگر را اناره می‌کند. هرگاه او را روی هم رفته با سایر جانوران بسنجیم، می‌بینیم نه شبیه است به جاتوران درنده و نه به حیوانات چرنده می‌ماند.

صادق هدایت متولد سال ۱۲۸۱، نویسنده، مترجم و روشنفکر ایرانی از جمله پیش‌قراولان داستان‌نویسی نوین فارسی است و بسیاری از نویسندگان و روشنفکران ایرانی تحت‌تاثیر سبک و آثار وی هستند.

این نویسنده تاثیرگذار ایرانی در ۶ سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه علمیه تهران شروع و متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سال ۱۲۹۶ در مدرسه قرائت‌سوی «سن‌لویی» مشغول به تحصیل شد و در این مدرسه بود که به‌گفته خودش با ادبیات جهان آشنا شد.

در همین دوره، نخستین مقاله خود را در یک روزنامه هفتگی به چاپ رساند و همچنین همکاری‌هایی با مجله ترقی داشت.

هدایت در سال ۱۳۰۳ در حالی که هنوز مشغول تحصیل در مقطع متوسطه بود، کتاب کوچکی به نام «انسان و حیوان» نوشت که در مورد مهربانی با حیوانات بود.

گفت‌وگو با

صادق هدایت

نویسنده شهیر ایرانی

مباحثه تخیلی،

با استفاده از کتاب فواید گیاهخواری

نوشته: صادق هدایت





اگر ساختمان بدن انسان برای گوشتخواری درست شده بود، می‌بایست بتواند دنبال حیوانات وحشی رفته و طعمه زنده را یا چنگال و دندان خودش پاره کرده، گوشت‌خام را با رگ، پی، پوست و استخوان بخورد مانند جانوران درنده. جهاز هاضمه، دندان‌ها، معده، روده و تمام ساختمان درونی او درست مثل میمون‌های بزرگ است. با این حال خوراک آنان منحصر به میوه و نباتات [است].

پس از این قرار انسان باید خوراک خودش را مستقیماً از دست طبیعت بگیرد؛ همان طوری که به او پیش‌کش می‌نماید به شکل میوه‌های گوارایی که جلوی پرتو خورشید که سرچشمه زندگانی است پخته شده و لازم نیست آن قدر به خودش زحمت بدهد تا لاشه حیوانات کشته شده را به زور رنگرزی و آرایش درست کرده و خوراک‌های طبیعی را فاسد بنماید تا یک غذای غیرطبیعی و مسموم‌کننده آماده نماید که به ذائقه خراب شده او مزه بکند.

اما همه ما، انسان را یک موجود همه چیزخوار می‌دانیم و تجربه‌های شخصی ما از زندگی نیز این را نشان می‌دهد؟

برخی گمان کرده‌اند و تکرار می‌نمایند که ساختمان بدن انسان گوشتخوار و همه‌چیز خوار درست شده و همه مردم کورکورانه آن را باور کرده‌اند. بدون این‌که اندکی در این باب تعمق بنمایند و حال آن که این یک افسانه بوج و خالی از حقیقت است.

چنانچه «کوویبه» دانشمند بزرگ نیز می‌گوید: «خوراک طبیعی انسان، براساس ساختمان بدن او به نظر می‌آید که صومما میوه‌ها و ریشه‌ها و قسمت‌های ابدار نباتات است. دست‌های او به آسانی برای چیدن آن‌ها به کار می‌رود و از یک طرف آرواره‌های او کوتاه و کم زور است و از طرف دیگر دندان‌های کلیبی او از سایر دندان‌هایش بلندتر نیست و به او اجازه نمی‌دهد که نه علف بخورد و نه گوشت جانوران را بردرد. او این خوراک را به وسیله پختن آماده می‌کند.

دانشمندان بزرگ تاریخ مانند: داروین، هگل، هوکسلی، فلورنس و... در این مورد هم عقیده هستند و هر کدام به نوبت خودشان ثابت کرده‌اند که انسان میوه‌خوار است.

معده انسان خیلی نازک و کم زورتر از معده حیوانات گوشتخوار است. غده معده انسان، ازت زیادی که در گوشت است را نمی‌تواند مانند گوشتخواران تبدیل به آمونیاک کند. کبد انسان نمی‌تواند ازت گوشت را دفع یکنند. همین سبب دچار امراض نفرس، روماتیسم و ناخوشی اعصاب (و بسیاری بیماری‌های جسمی و روحی دیگر) می‌شود.

روده‌های گوشتخواران کوتاه و گوشت فاسد شده در آنجا توقف نمی‌کنند. درازای روده‌های انسان یک دلیل دیگر است که گوشتخوار نیست؛ زیرا که در روده‌های انسان گوشت‌مانده، فاسد می‌شود و تولید میکروب‌های کشنده می‌نماید.

همه دلیل‌ها گواهی می‌دهد که انسان گوشتخوار نیست و نه تنها ساختمان درونی او میوه‌خوار درست شده بلکه ساختمان خارجی، نوع زندگانی، عادت‌ها، روش و اخلاق او گواهی می‌دهد.

یعنی شما بر این عقیده هستید که بسیاری از امراض انسان ناشی از خوردن گوشت است؟

آری، مثلاً در سرزمین‌هایی که دو نژاد یکسان با دو خوراک مختلف در یک آب و هوا زندگی می‌کنند، مثلاً در هندوستان، ایرلند، انگلیس و کشورهای دیگر دیده می‌شود گروهی که گوشتخوار هستند به سرطان و بیماری‌های دیگر مبتلا می‌شوند، در صورتی که گیاهخواران از این ناخوشی‌ها ایمن هستند.

انسان به‌واسطه استعمال خوراک‌های ساختگی و من‌درآوردی، سلامتی خود را از دست داده و بنیه او به تحلیل رفته و تخم ناخوشی‌های گوناگون در او رشد و نمو می‌کند. شما می‌فرمایید که انسان گوشت‌خام نمی‌تواند بخورد؛ صحیح، اما انسان آن را روی آتش پخته یا گیاه می‌کند و می‌خورد؟

هیچ‌یک از موجودات خوراک خود را نمی‌پزند. اما انسان دقت کاملی در این کار می‌نماید. در صورتی که این رفتار برخلاف قوانین است و از این جهت بدن هیچ‌وقت قوای لازم را نگرفته؛ به‌علاوه یک مقدار زیاد از زهرها داخل آن می‌گردد و هرگاه از آمیوه خام و سبزی‌ها، آشپج‌های زندگی [عناصر لازم] به آن نرسد بدون شک خواهد مرد.

خوردن گوشت از نظر شما روی خلقیات انسان هم تاثیر می‌گذارد؟
شکی نیست که گوشتخواری باعث درندگی می‌شود. همه کسانی که آرزومند پیشرفت اخلاقی و بهبودی حالت اسفناک جامعه بوده‌اند، در انتشار این عقیده کوشیده‌اند. اگر دکان عرق‌فروشی، قصایی، ماهیگیری و مرغ‌فروشی را می‌بستند، تا اندازه‌ای صلح عمومی و برادری آدمیان صورت خارجی می‌گرفت. بزرگان زیادی طرفدار گیاهخواری بوده و گوشت را مضموم می‌شمرند.

مثلاً چه کسانی؟ چند نفر از آنها را به ما معرفی کنید؟
حضرت امیر که زندگانی ریاضت‌مندانه داشت، راجع به گوشتخواری می‌فرماید: «لاتجعلو بطونکم مقابر الحیوانات»؛ یعنی: شکم‌هایتان را مقبره حیوانات نکنید.

همچنین بسیاری از بزرگان و متفکران دنیا همین روش فناخوردن (گیاهخواری) را پیروی می‌نمایند. برای نمونه بعضی از این قرارند: بودا، زرتشت، مغان ایران، دانشمندان هند، گاهنان مصر، فلاسفه یونان، قیثاقورث، هومر، سقراط، افلاطون، ارسطو، پلوتارک، اپیکور، سنکا، پلین، مارکورل، ویرژیل، زنون، رهبانان ترسایی، فلاسفه، عرفا و متصوفان اسلامی مانند: حضرت امیر، ابوعلی سینا، ناصر خسرو، شیخ نجم‌الدین رازی، ابوالغلا معری، شیخ عطار، مولوی، فیسیون یزدانیان، مزدیسنان و بسیاری شخصیت‌های دیگر.

از نظر اقتصادی تفاوت رژیم‌های گوشتی و گیاهی را چگونه می‌بینید؟
خوراک‌های نباتی، برتری مهمی از نقطه‌نظر اقتصاد بر تغذیه حیوانی نشان می‌دهند، قیمت آنها بیش از ثلث خوراک‌های حیوانی نیست؛ به‌علاوه مواد سمی در اینها نیست و به تجربه رسیده که صومما خوراک‌های مضر گران‌تر هم تمام می‌شود. پس ترک نمودن آنها نه تنها برای سلامتی مفید خواهد بود، بلکه برای صرفه‌جویی نیز سودمند است.

نکته دیگر اینکه غذاهای گیاهی را می‌توان ذخیره کرد اما غذاهای حاصل از مواد دامی این چنین نیست؛ تنها کشاورزان کاملاً مطمئن هستند که از ذخیره وسیعی که حاصل آنها می‌دهد، می‌توانند در هنگام کم‌یابی زندگی خودشان را تأمین نمایند. 🍌



این که چه باید بخوریم پرسشی است که با معانی و مفاهیمی از قبیل لذت بردن، رعایت سلامت، در نظر گرفتن اصول اخلاقی و پست‌دیده و راه و روش‌ها و ... همراه است.

دانشمندان علوم غذایی اعتقاد دارند که نکات فوق طی مرور زمان در جوامع اروپایی، آمریکا و سایر کشورها تغییر پیدا کرده و از چارچوبی براساس برآورده کردن خواسته‌های جسمی تا تمرکز بر عناصر غذایی و در یک نگرش کلی بر مبنای منطقی، شکل گرفته است.



در طول قرن‌ها، چارچوب رژیم غذایی برای اروپایی‌ها براساس چهار ماده بود که پزشکان اعتقاد داشتند زمینه‌ساز ساختار بدن انسان هستند.

این چهار ماده عبارت بودند از: خون، صفرا، بلغم و سودا (صفرای سیاه). این چهار عنصر به خصوصیات فرد و به قصول سال، مراحل سنی از روند زندگی و کیفیت هوا که شامل گرما، سرما، خشکی و رطوبت است بستگی دارند و این به آن معنا که غذای درست و واقعی به ویژگی‌های فردی هر شخص و شرایط زندگی، ارتباط دارد.

یک شخص تمامی مزاج که ماده خون بر وی غلبه دارد دارای طبعی گرم و مرطوب است و طبیعتاً از غذاهای گرم و مرطوب خوش می‌آید که بویژه این حالت در ایام سرد و پاییز، روزگار کهنسالی یا محیط‌های سرد و خشک بیشتر نمود پیدا می‌کند.

موازین علمی چگونه غذا خوردن

تعالی و توازن درست بین موضوعات سلامتی و درست بودن خواسته‌ها از آن ناشی می‌شود که پرخوری و شکم‌بارگی می‌تواند موجب عوارض و بیماری‌زایی شود.

این توجه به چگونگی غذا خوردن از زمان یونان باستان به‌جا مانده و در دنیای مدرن نیز با قوت تمام رعایت می‌شود. بعضی از موازین از قرن نوزده شروع به تغییر کرد و نظریات جدید علمی در غذا خوردن پای به عرصه گذاشت. یک شیمیدان، به نام یوستوس فون لیبیش (به آلمانی Justus von Liebig)، غذا را در ارتباط با مواد تشکیل‌دهنده آن شرح داده که می‌توانند در بدن سوخته و به انرژی تبدیل شوند. در مراحل بعدی موضوع «کالری» به دانشمندان اجازه داد تا غذاها را بر مبنای ارزش آنها و مقدار انرژی که تولید می‌کنند، دسته‌بندی نمایند.

بنابراین نماد پیچیده قوانین رژیم غذایی به نوبه خود براساس ویژگی‌ها و قضایی که مصرف می‌شوند، شکل گرفت. از نظر «لیبیش»، بدن انسان‌ها در سرتاسر جهان، متمایز از خصوصیات انفرادی یکسان است، چرا که وی عقیده دارد بدن تمام انسان‌ها از مواد شیمیایی مشابهی ساخته شده است.

دانش مواد غذایی

موضوعی به نام «دانش مواد غذایی»، توان و نیروی کارشناسان را

مورد محک قرار داد و به حمایت از برنامه‌های مرتبط با سلامت عمومی

پرداخت. آنها شروع به برآورد میزان کالری و پروتئین در غذای تهیه شده برای زندانیان و نیروهای نظامی کردند و نیاز غذایی را با برچسب‌هایی مشخص کردند. در سال‌های دهه ۱۹۶۰، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دوباره نظر خود را در مورد غذا تغییر دادند. مجموعه متنوعی از رفتارها، مواد ارگانیکی، آهسته غذا خوردن، خرید مواد غذایی محلی، بومی، سنتی و چیزهایی از این قبیل به شکل گزینه‌های جدید درآمدند.

در این‌جا منظور از غذای سالم، متنوع بودن و خوشمزه بودن را نیز شامل می‌شود.

به گفته یکی از کارشناسان، یک غذای ارگانیکی و

محلی این‌گونه است که می‌تواند به پیروی از محیط‌زیست باشد

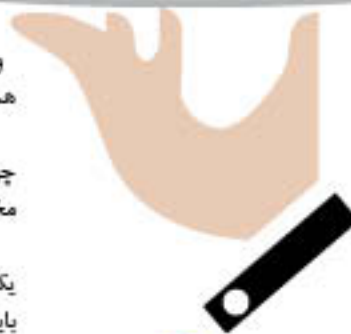
و عملاً آدم را بنا بر آن چه از نظر جسمی به آن متکی است، تحت‌تأثیر قرار دهد یا می‌تواند همان چیزی باشد که می‌توان خورد و هضم کرد.

این روند تغذیه‌ای متکی بر طبیعت، از سوی برخی از کارشناسان تغذیه مورد نقد قرار گرفت، چرا که در مقابل آن، سیستم‌های غذایی صنعتی قرار دارند که می‌توان آن‌ها را به اشکال مختلف عرضه و ترکیبات شیمیایی جدیدی به آن‌ها افزود.

اما این سیستم‌ها با عادات غذایی انسان‌ها بسیار متفاوتند و غذا خوردن را به صورت یک پرسش مطرح می‌کنند که انسان براساس جوامعی که در آن‌ها زندگی می‌کنند چه باید بخورد؟



دانش مواد غذایی تغییر مفهوم «غذای خوب» در طول زمان





Deland

www.deland.ir



دلند

دلند همیشه سر بلند

تلفن کارخانه: ۰۱۷-۳۵۸۶۶۰۰۰
تلفن مرکز پخش تهران: ۰۲۱۸۸۹۳۱۰۷۰ و ۸۰

MULTICAFÉ

Classic



مولتی کافه کافیسٹ!

📷 [multicafe.info](https://www.multicafe.info)
www.multicafe.ir



TECHNOGEN
international company



GIANT
BY TOBRACO



فروش ویژه



۳ مدل از دستگاه‌های جایت با شرایط استثنایی
مینی لودرهای جایت با قابلیت اتصال تجهیزات متنوع
با به کارگیری در عرصه‌های مختلف صنعتی، عمرانی و کشاورزی




تهران، بلوار میرداماد، شماره ۴۴۲ (ساختمان مهتاب)، طبقه سوم
۰۲۱-۸۸۸۸۰۵۷۷ ۰۹۱۲-۹۹۴۷۱۰
www.technogen.ir info@technogen.ir

- ♦ شرکت گیاه با بیش از پنجاه سال سابقه در امر تولید نهاده های کشاورزی، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی
- ♦ تولید کننده سموم، کودهای شیمیایی و کودهای مرکب در ایران



www.Gyah.ir

 Gyahcorp

کیلومتر ۲۴ جاده مخصوص کرج، گرمدره، خیابان
تاجبخش، انتهای کوچه شهید احمدی، کارخانجات گیاه
تلفن: ۰۲۶-۳۶۱۰۳۲۹۲، فکس: ۰۲۶-۳۶۱۰۳۲۹۰، کدپستی: ۳۱۶۴۸۴۷۵۹۱

